

جزوه قانون اساسی به همراه نظریات تفسیری و مشورتی شورای نگهبان

به انضمام تست های آزمون وکالت مرکز وکلای
قوه قضاییه و قانون وکلای دادگستری (اسکودا)

جمع آوری: دکتر امید ملاکریمی (وکیل پایه یک دادگستری و عضو هیأت علمی دانشگاه)

به کوشش: انور یوسفی

ویژه آزمون وکالت مرکز وکلای قوه قضاییه و کارشناسی ارشد و دکتری حقوق

موفقیت در آزمون های حقوقی آرزوی شیرینی است؛ این موفقیت هیچ معجون جادویی یا فرمول سزی ندارد! این نخستین بار است که کامل ترین و ساده ترین «جزوه قانون اساسی» به صورت رایگان قابل دریافت است. این جزوه به روشی ساده - اما شگفت انگیز - موفقیت شما را در ماده امتحانی «جزوه قانون اساسی به همراه نظریات تفسیری و مشورتی شورای نگهبان» تضمین می کند.

یه عبارت از کتاب «کیمیاگر» نوشته پائولو کوئیلو رو براتون می آرم: «وقتی با تمام وجود و از درون، چیزی را می خواهید تمام کائنات دست در دست هم می دهند تا خواسته شما را اجابت کنند. آرزوها، زبان خداوند هستند، در این جهان، حقیقتی بزرگ وجود دارد، هر کس که باشی یا هر عملی که از تو سر می زند و وقتی چیزی را از ته قلبت بخواهی آنگاه این خواسته تو از وجود این جهان سرچشمه می گیرد و تو مأمور انجام آن می شوی» خواستم بگویم که اگر این جزوه به دست شما رسیده، حکمتی در آن است!

مهم: آخرین نسخه بروزرسانی شده این جزوه را از وبسایت دکتر ملاکریمی بگیرید.

آخرین بروزرسانی: ۱۴۰۲

داستان من! امید ملاکریمی هستم مدرس دانشگاه، عضو هیأت علمی و وکیل پایه یک دادگستری و همینطور تدوین‌کننده جزوات آزمون‌های حقوقی. می‌خواهم داستان جالب براتون تعریف کنم، یادمه زمانی که مدرک کارشناسیم رو گرفتم خبر اوون موقع مثل الان اینجوری در فضای مجازی فایل‌های صوتی یا جزوات در دسترس نبود؛ یه دوستی داشتیم که توی کلاسای یکی از مؤسسات آموزشی که توی تهران بود شرکت کرده بود و سر کلاس جزواتی را که اساتید می‌گفتن رو با یه خط خیلی بدی نوشته بود؛ خلاصه من هم که توان شرکت در اوون کلاس‌ها در اون زمان نداشتم ازش خواهش کردم که کپی اون‌ها رو در اختیارم بگذاره، بهم گفت که من اوومدم توی یه خونه‌ای که در شهرستان دارم و برای آزمون وکالت می‌خونم و دسترسی و امکان تهیه کپی ندارم؛ گفت که برو فلان آدرس توی تهران (که آدرس همون مؤسسه آموزشی بود) برو واحد انتشاراتش و جزوات رو بخر! خوشحال شدم و رفتم اونجا، یه آقای مُسِنی توی قسمت تکثیر یا همون واحد انتشارات اون مؤسسه نشسته بود و تا گفتم جزوه فلان اساتید رو می‌خواهم بهم گفت دانشجوی مؤسسه هستی؟ گفتم که نه! گفت بین پسر جون! اینجا یه مؤسسه است که داره کار تجاری انجام می‌ده اینجوری که مثلاً استاد به جزوه ۲۰۰ صفحه‌ای میده به من که تکثیر کنم و بدم به دانشجویهای همین مؤسسه که کلاس‌های اوون استاد در اوون درس خاص رو شرکت کردن؛ حرفش رو قطع کردم بهش گفتم: «می‌تونم خواهش کنم که همین جزوه‌ها رو به من بدین؟»؛ گفت: «وایسا هنوز حرفم تموم نشده!»؛ گفتم: «ببخشید، بفرمایید!» ادامه داد که «اون استاده که جزوه ۲۰۰ صفحه‌ای تایی رو در اختیار دانشجویها قرار داده اینجوری نیست که کلّ کلید یا فرمول یا دستورالعمل قبولی رو پده به دست من که تکثیر شه!» ادمه داد که: «همون استاد به بچه‌ها سر کلاس جزوه هم می‌گه که بنویسن و جزوه دست‌نویس می‌شه مکمل این جزوه تایی و گفت جالب‌تر اینکه در همین جزوه تاپ شده هم ایراداتی وجود داره که سرکلاس به بچه‌ها می‌گه که اصلاحش کن!» ادامه داد: «بعله اینجوریاس!»؛ خیلی ناراحت شدم از اینکه چرا باید اوون‌هایی که به این کلاس دسترسی دارن یا توان مالی دارن قبول بشن، از طرف دیگه هم از اون دوستم ناراحت شدم که چرا منو پیچوند! زنگ زدم بهش گفتم ماجرا از این قراره؛ متوجه کاری که باهام انجام داده بود شد، خواست جبران کنه، بهم گفت پاشو بیا اینجا و از جزوات نُت‌برداری کن، البته بازم نگفت که بهت کپی‌ها رو می‌دم! شاید حق داشت چون هزینه کرده بود و نمی‌خواست یه رقیب اضافه بشه! منم که «مُصر بودن» و «پیگیر بودن» اَصَن تو ذاتمه کوبیدم رفتم اونجا؛ پنج ساعت توی راه بودم و خلاصه بهم محبت کرد و سه شبانه روز ازم پذیرایی کرد و یک دونه از این میزهایی که مَلاَها دارن بهم داد که بنشینم و یادداشت‌برداری کنم؛ بعد از اینکه کارم تموم شد و با اتوبوس در مسیر برگشت بودم در حالی که داشتم به انگشت بزرگ دست راستم که کبود شده بود (اینقدر که نوشته بودم!) نگاه می‌کردم توی این فکر بودم که اگه یکی این رفیقی که من داشتم رو نداشتم و امکان حضور در این کلاس‌ها رو هم به جهت عدم توانایی مالی نداشتم مسلماً از پیشرفت باز می‌موند و البته نتیجه، این می‌شد که فقر و زندگی کردن توی نقاط دورافتاده و محروم باعث باز موندن آدم‌های مُستعد می‌شه، البته بگذریم که معدود اساتیدی هم هستند که همه چیز رو در مادیات می‌دونن و اون‌ها هم در خصوص عدم پیشرفت این آدم‌های مستعد مسؤولند؛ تو همین فکر بودم که یهو به جمله از یکی از معلم‌هام یادم اومد، گفته بود که: «اگر با خدا وعده کنی که یه بخشی از کارت رو در آینده به اون‌هایی که نیاز به خدمت تو دارن تَبَرُّعاً خیر کنی جواب خوبی می‌گیری»، خلاصه به اون بزرگ‌بابا («خدا» رو می‌گم) قول دادم که اگه قبول بشم یک به ده پول حاصله از وکالت یا قضاوت و همینطور یک‌دهم از زمان‌م رو به تدوین جزوات رایگان اختصاص بدم؛ اینجوری شد که سالی بعدش، خبر شیرین قبولیم رو بعد از مادرم، به خودش (یعنی خدا) دادم و گفتم بهش که: «از فردا، اجرای وعده‌م رو شروع می‌کنم الان ده سال از اون روز می‌گذره و من تمام جزوات مورد نیاز برای قبولی در آزمون‌های حقوقی رو کامل کردم؛ البته بگم که من نه یک به ده؛ بلکه نه به ده مالم و وقتم رو به این مهم اختصاص دادم و البته خدا در تمام این سال‌ها آدم‌هایی رو سرِ راهم گذاشت که بهم کمک کردن و وجودشون مایه رحمت بود؛ خلاصه اینکه به گفته قرآن «رحمت خدا به نیکوکاران نزدیک است!» و من دست‌های او را در کلیه امورم دیدم؛ امروز که این متن را برای اولین بار می‌خونید خرسندم از اینکه جزواتم روزانه صدها مرتبه دائلود می‌شود و خدا را شاکرم که داوطلبان از کامل بودن و بی‌نقص بودن اون‌ها صحبت می‌کنن؛ من تردید ندارم که مطالعه جزواتم برای موفقیت در آزمون‌ها (البته در کنار خواندن قانون) کافی است. این جزوات کاملاً رایگان است (و دائماً بروز می‌شه) و یه خواهش از شما دارم که فقط یکی از جزوات رو دائلود کنید و اگه به معجزه اون‌ها پی بردین اون‌ها رو به دوستان‌تون معرفی کنین، من برای گسترش این کار خیر به کمک شما نیاز دارم؛ بدون وجود شما محاله که به این منابع کنکوری دست پیدا کنند. البته بدونید این کار خیر شما هم بهتون برمی‌گرده!

تصمیم گرفتم که برای این مبحث آزمونی که داوطلبان برای فراگیری آن دچار مشکل بوده و متأسفانه به منبع جامع و ساده‌فهم دسترسی نداشته و بعضاً درگیر تَشَتُّب منابع می‌شوند جزوه کاملی رو تهیه کنم که شرح روان و بیانی ساده دارد. سعی بر آن شده که جامعیت در کنار اختصار بنشیند و مطالب به نحوی تدوین شود که نظم منطقی اوون به سردرگمی تبدیل نشه. مطالعه‌ی این جزوه به داوطلبان شرکت در آزمون تخصصی حقوقی وکالت مرکز وکلای قوه قضاییه توصیه می‌شود. ضمناً باید بگم: ده‌ها جزوه سُبُک و روانِ حقوقی که به طور شگفت‌انگیزی شیوا و گیرا و رسا توضیح دادم و قول می‌دم که اگه فقط یکی از اوون‌ها رو از سایت (www.mollakarimi.ir) بگیرید و مطالعه کنید به جزواتم اعتیاد پیدا می‌کنید! در آخر، باید بگم که جزوات سایت **MollaKarimi.ir** و حتی این نوشته دائماً با توجه به سرفصل‌های جدید و آخرین تغییرات قوانین، به روز می‌شه و چنانچه پی.دی.اف یا نسخه چاپ‌شده جزوه رو در دست دارید بهتره مجدداً از سایت، نسخه به روز رو دائلود کنید. ضمناً ما کارگاهی داریم که متفاوت از بقیه کارگاه‌هاست! اسم کارگاه ما، «کارگاه

تولید محتوای حقوقی» است که می‌توانید اینستاگرام (@vekalatyar) و تلگرام ما (@omidmollakarimi) رو دنبال کنید تا کلی محتوای حقوقی خوب رو به رایگان مشاهده و دریافت کنید.

توجه: این جزوه برای تدریس در دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزشی توسط معلم (امید ملاکریمی) تهیه و تکثیر شده و جنبه انتفاعی نداشته و تکثیر و نسخه‌برداری از آن، بدون قصد سودجویی و «تنها با ذکر منبع» مجاز می‌باشد، در غیر این صورت، قانوناً ضمان‌آور است. نگارنده، سپاسگزار خوانندگانی خواهد بود که نظرات، پیشنهادها و انتقادات خود را پیرامون این نوشتار از طریق واتساپ فوق یا ایمیل «mollakarimi.omid@gmail.com» بیان فرمایند.

تقدیم به تمام کسانی که تابه حال هیچ‌به‌آن‌ها تقدیم نشده است؛ تقدیم به کنمان!

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ

مقدمه

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مبین نهادهای فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جامعه ایران بر اساس اصول و ضوابط اسلامی است که انعکاس خواست قلبی امت اسلامی می‌باشد. ماهیت انقلاب عظیم اسلامی ایران و روند مبارزه مردم مسلمان از ابتدا تا پیروزی که در شعارهای قاطع و کوبنده همه قشرهای مردم تبلور می‌یافت این خواست اساسی را مشخص کرده و اکنون در طلیعه این پیروزی بزرگ ملت ما با تمام وجود نیل به آن را می‌طلبید.

ویژگی بنیادی این انقلاب نسبت به دیگر نهضت‌های ایران در سده اخیر مکتبی و اسلامی بودن آن است، ملت مسلمان ایران پس از گذر از نهضت ضد استبدادی مشروطه و نهضت ضد استعماری ملی شدن نفت به این تجربه گرانبار دست یافت که علت اساسی و مشخص عدم موفقیت این نهضت‌ها مکتبی نبودن مبارزات بوده است. گرچه در نهضت‌های اخیر خط فکری اسلامی و رهبری روحانیت مبارز سهم اصلی و اساسی را بر عهده داشت، ولی به دلیل دور شدن این مبارزات از مواضع اصیل اسلامی، جنبش‌ها به سرعت به رکورد کشانده شد. از اینجا وجدان بیدار ملت به رهبری مرجع عالیقدر تقلید حضرت آیت الله العظمی امام خمینی ضرورت پیگیری خط نهضت اصیل مکتبی و اسلامی را دریافت و این بار روحانیت مبارز کشور که همواره در صف مقدم نهضت‌های مردمی بوده و نویسندگان و روشنفکران متعهد با رهبری ایشان تحرک نوینی یافت. (آغاز نهضت اخیر ملت ایران در سال هزار و سیصد و هشتاد و دو هجری قمری برابر با هزار و سیصد و چهل و یک هجری شمسی می‌باشد.)

طلیعه نهضت

اعتراض در هم کوبنده امام خمینی (ره) به توطئه آمریکایی «انقلاب سفید» که گامی در جهت تثبیت پایه‌های حکومت استبداد و تحکیم وابستگی سیاسی، فرهنگی و اقتصادی ایران به امپریالیزم جهانی بود عامل حرکت یکپارچه ملت گشت و متعاقب آن انقلاب عظیم و خونبار امت اسلامی در خردادماه ۴۲ که در حقیقت نقطه آغاز شکوفایی این قیام شکوهمند و کسترده بود مرکزیت امام را به عنوان رهبری اسلامی تثبیت و مستحکم نمود و علی‌رغم تبعید ایشان از ایران در پی اعتراض به قانون ننگین کاپیتولاسیون (مصونیت مستشاران آمریکایی) پیوند مستحکم امت با امام

همچنان استمرار یافت و ملت مسلمان و به ویژه روشنفکران متعهد و روحانیت مبارز راه خود را در میان تبعید و زندان، شکنجه و اعدام ادامه دادند.

در این میان قشر آگاه و مسئول جامعه در سنگر مسجد، حوزه‌های علمیه و دانشگاه به روشنگری و با الهام از مکتب انقلابی و پربار اسلام تلاش پی‌گیر و ثمر بخشی را در بالا بردن سطح آگاهی و هوشیاری مبارزاتی و مکتبی ملت مسلمان آغاز کرد. رژیم استبداد که سرکوبی نهضت اسلامی را با حمله دژخیمانه به فیضیه و دانشگاه و همه کانون‌های پرخروش انقلاب آغاز نموده بود به مذبوحانه ترین اقدامات ددمنشانه جهت رهایی از خشم انقلابی مردم دست زد و در این میان جوخه‌های اعدام، شکنجه‌های قرون وسطایی و زندان‌های درازمدت، بهایی بود که ملت مسلمان ما به نشانه عزم راسخ خود به ادامه مبارزه می‌پرداخت. خون صدها زن و مرد جوان و با ایمان که سحرگاهان در میدان‌های تیر فریاد «الله اکبر» سر می‌دادند یا در میان کوچه و بازار هدف گلوله‌های دشمن قرار می‌گرفتند انقلاب اسلامی را تداوم بخشید، بیانی‌ها و پیام‌های پی‌درپی امام به مناسبت‌های مختلف، آگاهی و عزم امت اسلامی را عمق و گسترش هر چه فزون‌تر داد.

حکومت اسلامی

طرح حکومت اسلامی بر پایه ولایت فقیه که در اوج خفقان و اختناق رژیم استبدادی از سوی امام خمینی ارائه شد انگیزه مشخص و منسجم نوینی را در مردم مسلمان ایجاد نمود و راه اصیل مبارزه مکتبی اسلام را گشود که تلاش مبارزان مسلمان و متعهد را در داخل و خارج کشور فشرده‌تر ساخت.

در چنین خطی نهضت ادامه یافت تا سرانجام نارضایی‌ها و شدت خشم مردم بر اثر فشار و اختناق روزافزون در داخل و افشارگری و انعکاس مبارزه به وسیله روحانیت و دانشجویان مبارز در سطح جهانی، بنیان‌های حاکمیت رژیم را به شدت متزلزل کرد. و به ناچار رژیم و اربابانش مجبور به کاستن از فشار و اختناق و به اصطلاح باز کردن فضای سیاسی کشور شدند تا به گمان خویش دریچه اطمینانی به منظور پیشگیری از سقوط حتمی خود بگشایند. اما ملت برآشفته و آگاه و مصمم به رهبری قاطع و خلل‌ناپذیر امام، قیام پیروزمند و یکپارچه خود را به طرز گسترده و سراسری آغاز نمود.

خشم ملت

انتشار نامه توهین‌آمیز به ساحت مقدس روحانیت و به ویژه امام خمینی در ۱۷ دی ۱۳۵۶ از طرف رژیم حاکم این حرکت را سریع‌تر نمود و باعث انفجار خشم مردم در سراسر کشور شد و رژیم برای مهار کردن آتشفشان خشم مردم کوشید این قیام معترضان را با به خاک و خون کشیدن خاموش کند اما این خود خون بیشتری در رگ‌های انقلاب جاری ساخت و طپش‌های پی‌درپی انقلاب در هفتم‌ها و چهلم‌های یاد بود شهدای انقلاب، حیات و گرمی و جوش یکپارچه و هر چه فزون‌تری به این نهضت در سراسر کشور بخشید و در ادامه و استمرار حرکت مردم تمامی سازمان‌های کشور با اعتصاب یکپارچه خود و شرکت در تظاهرات خیابانی در سقوط رژیم استبدادی مشارکت فعالانه جستند. همبستگی گسترده مردان و زنان از همه اقشار و جناح‌های مذهبی و سیاسی در این مبارزه به طرز چشمگیری تعیین کننده بود، و مخصوصاً زنان به شکل بارزی در تمامی صحنه‌های این جهاد بزرگ حضور فعال و گسترده‌ای داشتند، صحنه‌هایی از آن نوع که مادری را با کودکی در آغوش، شتابان به سوی میدان نبرد و لوله‌های مسلسل نشان می‌داد بیانگر سهم عمده و تعیین کننده این قشر بزرگ جامعه در مبارزه بود.

بهایی که ملت پرداخت

نهای انقلاب پس از یک سال و اندی مبارزه مستمر و پیگیر با باروری از خون بیش از شصت هزار شهید و صد هزار زخمی و معلول و با بر جای نهادن میلیاردها تومان خسارت مالی در میان فریادهای: «استقلال، آزادی، حکومت اسلامی» به ثمر نشست و این نهضت عظیم که با تکیه بر ایمان و وحدت و قاطعیت رهبری در مراحل حساس و هیجان آمیز نهضت و نیز فداکاری ملت به پیروزی رسید موفق به درهم کوبیدن تمام محاسبات و مناسبات و نهادهای امپریالیستی گردید که در نوع خود سرفصل جدیدی بر انقلابات گسترده مردمی در جهان شد.

۲۱ و ۲۲ بهمن سال یک هزار و سیصد و پنجاه و هفت روزهای فرو ریختن بنیاد شاهنشاهی شد و استبداد داخلی و سلطه خارجی متکی بر آن را در هم شکست و با این پیروزی بزرگ طلیعه حکومت اسلامی که خواست دیرینه مردم مسلمان بود نوید پیروزی نهایی را داد.

ملت ایران به طور یکپارچه و با شرکت مراجع تقلید و علمای اسلام و مقام رهبری در همه پرسی جمهوری اسلامی تصمیم نهایی و قاطع خود را بر ایجاد نظام نوین جمهوری اسلامی اعلام کرد و با اکثریت ۹۸/۲٪ به نظام جمهوری اسلامی رأی مثبت داد.

اکنون قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به عنوان بیانگر نهادهای و مناسبات سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی جامعه باید راهگشای تحکیم پایه‌های حکومت اسلامی و ارائه دهنده طرح نوین نظام حکومتی بر ویرانه‌های نظام طاغوتی قبلی گردد.

شیوه حکومت در اسلام

حکومت از دیدگاه اسلام، برخاسته از موضع طبقاتی و سلطه‌گری فردی یا گروهی نیست بلکه تبلور آرمان سیاسی ملتی هم کیش و هم فکر است که به خود سازمان می‌دهد تا در روند تحول فکری و عقیدتی راه خود را به سوی هدف نهایی (حرکت به سوی الله) بگشاید. ملت ما در جریان تکامل انقلابی خود از غبارها و زنگارهای طاغوتی زدوده شد و از آمیزدهای فکری بیگانه خود را پاک نمود و به مواضع فکری و جهان بینی اصیل اسلامی بازگشت اکنون بر آن است که با موازین اسلامی جامعه نمونه (اسوه) خود را بنا کند. بر چنین پایه‌ای، رسالت قانون اساسی این است که زمینه‌های اعتقادی نهضت را عینیت بخشد و شرایطی را به وجود آورد که در آن انسان با ارزش‌های والا و جهانشمول اسلامی پرورش یابد.

قانون اساسی با توجه به محتوای اسلامی انقلاب ایران که حرکتی برای پیروزی تمامی مستضعفین بر مستکبرین بود زمینه تداوم این انقلاب را در داخل و خارج کشور فراهم می‌کند؛ به ویژه در گسترش روابط بین‌المللی، با دیگر جنبش‌های اسلامی و مردمی می‌کوشد تا راه تشکیل امت واحد جهانی را هموار کند. (ان هذ امتکم امه واحده وانا ربکم فاعبدون) و استمرار مبارزه در نجات ملل محروم و تحت ستم در تمامی جهان قوام یابد.

با توجه به ماهیت این نهضت بزرگ، قانون اساسی تضمین‌گر نفی هر گونه استبداد فکری و اجتماعی و انحصار اقتصادی می‌باشد و در خط گسستن از سیستم استبدادی، و سپردن سرنوشت مردم به دست خودشان تلاش می‌کند. (وَ يَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَ الْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ)

در ایجاد نهادهای و بنیادهای سیاسی که خود پایه تشکیل جامعه است بر اساس تلقی مکتبی، صالحان عهده‌دار حکومت و اداره مملکت می‌گردند. (أَنَّ الْأَرْضَ يَرْثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ) و قانون‌گذاری که مبین ضابطه‌های مدیریت اجتماعی است بر مدار قرآن و سنت، جریان می‌یابد. بنابراین نظارت دقیق و جدی از ناحیه اسلام شناسان معادل و پرهیزگار و متعهد (فقای عادل) امری محتوم و ضروری است و چون هدف از حکومت، رشد دادن انسان در حرکت به سوی نظام الهی است (وَ إِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ) تا زمینه بروز و شکوفایی استعدادها به منظور تجلی ابعاد خود گونگی انسان فراهم آید (تخلقوا باخلاق الله) و این جز در گرو مشارکت فعال و گسترده تمامی عناصر اجتماع در روند تحول جامعه نمی‌تواند باشد.

با توجه به این جهت، قانون اساسی زمینه چنین مشارکتی را در تمام مراحل تصمیم‌گیری‌های سیاسی و سرنوشت‌ساز برای همه افراد اجتماع فراهم می‌سازد تا در مسیر تکامل انسان هر فردی خود دست اندرکار و مسئول رشد و ارتقاء و رهبری گردد که این همان تحقق حکومت مستضعفین در زمین خواهد بود. (وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ)

ولایت فقیه

بر اساس ولایت امر و امامت مستمر، قانون اساسی زمینه تحقق رهبری فقیه جامع الشرایطی را که از طرف مردم به عنوان رهبر شناخته می‌شود (مجاری الامور، بیدالعلماء بالله الامناء علی حلاله و حرامه) آماده می‌کند تا ضامن عدم انحراف سازمان‌های مختلف از وظایف اصیل اسلامی خود باشند.

اقتصاد وسیله است نه هدف

در تحکیم بنیادهای اقتصادی، اصل، رفع نیازهای انسان در جریان رشد و تکامل اوست نه همچون دیگر نظام‌های اقتصادی تمرکز و تکاثر ثروت و سودجویی، زیرا که در مکاتب مادی، اقتصاد خود هدف است و بدین جهت در مراحل رشد، اقتصاد عامل تخریب و فساد و تباهی می‌شود؛ ولی در اسلام اقتصاد وسیله است و از وسیله انتظاری جز کارائی بهتر در راه وصول به هدف نمی‌توان داشت.

با این دیدگاه برنامه اقتصادی اسلامی فراهم کردن زمینه مناسب برای بروز خلاقیت‌های متفاوت انسانی است و بدین جهت تأمین امکانات مساوی و متناسب و ایجاد کار برای همه افراد و رفع نیازهای ضروری جهت استمرار حرکت تکاملی او بر عهده حکومت اسلامی است.

زن در قانون اساسی

در ایجاد بنیادهای اجتماعی اسلامی، نیروهای انسانی که تاکنون در خدمت استثمار همه جانبه خارجی بودند هویت اصلی و حقوق انسانی خود را باز می‌یابند و در این بازیابی طبیعی است که زنان به دلیل ستم بیشتری که تاکنون از نظام طاغوتی متحمل شده‌اند استیفای حقوق آنان بیشتر خواهد بود. خانواده واحد بنیادین جامعه و کانون اصلی رشد و تعالی انسان است و توافق عقیدتی و آرمانی در تشکیل خانواده که زمینه ساز اصلی حرکت تکاملی و رشد یابنده انسان است اصل اساسی بوده و فراهم کردن امکانات جهت نیل به این مقصود از وظایف حکومت اسلامی است. زن در چنین برداشتی از واحد خانواده، از حالت (شیء بودن) و یا (ابزار کار بودن) در خدمت اشاعه مصرف زدگی و استثمار، خارج شده و ضمن بازیافتن وظیفه خطیر و پر ارج مادری در پرورش انسان‌های مکتبی پیش آهنگ خود هم‌رزم مردان در میدان‌های فعال حیات می‌باشد و در نتیجه پذیرای مسئولیتی خطیرتر و در دیدگاه اسلامی برخوردار از ارزش و کرامتی والاتر خواهد بود.

ارتش مکتبی

در تشکیل و تجهیز نیروهای دفاعی کشور توجه بر آن است که ایمان و مکتب، اساس و ضابطه باشد، بدین جهت ارتش جمهوری اسلامی و سپاه پاسداران انقلاب در انطباق با هدف فوق شکل داده می‌شوند و نه تنها حفظ و حراست از مرزها بلکه با رسالت مکتبی یعنی جهاد در راه خدا و مبارزه در راه گسترش حاکمیت قانون خدا در جهان را نیز عهده‌دار خواهند بود (وَ أَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَ مِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُزْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَ عَدُوَّكُمْ وَ آخِرِينَ مِنْ دُونِهِمْ).

قضا در قانون اساسی

مساله قضا در رابطه با پاسداری از حقوق مردم در خط حرکت اسلامی، به منظور پیشگیری از انحرافات موضعی در درون امت اسلامی امری است حیاتی، از این رو ایجاد سیستم قضایی بر پایه عدل اسلامی و متشکل از قضاات عادل و آشنا به ضوابط دقیق دینی پیش‌بینی شده است؛ این نظام به دلیل حساسیت بنیادی و دقت در مکتبی بودن آن لازم است به دور از هر نوع رابطه و مناسبات ناسالم باشد. (وَ إِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ)

قوه مجریه

قوه مجریه به دلیل اهمیت ویژه‌ای که در رابطه با اجرای احکام و مقررات اسلامی به منظور رسیدن به روابط و مناسبات عادلانه حاکم بر جامعه دارد و همچنین ضرورتی که این مساله حیاتی در زمینه سازی وصول به هدف نهایی حیات خواهد داشت بایستی راهگشای ایجاد جامعه اسلامی باشد. نتیجتاً محصور شدن در هر نوع نظام دست و پا گیر پیچیده که وصول به این هدف را کند و یا خدشه‌دار کند از دیدگاه اسلامی نفی خواهد شد. بدین جهت نظام بوروکراسی که زائیده و حاصل حاکمیت‌های طاغوتی است به شدت طرد خواهد شد تا نظام اجرایی با کارایی بیشتر و سرعت افزون‌تر در اجرای تعهدات اداری به وجود آید.

وسایل ارتباط جمعی

وسایل ارتباط جمعی (رادیو - تلویزیون) بایستی در جهت روند تکاملی انقلاب اسلامی در خدمت اشاعه فرهنگ اسلامی قرار گیرد و در این زمینه از برخورد سالم اندیشه‌های متفاوت بهره جوید و از اشاعه و ترویج خصلت‌های تخریبی و ضد اسلامی جداً پرهیز کند.

پیروی از اصول چنین قانونی که آزادی و کرامت ابناء بشر را سرلوحه اهداف خود دانسته و راه رشد و تکامل انسان را می‌گشاید بر عهده همگان است و لازم است که امت مسلمان با انتخاب مسئولین کاردان و مؤمن و نظارت مستمر بر کار آنان به طور فعالانه در ساختن جامعه اسلامی مشارکت جویند به امید اینکه در بنای جامعه نمونه اسلامی (اسوه) که بتواند الگو و شهیدی بر همگی مردم جهان باشد موفق گردد. (و کذالک جعلنا امه وسطاً لتکونوا شهداء علی الناس).

نمایندگان

مجلس خبرگان متشکل از نمایندگان مردم، کار تدوین قانون اساسی را بر اساس بررسی پیش‌نویس پیشنهادی دولت و کلیه پیشنهادهایی که از گروه‌های مختلف مردم رسیده بود در دوازده فصل که مشتمل بر یکصد و هفتاد و پنج اصل می‌باشد در طلیعه پانزدهمین قرن هجرت پیغمبر اکرم صلی‌الله علیه و آله و سلم، بنیانگذار مکتب رهایی بخش اسلام با اهداف و انگیزه‌های مشروح فوق به پایان رساند، به این امید که این قرن، قرن حکومت جهانی مستضعفین و شکست تمامی مستکبرین گردد

فصل اول: اصول کلی

اصل اول:

حکومت ایران جمهوری اسلامی است که ملت ایران، بر اساس اعتقاد دیرینه اش به حکومت حق و عدل قرآن، در پی انقلاب اسلامی پیروزمند خود به رهبری مرجع عالیقدر تقلید آیت الله العظمی امام خمینی، در همه پرسی دهم و یازدهم فروردین ماه یکهزار و سیصد و پنجاه و هشت هجری شمسی برابر با اول و دوم جمادی الاولی سال یکهزار و سیصد و نود و نه هجری قمری با اکثریت ۹۸/۲٪ کلیه کسانی که حق رأی داشتند، به آن رأی مثبت دادند.

اصل دوم:

جمهور اسلامی، نظامی است بر پایه ایمان به:

۱. خدای یکتا (لا اله الا الله) و اختصاص حاکمیت و تشریع به او و لزوم تسلیم در برابر امر او.
 ۲. وحی الهی و نقش بنیادی آن در بیان قوانین.
 ۳. معاد و نقش سازنده آن در سیر تکاملی انسان به سوی خدا.
 ۴. عدل خدا در خلقت و تشریع.
 ۵. امامت و رهبری مستمر و نقش اساسی آن در تداوم انقلاب اسلام.
 ۶. کرامت و ارزش والای انسان و آزادی توأم با مسئولیت او در برابر خدا، که از راه:
- الف - اجتهاد مستمر فقهای جامع الشرایط بر اساس کتاب و سنت معصومین سلام الله علیهم اجمعین،
- ب - استفاده از علوم و فنون و تجارب پیشرفته بشری و تلاش در پیشبرد آنها،
- ج - نفی هر گونه ستمگری و ستم‌کشی و سلطه‌گری و سلطه‌پذیری، قسط و عدل و استقلال سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی و همبستگی ملی را تأمین می‌کند.

اصل سوم:

دولت جمهور اسلامی ایران موظف است برای نیل به اهداف مذکور در اصل دوم، همه امکانات خود را برای امور زیر به کار برد:

۱. ایجاد محیط مساعد برای رشد فضایل اخلاقی بر اساس ایمان و تقوی و مبارزه با کلیه مظاهر فساد و تباهی.
۲. بالا بردن سطح آگاهی‌های عمومی در همه زمینه‌ها با استفاده صحیح از مطبوعات و رسانه‌های گروهی و وسایل دیگر.
۳. آموزش و پرورش و تربیت بدنی رایگان برای همه در تمام سطوح، و تسهیل و تعمیم آموزش عالی.
۴. تقویت روح بررسی و تتبع و ابتکار در تمام زمینه‌های علمی، فنی، فرهنگی و اسلامی از طریق تأسیس مراکز تحقیق و تشویق محققان.
۵. طرد کامل استعمار و جلوگیری از نفوذ اجانب.
۶. محو هر گونه استبداد و خودکامگی و انحصارطلبی.
۷. تأمین آزادی‌های سیاسی و اجتماعی در حدود قانون.
۸. مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش.
۹. رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه، در تمام زمینه‌های مادی و معنوی.

۱۰. ایجاد نظام اداری صحیح و حذف تشکیلات غیر ضرور.

۱۱. تقویت کامل بنیه دفاع ملی از طریق آموزش نظامی عمومی برای حفظ استقلال و تمامیت ارضی و نظام اسلامی کشور.

۱۲. پی‌ریزی اقتصادی صحیح و عادلانه بر طبق ضوابط اسلامی جهت ایجاد رفاه و رفع فقر و برطرف ساختن هر نوع محرومیت در زمینه‌های تغذیه و مسکن و کار و بهداشت و تعمیم بیمه.

۱۳. تأمین خودکفایی در علوم و فنون و صنعت و کشاورزی و امور نظامی و مانند اینها.

۱۴. تأمین حقوق همه جانبه افراد از زن و مرد و ایجاد امنیت قضایی عادلانه برای همه و تساوی عموم در برابر قانون.

۱۵. توسعه و تحکیم برادری اسلامی و تعاون عمومی بین همه مردم.

۱۶. تنظیم سیاست خارجی کشور بر اساس معیارهای اسلام، تعهد برادرانه نسبت به همه مسلمانان و حمایت بی‌دریغ از مستضعفان جهان.

اصل چهارم:

کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزایی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر اینها باید بر اساس موازین اسلامی باشد. این اصل بر اطلاق یا عموم همه اصول قانون اساسی و قوانین و مقررات دیگر حاکم است و تشخیص این امر بر عهده فقهای شورای نگهبان است.

استفساریه شماره: ۸۶/۳۰/۲۱۸۲۰ تاریخ: ۱۳۸۶/۴/۹

با توجه به اینکه قانون اساسی در اصول متعدد مانند اصول ۴ و ۹۱ تا ۹۹ قانون اساسی وظایف و اختیاراتی را مستقیماً به عهده شورای نگهبان گذاشته است و انجام آنها مستلزم وجود ساختار و ضوابط متناسب می‌باشد، همچنین با عنایت به آن که شورای نگهبان نهادی مستقل بوده و زیر نظر هیچ کدام از قوا و دیگر دستگاه‌ها نمی‌باشد، تصویب ضوابط و مقررات اداری، استخدامی، مالی و تشکیلاتی توسط مجلس شورای اسلامی و هیات وزیران و دیگر مقامات و دستگاه‌ها ممکن است موجب اختلال در انجام وظایف و اختیارات شورای نگهبان گردد و متناسب با وظایف تفویض شده نباشد.

اعضاء محترم شورای نگهبان نیز در آراء و نظرات قبلی خود به این مهم توجه داشته و این وضع قانون و یا انجام تحقیق و تفحص توسط مجلس شورای اسلامی نسبت به شورای نگهبان را مغایر با قانون اساسی شناخته‌اند. در این ارتباط توجه حضرت‌عالی و اعضاء محترم را به دو نظر صادره از سوی این شورا جلب می‌نمایم.

در تاریخ ۱۳۷۲/۱۰/۵ طرح استخدامی کارکنان مجلس شورای اسلامی مصوب جلسه ۱۳۷۲/۵/۶ آن مجلس واصل گردید که در جلسه ۱۳۷۲/۵/۲۷ شورای نگهبان مطرح و نظر شورا متعاقباً اعلام شد.

از آنجا که تبصره ۱ ماده ۲ طرح یادشده تعیین ضوابط استخدامی مستخدمین شورای نگهبان را به موجب آن قانون بر عهده کمیسیون مشترک مجلس و دیوان محاسبات قرار می‌داد، شورای نگهبان اعلام نمود تبصره مزبور از این جهت که کارکنان شورای نگهبان را نیز در بر می‌گیرد مغایر قانون اساسی شناخته می‌شود. علاوه آن که سایر تبصره‌های مربوط در این قانون که مبتنی بر این تبصره می‌باشد نیز مغایر قانون اساسی شناخته شده است.

همچنین در پی استفساریه مجلس شورای اسلامی از شورای نگهبان در خصوص اصل ۷۶ قانون اساسی این شورا در تاریخ ۱۳۶۷/۱۰/۷ و طی نظریه شماره ۳۲۴۴ اعلام داشت: «اصل ۷۶ قانون اساسی شامل مواردی از قبیل مقام معظم رهبری، مجلس خبرگان و شورای نگهبان که مافوق مجلس شورای اسلامی می‌باشند نمی‌شود».

اکنون با عنایت به رویه سابق و مطابق با اصل ۹۸ قانون اساسی و ماده (۱۹) آیین‌نامه داخلی شورای نگهبان، درخواست می‌شود نظر تفسیری شورای نگهبان را در خصوص اصول ۴، ۹۱ و ۹۹ قانون اساسی نسبت به مرجع تصویب ضوابط و مقررات مذکور اعلام فرمایید.

تاریخ: ۱۳۸۶/۴/۱۹

شماره: ۲۱۹۳۴

نظریه شورای نگهبان (تفسیری)

در خصوص مشخص نمودن مرجع تصویب ضوابط و مقررات اداری، استخدامی، مالی و تشکیلاتی شورای نگهبان، با توجه به اصل ۹۸ قانون اساسی و ماده (۱۹) آیین‌نامه داخلی شورای نگهبان، موضوع در جلسه مورخ ۱۳/۴/۱۳۸۶ شورای نگهبان مطرح و مورد بحث و بررسی قرار گرفت و نظر تفسیری این شورا در خصوص اصول ۴، ۹۱ و ۹۹ قانون اساسی به شرح ذیل اعلام می‌گردد: «مستفاد از اصول ۴، ۹۱ و ۹۹ قانون اساسی این است که تصویب ضوابط و مقررات مالی، اداری، استخدامی و تشکیلاتی شورای نگهبان که انجام وظایف آن به تشخیص شورا متوقف بر آنها است، بر عهده خود این شورا می‌باشد.»

اصل پنجم:

در زمان غیب حضرت ولی عصر "عجل الله تعالی فرجه" در جمهوری اسلامی ایران ولایت امر و امامت امت بر عهده فقیه عادل و با تقوی، آگاه به زمان، شجاع، مدیر و مدبر است که طبق اصل یکصد و هفتم عهده‌دار آن می‌گردد.

اصل ششم:

در جمهوری اسلامی ایران امور کشور باید به اتکاء آراء عمومی اداره شود از راه انتخابات: انتخاب رئیس جمهور، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، اعضای شوراها و نظایر اینها، یا از راه همه‌پرسی در مواردی که در اصول دیگر این قانون معین می‌گردد.

اصل هفتم:

طبق دستور قرآن کریم: "وَأَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ" و "وَسَاوَرَهُمْ فِي الْأَمْرِ" شوراها، مجلس شورای اسلامی، شورای استان، شهرستان، شهر، محل، بخش، روستا و نظایر اینها از ارکان تصمیم‌گیری و اداره امور کشورند. موارد، طرز تشکیل و حدود اختیارات و وظایف شوراها را این قانون و قوانین ناشی از آن معین می‌کند.

اصل هشتم:

در جمهوری اسلامی ایران دعوت به خیر، امر به معروف و نهی از منکر وظیفه‌ای است همگانی و متقابل بر عهده مردم نسبت به یکدیگر، دولت نسبت به مردم و مردم نسبت به دولت. شرایط و حدود و کیفیت آن را قانون معین می‌کند. "وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ".

اصل نهم:

در جمهوری اسلامی ایران آزادی و استقلال و وحدت و تمامیت ارضی کشور از یکدیگر تفکیک ناپذیرند و حفظ آنها وظیفه دولت و آحاد ملت است. هیچ فرد یا گروه یا مقامی حق ندارد به نام استفاده از آزادی، به استقلال سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، نظامی و تمامیت ارضی ایران کمترین خدشه‌ای وارد کند و هیچ مقامی حق ندارد به نام حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور آزادی‌های مشروع را، هر چند با وضع قوانین و مقررات، سلب کند.

اصل دهم:

از آنجا که خانواده واحد بنیادی جامعه اسلامی است، همه قوانین و مقررات و برنامه‌ریزی‌های مربوط باید در جهت آسان کردن تشکیل خانواده، پاسداری از قداست آن و استواری روابط خانوادگی بر پایه حقوق و اخلاق اسلامی باشد.

اصل یازدهم:

به حکم آیه کریمه "إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَ أَنَا رَبُّكُمْ فَأَعْبُدُونِ" همه مسلمانان یک امت‌اند و دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است سیاست کلی خود را بر پایه ائتلاف و اتحاد ملل اسلامی قرار دهد و کوشش پیگیر به عمل آورد تا وحدت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جهان اسلام را تحقق بخشد.

اصل دوازدهم:

دین رسمی ایران، اسلام و مذهب جعفری اثنی عشری است و این اصل الی‌الابد غیر قابل تغییر است و مذاهب دیگر اسلامی اعم از حنفی، شافعی، مالکی، حنبلی و زیدی دارای احترام کامل می‌باشند و پیروان این مذاهب در انجام مراسم مذهبی، طبق فقه خودشان آزادند و در تعلیم و تربیت دینی و احوال شخصیه (ازدواج، طلاق، ارث و وصیت) و دعاوی مربوط به آن در دادگاه‌ها رسمیت دارند و در هر منطقه‌ای که پیروان هر یک از این مذاهب اکثریت داشته باشند، مقررات محلی در حدود اختیارات شوراها بر طبق آن مذهب خواهد بود، با حفظ حقوق پیروان سایر مذاهب.

اصل سیزدهم:

ایرانیان زرتشتی، کلیمی و مسیحی تنها اقلیت‌های دینی شناخته می‌شوند که در حدود قانون در انجام مراسم دینی خود آزادند و در احوال شخصیه و تعلیمات دینی بر طبق آیین خود عمل می‌کنند.

اصل چهاردهم:

به حکم آیه شریفه "لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَلَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَ تُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ" دولت جمهوری اسلامی ایران و مسلمانان موظفند نسبت به افراد غیر مسلمان با اخلاق حسنه و قسط و عدل اسلامی عمل نمایند و حقوق انسانی آنان را رعایت کنند. این اصل در حق کسانی اعتبار دارد که بر ضد اسلام و جمهوری اسلامی ایران توطئه و اقدام نکنند.

فصل دوم: زبان، خط، تاریخ و پرچم رسمی کشور

اصل پانزدهم:

زبان و خط رسمی و مشترک مردم ایران فارسی است. اسناد و مکاتبات و متون رسمی و کتب درسی باید با این زبان و خط باشد ولی استفاده از زبانهای محلی و قومی در مطبوعات و رسانه‌های گروهی و تدریس ادبیات آنها در مدارس، در کنار زبان فارسی آزاد است.

اصل شانزدهم:

از آنجا که زبان قرآن و علوم و معارف اسلامی عربی است و ادبیات فارسی کاملاً با آن آمیخته است این زبان باید پس از دوره ابتدایی تا پایان دوره متوسطه در همه کلاس‌ها و در همه رشته‌ها تدریس شود.

اصل هفدهم:

مبدأ تاریخ رسمی کشور هجرت پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) است و تاریخ هجری شمسی و هجری قمری هر دو معتبر است، اما مبنای کار ادارات دولتی هجری شمسی است. تعطیل رسمی هفتگی روز جمعه است.

اصل هجدهم:

پرچم رسمی ایران به رنگ‌های سبز و سفید و سرخ با علامت مخصوص جمهوری اسلامی و شعار "الله اکبر" است.

فصل سوم: حقوق ملت

اصل نوزدهم:

مردم ایران از هر قوم و قبیله که باشند از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ، نژاد، زبان و مانند این‌ها سبب امتیاز نخواهد بود.

اصل بیستم:

همه افراد ملت اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند.

اصل بیست و یکم:

دولت موظف است حقوق زن را در تمام جهات با رعایت موازین اسلامی تضمین نماید و امور زیر را انجام دهد:

۱. ایجاد زمینه‌های مساعد برای رشد شخصیت زن و احیاء حقوق مادی و معنوی او.
۲. حمایت مادران، بالخصوص در دوران بارداری و حضانت فرزند، و حمایت از کودکان بی سرپرست.
۳. ایجاد دادگاه صالح برای حفظ کیان و بقای خانواده.
۴. ایجاد بیمه خاص بیوگان و زنان سالخورده و بی سرپرست.
۵. اعطای قیمومت فرزندان به مادران شایسته در جهت غبطه آنها در صورت نبودن ولی شرعی.

اصل بیست و دوم:

حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است مگر در مواردی که قانون تجویز کند.

تاریخ: ۱۳۶۰/۶/۲۶

استفساریه شماره: ۶۰/۳۵۲۵

خواهشمند است نظر خود را در باب درخواست سوابق نمایندگان مجلس شورای اسلامی که از سوی مسئولان و ارگان‌های مختلف دولتی انجام می‌پذیرد، با توجه به اعطای مصونیت سیاسی و اهمیت رعایت مسائل حفاظتی به این مرکز اعلام فرمائید.

تاریخ: ۱۳۶۰/۶/۲۸

نامه شورای نگهبان

به طور کلی اطلاع دادن از سوابق مربوط به تعرض به حیثیت اشخاص طبق اصل ۲۲ قانون اساسی در غیر مواردی که قانون تجویز می‌نماید، جایز نیست.

تاریخ: ۱۳۶۰/۶/۲۸

نظریه شورای نگهبان (تفسیری)

در صورتی که از سوی مسئولین قانونی تشخیص صلاحیت داوطلبان نمایندگی در حدود موانع مذکور در ماده ۱۰ قانون انتخابات پرسشی شود، مرکز اسناد می‌تواند در خصوص نفی یا اثبات هر یک از موانع مذکور بدون شرح و تفصیل پاسخ دهد.

اصل بیست و سوم:

تفتیش عقاید ممنوع است و هیچکس را نمی‌توان به صرف داشتن عقیده‌ای مورد تعرض و مؤاخذه قرار داد.

اصل بیست و چهارم:

نشریات و مطبوعات در بیان مطالب آزادند مگر آنکه مخلّ به مبانی اسلام یا حقوق عمومی باشد. تفصیل آن را قانون معین می‌کند.

اصل بیست و پنجم:

بازرسی و نرساندن نامه‌ها، ضبط و فاش کردن مکالمات تلفنی، افشای مخابرات تلگرافی و تلکس، سانسور، عدم مخابره و نرساندن آنها، استراق سمع و هر گونه تجسس ممنوع است مگر به حکم قانون.

اصل بیست و ششم:

احزاب، جمعیت‌ها، انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی یا اقلیت‌های دینی شناخته شده آزادند، مشروط به این که اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی را نقض نکنند. هیچکس را نمی‌توان از شرکت در آنها منع کرد یا به شرکت در یکی از آنها مجبور ساخت.

اصل بیست و هفتم:

تشکیل اجتماعات و راه‌پیمایی‌ها، بدون حمل سلاح، به شرط آن که مَحَلّ به مبانی اسلام نباشد آزاد است.

اصل بیست و هشتم:

هر کس حق دارد شغلی را که بدان مایل است و مخالف اسلام و مصالح عمومی و حقوق دیگران نیست برگزیند. دولت موظف است با رعایت نیاز جامعه به مشاغل گوناگون، برای همه افراد امکان اشتغال به کار و شرایط مساوی را برای احراز مشاغل ایجاد نماید.

اصل بیست و نهم:

برخورداری از تأمین اجتماعی از نظر بازنشستگی، بیکاری، پیری، ازکارافتادگی، بی‌سرپرستی، در راه ماندگی، حوادث و سوانح، نیاز به خدمات بهداشتی و درمانی و مراقبت‌های پزشکی به صورت بیمه و غیره، حقی است همگانی. دولت موظف است طبق قوانین از محل درآمدهای عمومی و درآمدهای حاصل از مشارکت مردم، خدمات و حمایت‌های مالی فوق را برای یک نفر از افراد کشور تأمین کند.

اصل سی‌ام

دولت موظف است وسایل آموزش و پرورش رایگان را برای همه ملت تا پایان دوره متوسطه فراهم سازد و وسایل تحصیلات عالی را تا سر حد خودکفایی کشور به طور رایگان گسترش دهد.

استفساریه شماره: ۵۷۵۰.د.ش

تاریخ: ۱۳۶۴/۱۲/۱

محترماً به استحضار می‌رساند، شورای عالی انقلاب فرهنگی در طی مذاکرات جلسات اخیر در مورد دریافت شهریه از دانشجویانی که استطاعت پرداخت دارند علی‌الاصول نظر مساعد داشته است ولی نظر به اینکه موضوع در رابطه با اصل سی‌ام قانون اساسی جمهوری اسلامی می‌باشد لذا در جلسه مورخ ۶۴/۱۱/۲۹ شورای عالی مقرر گردیده است که قبل از اخذ تصمیم در این مورد، نظر آن شورای محترم استفسار گردد. متمنی است پاسخ لازم عنایت فرمایند

نظریه شورای نگهبان (مشورتی) شماره: ۵۵۷۸

تاریخ: ۱۳۶۵/۲/۱۶

با توجه به اینکه از اصل ۳۰ قانون اساسی دولتی بودن آموزش و پرورش و ممنوعیت تأسیس مدارس و دانشگاه‌های ملی استفاده نمی‌شود، چنانچه تأسیس مدارس و آموزشگاه‌های ملی در کشور آزاد اعلام شود اضطرار دولت به دریافت شهریه مرتفع می‌گردد، و چنانچه با تأسیس مدارس ملی رفع اضطرار نشود تفسیر قانون اساسی قابل بررسی خواهد بود.

اصل سی و یکم:

داشتن مسکن متناسب با نیاز، حق هر فرد و خانواده ایرانی است. دولت موظف است با رعایت اولویت برای آنها که نیازمندترند به خصوص روستائینان و کارگران زمینه اجرای این اصل را فراهم کند.

اصل سی و دوم:

هیچکس را نمی‌توان دستگیر کرد مگر به حکم و ترتیبی که قانون معین می‌کند. در صورت بازداشت، موضوع اتهام باید با ذکر دلایل بلافاصله کتباً به متهم ابلاغ و تفهیم شود و حداکثر ظرف مدت بیست و چهار ساعت پرونده مقدماتی به مراجع صالحه قضایی ارسال و مقدمات محاکمه، در اسرع وقت فراهم گردد. متخلف از این اصل طبق قانون مجازات می‌شود.

اصل سی و سوم:

هیچکس را نمی‌توان از محل اقامت خود تبعید کرد یا از اقامت در محل مورد علاقه‌اش ممنوع یا به اقامت در محلی مجبور ساخت، مگر در مواردی که قانون مقرر می‌دارد.

اصل سی و چهارم:

دادخواهی حق مُسَلَّم هر فرد است و هر کس می‌تواند به منظور دادخواهی به دادگاه‌های صالح رجوع نماید. همه افراد ملت حق دارند این گونه دادگاه‌ها را در دسترس داشته باشند و هیچکس را نمی‌توان از دادگاهی که به موجب قانون حق مراجعه به آن را دارد منع کرد.

اصل سی و پنجم:

در همه دادگاه‌ها طرفین دعوی حق دارند برای خود وکیل انتخاب نمایند و اگر توانایی انتخاب وکیل را نداشته باشند باید برای آنها امکانات تعیین وکیل فراهم گردد.

اصل سی و ششم:

حکم به مجازات و اجرا آن باید تنها از طریق دادگاه صالح و به موجب قانون باشد.

اصل سی و هفتم:

اصل، بَرَاثت است و هیچکس از نظر قانون مجرم شناخته نمی‌شود، مگر این که جرم او در دادگاه صالح ثابت گردد.

اصل سی و هشتم:

هر گونه شکنجه برای گرفتن اقرار و یا کسب اطلاع ممنوع است. اجبار شخص به شهادت، اقرار یا سوگند، مجاز نیست و چنین شهادت و اقرار و سوگندی فاقد ارزش و اعتبار است. متخلف از این اصل طبق قانون مجازات می شود.

اصل سی و نهم:

هتک حرمت و حیثیت کسی که به حکم قانون دستگیر، بازداشت، زندانی یا تبعید شده، به هر صورت که باشد ممنوع و موجب مجازات است.

اصل چهلیم:

هیچکس نمی‌تواند اِعمال حق خویش را وسیله اِضرار به غیر یا تجاوز به منافع عمومی قرار دهد.

اصل چهل و یکم:

تابعیت کشور ایران حق مسلم هر فرد ایرانی است و دولت نمی‌تواند از هیچ ایرانی سلب تابعیت کند، مگر به درخواست خود او یا در صورتی که به تابعیت کشور دیگری درآید.

اصل چهل و دوم:

اتباع خارجه می‌توانند در حدود قوانین به تابعیت ایران در آیند و سلب تابعیت این گونه اشخاص در صورتی ممکن است که دولت دیگری تابعیت آنها را بپذیرد یا خود آنها درخواست کنند.

فصل چهارم: اقتصاد و امور مالی

اصل چهل و سوم:

برای تأمین استقلال اقتصادی جامعه و ریشه‌کن کردن فقر و محرومیت و برآوردن نیازهای انسان در جریان رشد، با حفظ آزادی او، اقتصاد جمهوری اسلامی ایران بر اساس ضوابط زیر استوار می‌شود:

۱. تأمین نیازهای اساسی: مسکن، خوراک، پوشاک، بهداشت، درمان، آموزش و پرورش و امکانات لازم برای تشکیل خانواده برای همه.
۲. تأمین شرایط و امکانات کار برای همه به منظور رسیدن به اشتغال کامل و قرار دادن وسایل کار در اختیار همه کسانی که قادر به کارند ولی وسایل کار ندارند، در شکل تعاونی، از راه وام بدون بهره یا هر راه مشروع دیگر که نه به تمرکز و تداول ثروت در دست افراد و گروه های خاص

- منتهی شود و نه دولت را به صورت یک کارفرمای بزرگ مطلق درآورد. این اقدام باید با رعایت ضرورت‌های حاکم بر برنامه‌ریزی عمومی اقتصاد کشور در هر یک از مراحل رشد صورت گیرد.
۳. تنظیم برنامه اقتصادی کشور به صورتی که شکل و محتوا و ساعت کار چنان باشد که هر فرد علاوه بر تلاش شغلی، فرصت و توان کافی برای خودسازی معنوی، سیاسی و اجتماعی و شرکت فعال در رهبری کشور و افزایش مهارت و ابتکار داشته باشد.
۴. رعایت آزادی انتخاب شغل، و عدم اجبار افراد به کاری معین و جلوگیری از بهره‌کشی از کار دیگری.
۵. منع اضرار به غیر و انحصار و احتکار و ربا و دیگر معاملات باطل و حرام.
۶. منع اسراف و تبذیر در همه شئون مربوط به اقتصاد، اعم از مصرف، سرمایه‌گذاری، تولید، توزیع و خدمات.
۷. استفاده از علوم و فنون و تربیت افراد ماهر به نسبت احتیاج برای توسعه و پیشرفت اقتصاد کشور.
۸. جلوگیری از سلطه اقتصادی بیگانه بر اقتصاد کشور.
۹. تأکید بر افزایش تولیدات کشاورزی، دامی و صنعتی که نیازهای عمومی را تأمین کند و کشور را به مرحله خودکفایی برساند و از وابستگی برهاند.

اصل چهل و چهارم:

نظام اقتصادی جمهور اسلامی ایران بر پایه سه بخش دولتی، تعاونی و خصوصی با برنامه‌ریزی منظم و صحیح استوار است. بخش دولتی شامل کلیه صنایع بزرگ، صنایع مادر، بازرگانی خارجی، معادن بزرگ، بانکداری، بیمه، تأمین نیرو، سدها و شبکه‌های بزرگ آبرسانی، رادیو و تلویزیون، پست و تلگراف و تلفن، هواپیمایی، کشتیرانی، راه و راه آهن و مانند اینها است که به صورت مالکیت عمومی و در اختیار دولت است. بخش خصوصی شامل آن قسمت از کشاورزی، دامداری، صنعت، تجارت و خدمات می‌شود که مکمل فعالیت‌های اقتصادی دولتی و تعاونی است. مالکیت در این سه بخش تا جایی که با اصول دیگر این فصل مطابق باشد و از محدوده قوانین اسلام خارج نشود و موجب رشد و توسعه اقتصادی کشور گردد و مایه زیان جامعه نشود مورد حمایت قانون جمهوری اسلامی است. تفصیل ضوابط و قلمرو و شرایط هر سه بخش را قانون معین می‌کند.

استفساریه:

بسمه تعالی

شورای محترم نگهبان

احتراماً، همانگونه که استحضار دارند نیازهای بانکی و اعتباری اشخاص و بنگاه‌های اقتصادی در یک جامعه بالنده و در حال توسعه بسیار گسترده و متنوع است. طبعاً این نیازها نمی‌تواند منحصراً توسط عملیات بانکی و بانکها تأمین شود. از همین رو در کشورهای توسعه یافته از دهه ۱۳۴۰ و در کشورهای در حال توسعه از دهه ۱۳۶۰ انواع مؤسسات مالی و اعتباری غیر بانکی و شرکت‌های سرمایه‌گذاری به وجود آمدند تا بتوانند پاسخگوی نیازهای روزافزون اعتباری جامعه باشند. علاوه بر این مؤسسات شیوه‌های مختلف تجهیز منابع نظیر انواع مشارکت‌ها و اوراق سرمایه‌گذاری نیز بوجود آمد و به کمک مؤسسات فوق و بانک‌ها شتافت. همه این تحولات به معنی آن است که بانک‌ها چه نوع دولتی و چه غیر دولتی آن نمی‌توانند به تنهایی پاسخگوی نیازهای روزافزون سرمایه‌گذاری اشخاص و بنگاه‌های اقتصادی در جامعه باشند. در کشور ما بویژه بعد از پیروزی انقلاب اسلامی رسماً فقط بانک‌ها که همگی آنها دولتی هستند، متولی پاسخگویی به نیازهای اعتباری سرمایه‌گذاران بوده‌اند. گرچه ظاهراً از دیدگاه رسمی بانک‌ها به طور انحصاری در صحنه اعتبار کشور حضور داشته‌اند اما عملاً به دلیل عدم تأمین نیازهای سرمایه‌گذاری از طریق بانک‌ها، طرق آزاد و غیر رسمی گوناگونی بوجود آمده که در بازار اعتباری کشور به شیوه‌ای فعال مورد استفاده قرار می‌گیرد.

ایجاد مؤسسات اعتباری، شرکت‌های سرمایه‌گذاری، مؤسسات مالی و حتی مبادرت صندوق‌های قرض‌الحسنه به عملیاتی نظیر مضاربه و اعطای تسهیلات گوناگون از نمونه‌های متداول و شرکت‌های مضاربه‌ای و یا انجام عملیات ربوی توسط افراد از نمونه‌های غیر مجاز طرق آزاد و غیر رسمی اعتباری می‌باشد.

نکته مهمی که در این میان وجود دارد این است حجم عملیات اعتباری این مؤسسات از طرق غیر رسمی به اندازه‌ای قابل ملاحظه است که در حجم اعتباری کل کشور و در نتیجه در حجم نقدینگی و تورم، اثر قابل توجهی دارد و با افزایش و رونق فعالیت‌های سرمایه‌گذاری در سال‌های گذشته حجم عملیات اعتباری آزاد از طرق مختلف افزایش فوق‌العاده پیدا کرده است. از طرف دیگر بدلیل عدم شناسائی رسمی این مؤسسات موضوع فعالیت آنها همواره موضوع اختلاف نظر در بین دستگاه‌های مسئول بوده است.

به منظور پاسخگوئی به نیازهای روزافزون سرمایه‌گذاری، توسعه اقتصادی و تنظیم و هدایت فعالیت‌های مؤسسات اعتباری مختلف پس از بحث و بررسی موضوع در خلال دو سال اخیر شورای پول و اعتبار مقررات تأسیس و نحوه فعالیت مؤسسات اعتباری غیربانکی را به تصویب رسانید. این مقررات در واقع فعالیت مؤسسات اعتباری غیربانکی را قانونمند می‌کند و علاوه بر دستگاه‌های دولتی و عمومی به بخش خصوصی نیز اجازه می‌دهد که با تأسیس چنین مؤسساتی بتوانند به عنوان بازوهای قدرتمند نظام مالی و مکمل فعالیت‌های بانک‌های دولتی به ایفاء نقش بپردازند.

شورای پول و اعتبار به استناد بند ب ماده ۱۱ قانون پولی و بانکی کشور و نیز مطابق بند ۱۵ ماده ۱۴ قانون یادشده که به بانک مرکزی در حسن اجرای نظام پولی کشور، اختیار دخالت و نظارت در امور مربوطه به مؤسسات اعتباری غیربانکی را می‌دهد و با ملحوظ داشتن قانون اساسی قوانین و مقررات پولی و بانکی کشور و قانون عملیات بانکی بدون ربا، قانون تجارت و قوانین ثبتی اقلام به تصویب مقررات تأسیس و نحوه فعالیت مؤسسات اعتباری غیربانکی نموده است.

با توجه به اینکه مقرر گردیده که در خصوص اطلاق ماده ۴۴ قانون اساسی از آن شورای محترم استفسار گردد، لذا با عنایت به اینکه طبق مقررات یاد شده بالا نظارت و کنترل عالیه دولت بر عرصه گسترده‌تری از عملیات پولی تثبیت می‌گردد و در عین حال بخش خصوصی نیز امکان می‌یابد که در عملیات اعتباری در کنار بخش دولتی تصدی داشته باشد، بنابراین سوال زیر مطرح می‌گردد:

«آیا تصدی دولت در امر بانکداری مطروحه در اصل ۴۴ قانون اساسی بویژه با عنایت به قیودات مندرج در این اصل به طور مطلق و انحصاری است.»

خواهشمند است مقرر فرمائید جهت ادای توضیحات در این خصوص وقتی را معین و اعلام دارند، موجب کمال امتنان خواهد بود.

سید محمد حسین عادل

تاریخ: ۱۳۷۱/۱۲/۱۹

شماره: ۴۳۸۰/هـ

نامه بانک مرکزی

بسمه تعالی

حضرت آیت‌الله... جنّتی

دبیر محترم شورای نگهبان

احتراماً

پیرو گزارشی که در جلسه مورخ ۱۳۷۱/۱۰/۲۰ بطور حضوری تقدیم آن شورای محترم گردیده به استحضار می‌رساند: با توجه به نیاز سرمایه‌گذاری در کشور و نظر به اینکه تحقق این امر با استفاده حداکثر از پس‌اندازها و منابع نقدینگی میسر است و این امر بدون فعال کردن مؤسسات مردمی غیر دولتی به بهترین وجه امکان‌پذیر نیست، ایجاد مؤسسات اعتباری به عنوان یک راه حل پیشنهاد شده است.

این موسسات دارای فعالیت‌هایی هستند که شباهت آنها را به بانک‌ها زیاد می‌کند لکن وجوه افتراق آنها اختلاف‌های اساسی بین بانک و موسسات مذکور را روشن می‌سازد.

بطور کلی بانک‌ها به دو دسته تقسیم میشوند: بانک مرکزی با قدرت انتشار اسکناس و بانک‌های تجاری که حساب جاری افتتاح می‌کنند و به این ترتیب از محملی برای خلق پول استفاده می‌کنند.

مؤسسات اعتباری قادر به خلق پول نیستند زیرا به آنها اجازه افتتاح حساب جاری و صدور دسته چک داده نمی‌شود. به عبارت دیگر، گرچه بطور کلی در ظاهر این موسسات فقط از افتتاح یک نوع حساب محرومند، لکن همین یک تفاوت، اثرات و نتایج اقتصادی بسیار دارد. به همان ترتیب که اجازه انتشار اسکناس، بانک مرکزی یک کشور را موسسه‌ای کاملاً متفاوت از بانک‌های دیگر می‌سازد، اجازه افتتاح حساب جاری نیز بانک را کاملاً از مؤسسات اعتباری غیر بانکی متفاوت و مجزا می‌نماید. در واقع مؤسسات اعتباری غیر بانکی طبق تعریف نظری و طبق تعریف بند ۳۱ قانون پولی و بانکی کشور به موسساتی گفته می‌شود که از نام بانک استفاده نمی‌کنند و فقط برخی از فعالیت‌های اعتباری را به تشخیص بانک مرکزی انجام می‌دهند. این مؤسسات نظیر بانکها و موسسات سرمایه‌گذاری واسطه وجوه تلقی می‌شوند.

از این جهت ضروری است فعالیت‌های این موسسات تحت کنترل و نظارت بانک مرکزی باشد. لذا به موجب مواد مختلف قانون پولی و بانکی کشور و به ویژه بند ب از ماده ۱۱ و بند ۱۵ از ماده ۱۴ این قانون بانک مرکزی به منظور حسن اجرای نظام پولی کشور، موظف به دخالت و نظارت بر فعالیت بانک‌ها و مؤسسات اعتباری غیر بانکی شده است.

با توجه به آنچه که گذشت استدعا دارد نظر تفسیری یا مشورتی شورا درباره این امر ابراز فرمایند که آیا اصل ۴۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نسبت به مؤسسات اعتباری غیر بانکی نیز اعمال می‌شود و نسبت به آن تسری دارد یا خیر؟

با احترام

سید محمد حسین عادل

تاریخ: ۱۳۷۲/۱/۲۱

شماره: ۴۴۵۲

نظریه شورای نگهبان (تفسیری)

ریاست محترم بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

عطف به نامه شماره ۴۳۸۰/هـ مورخ ۱۳۷۱/۱۲/۱۹:

نظر مشورتی شورای نگهبان بدین شرح اعلام می‌گردد:

"با توجه به تعریف مرقوم در متن نامه مؤسسات اعتباری در صورتی که فعالیت خود را به عملیات بانکی توسعه ندهند در محدوده مذکور در نامه مغایر اصل ۴۴ قانون اساسی نمی‌باشند"

دبیر شورای نگهبان

احمد جنتی

۷۲/۱/۱۸

اصل چهل و پنجم:

انفال و ثروت‌های عمومی از قبیل زمین‌های موات یا رها شده، معادن، دریاها، دریاچه، رودخانه‌ها و سایر آب‌های عمومی، کوه‌ها، دره‌ها، جنگل‌ها، نیزارها، بیشه‌های طبیعی، مراتعی که حریم نیست، ارث بدون وارث، و اموال مجهول‌المالک و اموال عمومی که از غاصبین مسترد می‌شود در اختیار حکومت اسلامی است تا بر طبق مصالح عامه نسبت به آنها عمل نماید. تفصیل و ترتیب استفاده از هر یک را قانون معین می‌کند.

اصل چهل و ششم:

هر کس مالک حاصل کسب و کار مشروع خویش است و هیچکس نمی‌تواند به عنوان مالکیت نسبت به کسب و کار خود امکان کسب و کار را از دیگری سلب کند.

اصل چهل و هفتم:

مالکیت شخصی که از راه مشروع باشد محترم است. ضوابط آن را قانون معین می‌کند.

اصل چهل و هشتم:

در بهره‌برداری از منابع طبیعی و استفاده از درآمدهای ملی در سطح استان‌ها و توزیع فعالیت‌های اقتصادی میان استان‌ها و مناطق مختلف کشور، باید تبعیض در کار نباشد، به طوری که هر منطقه فراخور نیازها و استعداد رشد خود، سرمایه و امکانات لازم در دسترس داشته باشد.

اصل چهل و نهم:

دولت موظف است ثروت‌های ناشی از ربا، غصب، رشوه، اختلاس، سرقت، قمار، سوء استفاده از موقوفات، سوء استفاده از مقاطعه‌کاری‌ها و معاملات دولتی، فروش زمین‌های موات و مباحات اصلی، دایر کردن اماکن فساد و سایر موارد غیر مشروع را گرفته و به صاحب حق رد کند و در صورت معلوم نبودن او به بیت‌المال بدهد. این حکم باید با رسیدگی و تحقیق و ثبوت شرعی به وسیله دولت اجرا شود.

استفساریه شماره: ۵۳۰۱۸ تاریخ: ۱۳۶۶/۷/۱۲

نظر به اینکه اخذ بهره و خسارات تأخیر تأدیه توسط دولت، موسسات و شرکت‌های ایرانی از دولت‌ها و موسسات و شرکت‌های خارجی براساس قراردادهای منعقدۀ غالباً از سوی اطراف و مراجع خارجی مغایر با موازین اسلامی و اصول ۴۳ و ۴۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران قلمداد می‌گردد. علی‌هذا خواهشمند است با توجه به اینکه اصول قانون اساسی حاکم بر روابط اتباع ایرانی است در اجرای اصول ۴ و ۹۸ قانون اساسی اعلام‌نظر فرمایند:

آیا حق اخذ بهره و خسارات تأخیر تأدیه توسط دولت و موسسات و شرکت‌های ایرانی از دولت‌ها، موسسات و شرکت‌های خارجی که در قراردادهای منعقدۀ ملحوظ یا براساس آنها ایجاد شده یا می‌شود و بنا به تفحص و تشخیص طرف ایرانی، اطراف و مراجع خارجی به لحاظ مبانی عقیدتی خود دریافت این وجوه را ممنوع ندانسته و حتی قانونی و یا مشروع می‌دانند مغایرتی با احکام و موازین شرع مقدس اسلام و یا اصول قانون اساسی دارد؟

نظریه شورای نگهبان (تفسیری) شماره: ۹۳۴۸ تاریخ: ۱۳۶۶/۱۰/۲۴

«دریافت بهره و خسارات تأخیر تأدیه از دولت‌ها و مؤسسات و شرکت‌ها و اشخاص خارجی که بر حسب مبانی عقیدتی خود دریافت آن را ممنوع نمی‌دانند شرعاً مجاز است، لذا مطالبه وصول این گونه وجوه مغایر با قانون اساسی نیست و اصول چهل و سوم و چهل و نهم قانون اساسی شامل این مورد نمی‌باشد.»

اصل پنجاهم:

در جمهوری اسلامی، حفاظت محیط زیست که نسل امروز و نسل‌های بعد باید در آن حیات اجتماعی رو به رشدی داشته باشند، وظیفه عمومی تلقی می‌گردد. از این رو فعالیت‌های اقتصادی و غیر آن که با آلودگی محیط زیست یا تخریب غیر قابل جبران آن ملازمه پیدا کند، ممنوع است.

اصل پنجاه و یکم:

هیچ نوع مالیات وضع نمی‌شود مگر به موجب قانون. موارد معافیت و بخشودگی و تخفیف مالیاتی به موجب قانون مشخص می‌شود.

اصل پنجاه و دوم:

بودجه سالانه کل کشور به ترتیبی که در قانون مقرر می‌شود از طرف دولت تهیه و برای رسیدگی و تصویب به مجلس شورای اسلامی تسلیم می‌گردد. هر گونه تغییر در ارقام بودجه نیز تابع مراتب مقرر در قانون خواهد بود.

استفساریه شماره: ۳۸۲۸. ق تاریخ: ۱۳۷۴/۲/۱۸

خواهشمند است با توجه به اصول ۵۲، ۵۳ و ۹۸ قانون اساسی اعلام نظر فرمائید آیا بودجه سالانه کل کشور و متمم آن و اصلاحات مربوط به قانون باید به صورت لایحه از سوی دولت تقدیم مجلس شورای اسلامی گردد یا به صورت طرح هم ممکن است؟

نظریه شورای نگهبان (تفسیری) شماره: ۲۸۷ تاریخ: ۱۳۷۴/۳/۱۷

۱- نظر تفسیری شورای نگهبان نسبت به اصل ۵۲ قانون اساسی این است که:

بودجه سالانه کل کشور و متمم آن و اصلاحات بعدی مربوط - در غیر مورد تغییر در ارقام بودجه - می‌بایست به صورت لایحه و از سوی دولت تقدیم مجلس گردد.

۲- در مورد امکان تغییر در ارقام بودجه از طریق طرحی که نمایندگان محترم تقدیم مجلس می‌کنند شورای نگهبان به رأی نرسید.

استفساریه شماره: ۳۰۴۴. ق تاریخ: ۱۳۷۸/۲/۲۵

با عنایت به اطلاق اصل (۵۲) قانون اساسی که دولت را مکلف به تهیه بودجه سالانه کل کشور و تسلیم آن به مجلس شورای اسلامی نموده است آیا انجام هرگونه اصلاحات در قانون بودجه از قبیل تغییر در ارقام، الحاق، حذف، جابجائی و متمم یا چند دوازدهم بودجه از طریق تقدیم طرح‌های قانونی موضوع اصل (۷۴) قانون اساسی امکان‌پذیر می‌باشد یا مستلزم تقدیم لایحه از سوی دولت محترم است؟

نظریه شورای نگهبان (تفسیری) شماره: ۷۸/۲۱/۵۱۴۶ تاریخ: ۱۳۷۸/۵/۲۴

«نظر به اینکه عبارت «هرگونه اصلاحات در قانون بودجه» کلی است باید مصادیق آن مشخص گردد تا پاسخ روشن داده شود.

۱. تغییر در ارقام بودجه به نحوی که در کل بودجه تأثیر بگذارد به وسیله طرح قانونی با توجه به اصل ۵۲ قانون اساسی امکان‌پذیر نیست.

۲. تصویب متمم و چند دوازدهم بودجه از طریق طرح قانونی با توجه به اصل ۵۲ قانون اساسی جایز نمی‌باشد.

۳. در خصوص تغییر در ارقام بودجه به وسیله طرح قانونی در صورتی که در بودجه کل کشور تأثیر نگذارد رأی تفسیری نیابورده است.

۴. الحاق و حذف نیز همانند تغییر در ارقام بودجه است.»

استفساریه شماره: ۲۰۴ تاریخ: ۱۳۹۱/۹/۱۹

"با توجه به بند ۱ راهبردهای اجرای بند ۷ اصل ۱۱۰ قانون اساسی مبنی بر استفاده حداقلی از راه کار این بند و تأکید بر راه‌هایی مانند تفسیر قانون اساسی، پیشنهاد می‌شود در صورت صلاحدید نظر شورای نگهبان راجع به اصل ۵۲ قانون اساسی در موارد زیر استفسار شود:

۱. آیا تغییر در ارقام بودجه به نحوی که در کل بودجه تأثیر نگذارد به وسیله طرح قانونی با توجه به اصل ۵۲ قانون اساسی امکان‌پذیر است یا خیر؟
۲. با توجه به ذیل اصل ۵۲ قانون اساسی آیا مجلس می‌تواند برخلاف مراتب مقرر در قانون حاکم بر نحوه تغییر ارقام بودجه، ارقام مزبور را تغییر دهد یا آنکه باید پیشاپیش تغییرات لازم در قانون مذکور ایجاد شود؟

نظریه شورای نگهبان (تفسیری) شماره: ۹۲/۳۰/۵۰۰۰۲ تاریخ: ۱۳۹۲/۱/۳۱

در خصوص سؤال اول، تغییر در ارقام بودجه به نحوی که شاکله بودجه را تغییر دهد، امکان‌پذیر نیست و نتیجتاً خلاف اصل ۵۲ قانون اساسی می‌باشد، در مورد سؤال دوم این شورا به نظر تفسیری نرسید.

اصل پنجاه و سوم:

کلیه دریافت‌های دولت در حساب‌های خزانه‌داری کل متمرکز می‌شود و همه پرداخت‌ها در حدود اعتبارات مصوب به موجب قانون انجام می‌گیرد.

اصل پنجاه و چهارم:

دیوان محاسبات کشور مستقیماً زیر نظر مجلس شورای اسلامی می‌باشد. سازمان و اداره امور آن در تهران و مراکز استان‌ها به موجب قانون تعیین خواهد شد.

اصل پنجاه و پنجم:

دیوان محاسبات به کلیه حساب‌های وزارتخانه‌ها، مؤسسات، شرکت‌های دولتی و سایر دستگاه‌هایی که به نحوی از انحاء از بودجه کل کشور استفاده می‌کنند به ترتیبی که قانون مقرر می‌دارد رسیدگی یا حسابرسی می‌نماید که هیچ هزینه‌ای از اعتبارات مصوب تجاوز نکرده و هر وجهی در محل خود به مصرف رسیده باشد. دیوان محاسبات، حساب‌ها و اسناد و مدارک مربوطه را برابر قانون جمع‌آوری و گزارش تفریغ بودجه هر سال را به انضمام نظرات خود به مجلس شورای اسلامی تسلیم می‌نماید. این گزارش باید در دسترس عموم گذاشته شود.

استفساریه شماره: ۱۰۴۱۵۱ تاریخ: ۱۳۷۵/۹/۶

همانگونه که استحضار دارند در بودجه کل کشور جهت ایجاد و یا توسعه فعالیت‌های تولیدی بخش‌های مختلف اقتصادی، اعتباراتی برای پرداخت قسمتی از کارمزد تسهیلات بانکی شرکت‌های تعاونی و خصوصی منظور می‌گردد که از آن جمله بند (ب) تبصره (۳) و بند (ه) تبصره (۶) و بند (۴) تبصره (۱۱) و تبصره‌های (۵۱ و ۵۲) بودجه کل کشور سال جاری است. هم چنین در مورد مؤسسات غیر دولتی که متصدی خدمات عمومی و عام‌المنفعه هستند و در عین حال جزء بخش دولتی اصل (۴۴) قانون اساسی و از مصادیق موضوعات اصل (۴۵) قانون اساسی محسوب نمی‌شوند از قبیل کمیته امداد امام - کمیته ملی

المپیک - شهرداری‌ها - هلال احمر - مدیریت حوزه علمیه قم - کتابخانه حضرت آیه... العظمی مرعشی، قانونگذار اعتباراتی را در بودجه سالیانه منظور می‌نماید تا تداوم خدمات آنان میسر گردد. بدین ترتیب این قبیل موسسات تعاونی، خصوصی و یا عمومی غیر دولتی به اصطلاح از بودجه کل کشور استفاده می‌کنند.

اخیراً این توهم ایجاد شده است که دیوان محاسبات کشور مکلف است به کلیه حساب‌های این موسسات، هم در آن قسمت که از محل بودجه عمومی کل کشور تامین شده است و هم قسمت‌های دیگر که مربوط به درآمدهای داخلی و موقوفات و هدایا و دیگر منابع باشد رسیدگی و حسابرسی نماید.

خواهشمند است با توجه به اصل (۹۸) قانون اساسی تفسیر فرمایند آیا اصل (۵۵) قانون اساسی ناظر به کلیه حسابها و هزینه‌های موسسات عمومی غیر دولتی و موسسات خصوصی و تعاونی است که جزئی از اعتباراتشان از محل بودجه کل کشور تامین می‌شود یا اینکه با توجه به دلالت عبارت «اعتبارات مصوب» در اصول (۵۳ و ۵۵) قانون اساسی، حسابهای این موسسات صرفاً در حدود اعتباراتی که در بودجه کل کشور برای آنان منظور شده و تخصیص یافته است مشمول رسیدگی دیوان محاسبات می‌باشد؟

نظریه شورای نگهبان (تفسیری) شماره: ۷۵ / ۲۱ / ۱۱۱۶ تاریخ: ۱۳۷۵/۹/۱۴

نامه شماره ۱۰۴۱۵۱ مورخ ۱۳۷۵/۹/۶ مبنی بر تفسیر اصل ۵۵ قانون اساسی در جلسه مورخ ۱۳۷۵/۹/۱۴ شورای نگهبان مطرح شد و نظر تفسیری شورا به شرح زیر اعلام می‌گردد:

اصل ۵۵ قانون اساسی ناظر به اعتباراتی است که در بودجه کل کشور منظور شده و صلاحیت دیوان محاسبات در رسیدگی و حسابرسی محدود به همان موارد است.

استفساریه شماره: ۵۱ / ۱۴۶۳۷ تاریخ: ۱۳۸۳/۵/۱۵

بر اساس اصل ۵۵ قانون اساسی، دیوان محاسبات مسئولیت رسیدگی و حسابرسی به کلیه حساب‌های وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی را در رابطه با تفریغ بودجه به عهده دارد. شورای محترم نگهبان نیز در پاسخ به استفساریه شماره ۱۰۴۱۵۱ مورخ ۱۳۷۵/۹/۶ ریاست محترم جمهور وقت به شرح نظریه شماره ۲۱ / ۱۱۱۶ مورخ ۱۳۷۵/۹/۱۴ اعلام داشته است که «اصل ۵۵ قانون اساسی ناظر به اعتباراتی است که در بودجه کل کشور منظور شده و صلاحیت دیوان محاسبات در رسیدگی و حسابرسی محدود به همان موارد است». علی‌رغم اصل ۵۵ قانون اساسی و نظریه تفسیری مذکور، دیوان محاسبات به استناد مواد دو و چهل و دو قانون دیوان محاسبات کشور مدعی است که مسئولیت رسیدگی و حسابرسی به کلیه امور مالی و حساب‌های خارج از بودجه تخصیصی منجمله حساب هدایا و کمک‌های مردمی را نیز به عهده دارد.

نظریه شورای نگهبان (تفسیری) شماره: ۸۲ / ۳۰ / ۳۹۵۲ تاریخ: ۱۳۸۳/۵/۲۵

در خصوص شمول اصل ۵۵ قانون اساسی و صلاحیت دیوان محاسبات نسبت به رسیدگی و حسابرسی کلیه امور مالی و حساب‌های خارج از بودجه تخصیصی منجمله حساب هدایا و کمک‌های مردمی، به اطلاع می‌رساند اصل مذکور در جلسه مورخ ۱۳۷۵ / ۹ / ۱۴ شورای نگهبان مطرح و منجر به نظریه تفسیری به شرح زیر شده است:

«اصل ۵۵ قانون اساسی ناظر به اعتباراتی است که در بودجه کل کشور منظور شده و صلاحیت دیوان محاسبات در رسیدگی و حسابرسی محدود به همان موارد است.»

فصل پنجم: حق حاکمیت ملت و قوای ناشی از آن

اصل پنجاه و ششم:

حاکمیت مطلق بر جهان و انسان از آن خداست و هم او، انسان را بر سرنوشت اجتماعی خویش حاکم ساخته است. هیچکس نمی‌تواند این حق الهی را از انسان سلب کند یا در خدمت منافع فرد یا گروهی خاص قرار دهد و ملت این حق خداداد را از طرقی که در اصول بعد می‌آید اعمال می‌کند.

اصل پنجاه و هفتم:

قوای حاکم در جمهوری اسلامی ایران عبارتند از: قوه مقننه، قوه مجریه و قوه قضائیه که زیر نظر ولایت مطلقه امر و امامت امت بر طبق اصول آینده این قانون اعمال می‌گردند. این قوا مستقل از یکدیگرند.

اصل پنجاه و هشتم:

اعمال قوه مقننه از طریق مجلس شورای اسلامی است که از نمایندگان منتخب مردم تشکیل می‌شود و مصوبات آن پس از طی مراحل که در اصول بعد می‌آید برای اجرا به قوه مجریه و قضائیه ابلاغ می‌گردد.

اصل پنجاه و نهم:

در مسائل بسیار مهم اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ممکن است اعمال قوه مقننه از راه همه‌پرسی و مراجعه مستقیم به آراء مردم صورت گیرد. در خواست مراجعه به آراء عمومی باید به تصویب دو سوم مجموع نمایندگان مجلس برسد.

تاریخ: ۱۳۸۱/۱۲/۱۹

استفساریه شماره: ۸۱/۵/۱۱۰

نظر به برخی شبهات و تشکیکات ایراد شده درباره شمول اصل نود و چهارم قانون اساسی نسبت به مصوبه درخواست مراجعه به آراء عمومی موضوع اصل پنجاه و نهم قانون اساسی لطفاً نظر تفسیری آن شورای محترم را در این زمینه اعلام فرمائید، که اصل ۹۴ قانون اساسی شامل همه‌پرسی مصوب مجلس شورای اسلامی می‌شود یا خیر؟

تاریخ: ۱۳۸۱/۱۲/۲۵

شماره: ۴۱۰۴/۳۰/۴۱۰۴

نظریه شورای نگهبان (تفسیری)

«درخواست مراجعه به آراء عمومی موضوع اصل ۵۹ قانون اساسی از مصادیق مصوبات مجلس شورای اسلامی است و باید طبق اصل ۹۴ قانون اساسی به شورای نگهبان ارسال شود.»

اصل شصتم:

اعمال قوه مجریه جز در اموری که در این قانون مستقیماً بر عهده رهبری گذارده شده، از طریق رئیس جمهور و وزراء است.

تاریخ: ۱۳۶۳/۵/۲۲

استفساریه شماره: ۱۳۵۰-۱/۱

به موجب ماده ۲ قانون برنامه و بودجه، مصوب ۵/۱۲/۵۱، شورایی به نام شورای اقتصاد مرکب از چند وزیر، رئیس بانک مرکزی و به ریاست نخست وزیر تشکیل گردیده است.

هدف شورا عبارت از: هدایت و هم‌آهنگ کردن امور اقتصادی کشور است، وظایف آن شامل: بررسی و مطالعه، تعیین هدف و خط مشی، اتخاذ تصمیم و تصویب اصول، سیاست‌ها و ضوابط می‌باشد، که با امور اجرایی کشور ارتباط و درگیری مستقیم دارد. اصول ۱۳۴ و ۱۳۷ و ۱۳۸ قانون اساسی، نخست وزیر، هیات وزیران و هر یک از وزراء را ارکان تصمیم‌گیری در مقام اجرای قوانین شناخته است و در قبال آن شکل‌گیری مسؤولیت‌ها بدین ترتیب است که:

اولاً- نخست وزیر در برابر مجلس مسؤول اقدامات هیات وزیران است، ثانیاً- هر یک از وزیران مسؤول وظایف خاص خویش در مقابل مجلس است و ثالثاً- هر یک از وزیران در اموری که به تصویب هیات وزیران می‌رسد مسؤول اعمال دیگران است. نظر به اینکه: اولاً- چگونگی وظایف و مسؤولیت‌ها در قانون اساسی، صراحتاً مندرج است، ثانیاً- سازگاری شورای اقتصاد، از نظر وظایف و مسؤولیت‌ها، با اصول قانون اساسی محل تأمل و تردید می‌باشد و ثالثاً- شورای مزبور عملاً جریان بسیاری از امور اجرایی را با شکل خاص خود در اختیار دارد به خاطر اجمال قضیه، امکان انحراف از اصول قانون اساسی و در نتیجه عدم تعرض مسؤولیت‌ها وجود خواهد داشت.

خواهشمند است، آن شورای محترم درباره هدف، ترکیب و وظایف شورای اقتصاد و از لحاظ مطابقت با اصول قانون اساسی اعلام نظر فرمایند.

تاریخ: ۱۳۶۳/۷/۲۵

شماره: ۱۹۴۹

نظریه شورای نگهبان (مشورتی)

تشکیل شوراهای تصمیم‌گیرنده در رابطه با امور اجرائی با عضویت افراد خارج از هیئت وزراء با قانون اساسی مغایرت دارد. بدیهی است این نظر تفسیراً معتبر نیست ولی چنانچه مجلس شورای اسلامی قانونی را به این شکل تصویب نماید امکان رد آن در شورای نگهبان وجود دارد.

اصل شصت و یکم:

اعمال قوه قضائیه به وسیله دادگاه‌های دادگستری است که باید طبق موازین اسلامی تشکیل شود و به حل و فصل دعاوی و حفظ حقوق عمومی و گسترش و اجرای عدالت و اقامه حدود الهی بپردازد.

فصل ششم: قوه مقننه

مبحث اول- مجلس شورای اسلامی

اصل شصت و دوم:

مجلس شورای اسلامی از نمایندگان ملت که به طور مستقیم و با رأی مخفی انتخاب می‌شوند تشکیل می‌گردد.

شرایط انتخاب‌کنندگان و انتخاب‌شوندگان و کیفیت انتخابات را قانون معین خواهد کرد.

اصل شصت و سوم:

دوره نمایندگی مجلس شورای اسلامی چهار سال است. انتخابات هر دوره باید پیش از پایان دوره قبل برگزار شود به طوری که کشور در هیچ زمان بدون مجلس نباشد.

اصل شصت و چهارم:

عده نمایندگان مجلس شورای اسلامی دویست و هفتاد نفر است و از تاریخ همه‌پرسی سال یک هزار و سیصد و شصت و هشت هجری شمسی پس از هر ده سال، با در نظر گرفتن عوامل انسانی، سیاسی، جغرافیایی و نظایر آنها حداکثر بیست نفر نماینده می‌تواند اضافه شود. زرتشتیان و کلیمیان هر کدام یک نماینده و مسیحیان آشوری و کلدانی مجموعاً یک نماینده و مسیحیان ارمنی جنوب و شمال هر کدام یک نماینده انتخاب می‌کنند. محدوده حوزه های انتخابیه و تعداد نمایندگان را قانون معین می‌کند.

اصل شصت و پنجم:

پس از برگزاری انتخابات، جلسات مجلس شورای اسلامی با حضور دو سوم مجموع نمایندگان رسمیت می‌یابد و تصویب طرح‌ها و لوایح طبق آیین‌نامه مصوب داخلی انجام می‌گیرد مگر در مواردی که در قانون اساسی نصاب خاصی تعیین شده باشد. برای تصویب آیین‌نامه داخلی موافقت دو سوم حاضران لازم است.

اصل شصت و ششم:

ترتیب انتخاب رئیس و هیأت رئیسه مجلس و تعداد کمیسیون‌ها و دوره تصدی آنها و امور مربوط به مذاکرات و انتظامات مجلس به وسیله آیین‌نامه داخلی مجلس معین می‌گردد.

اصل شصت و هفتم:

نمایندگان باید در نخستین جلسه مجلس به ترتیب زیر سوگند یاد کنند و متن قسم نامه را امضا نمایند.

بسم الله الرحمن الرحيم

"من در برابر قرآن مجید، به خدای قادر متعال سوگند یاد می‌کنم و با تکیه بر شرف انسانی خویش تعهد می‌نمایم که پاسدار حریم اسلام و نگاهبان دستاوردهای انقلاب اسلامی ملت ایران و مبانی جمهوری اسلامی باشم، ودیعه‌ای را که ملت به ما سپرده به عنوان امینی عادل پاسداری کنم و در انجام وظایف وکالت، امانت و تقوی را رعایت نمایم و همواره به استقلال و اعتلای کشور و حفظ حقوق ملت و خدمت به مردم پایبند باشم، از قانون اساسی دفاع کنم و در گفته‌ها و نوشته‌ها و اظهارنظرها، استقلال کشور و آزادی مردم و تأمین مصالح آنها را مد نظر داشته باشم."

نمایندگان اقلیت‌های دینی این سوگند را با ذکر کتاب آسمانی خود یاد خواهند کرد. نمایندگانی که در جلسه نخست شرکت ندارند باید در اولین جلسه‌ای که حضور پیدا می‌کنند مراسم سوگند را به جای آورند.

اصل شصت و هشتم:

در زمان جنگ و اشغال نظامی کشور به پیشنهاد رئیس جمهور و تصویب سه چهارم مجموع نمایندگان و تأیید شورای نگهبان انتخابات نقاط اشغال شده یا تمامی مملکت برای مدت معینی متوقف می‌شود و در صورت عدم تشکیل مجلس جدید، مجلس سابق همچنان به کار خود ادامه خواهد داد.

اصل شصت و نهم:

مذاکرات مجلس شورای اسلامی باید علنی باشد و گزارش کامل آن از طریق رادیو و روزنامه رسمی برای اطلاع عموم منتشر شود. در شرایط اضطراری، در صورتی که رعایت امنیت کشور ایجاب کند، به تقاضای رئیس جمهور یا یکی از وزراء یا ده نفر از نمایندگان، جلسه غیر علنی تشکیل می‌شود. مصوبات جلسه غیرعلنی در صورتی معتبر است که با حضور شورای نگهبان به تصویب سه چهارم مجموع نمایندگان برسد. گزارش و مصوبات این جلسات باید پس از بر طرف شدن شرایط اضطراری برای اطلاع عموم منتشر گردد.

استفساریه شماره: ۷۷/دال ه تاریخ: ۱۳۵۹/۱۰/۱۶

براساس اصل شصت و نهم قانون اساسی «مذاکرات مجلس شورای ملی باید علنی باشد و گزارش کامل آن از طریق رادیو و روزنامه رسمی برای اطلاع عموم منتشر شود...»

اولاً: مشروح مذاکرات علنی مجلس از طریق صدای جمهوری اسلامی مستقیماً از مجلس پخش می‌گردد، به نظر می‌رسد که چنانچه گزارشی فشرده حاوی همه نکات و تصمیمات متخذه در جلسات علنی توسط رادیو تهیه و در پایان اخبار روز پخش گردد مفیدتر است، نظر شما را در این مورد خواستاریم.

ثانیاً: با توجه به صرفه جویی و کمبود کاغذ انتشار چندین ساعت مذاکرات علنی در روزنامه رسمی مشکلاتی را فراهم می‌سازد، لذا پیشنهادات زیر جهت تصمیم‌گیری ارائه می‌شود تا در صورت عدم مغایرت با قانون اساسی یکی از دو راه انتخاب و بدان عمل شود:

۱- یکصد نسخه از صورت مشروح مذاکرات از هر جلسه تهیه و در اختیار روزنامه رسمی قرار گیرد تا به عنوان ضمیمه روزنامه در اختیار مراکز نیازمند گذارده شود.

۲- گزارشی فشرده حاوی تمام نکات و تصمیمات متخذه از مشروح مذاکرات در هر جلسه تهیه و در اختیار روزنامه رسمی جهت انتشار گذارده شود.

نظریه شورای نگهبان (تفسیری) شماره: ۵۴/م تاریخ: ۱۳۵۹/۱۱/۱۸

اصل ۶۹ قانون اساسی صراحت دارد که باید گزارش کامل مذاکرات مجلس شورای اسلامی از طریق رادیو و روزنامه رسمی منتشر شود. بنابراین اکتفا به دو طریق پیشنهاد شده خلاف قانون اساسی می‌باشد.

استفساریه شماره: ۵۶۲۸/۲۵۰.د.ه تاریخ: ۱۳۶۲/۶/۱۶

اصل ۶۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مذاکرات مجلس و شورای اسلامی را اساساً علنی اعلام کرده است و تشکیل جلسه غیر علنی را موقوف به وجود شرایط اضطراری نموده است. چون آیین‌نامه داخلی مجلس پیش‌بینی کیفیت تشکیل جلسه غیر علنی را نکرده بود ماده واحده‌ای به صورت طرح قانونی تقدیم شد و هنگام رسیدگی به این طرح که مرجع تشخیص شرایط اضطراری را مجلس شورای اسلامی قرار داده بود، برای کمیسیون این شبهه پیش آمد که اصل ۶۹ قانون اساسی مرجع تشخیص شرایط اضطراری را همان تقاضاکننده مذکور در اصل ۶۹ یعنی نخست‌وزیر، یکی از وزراء یا ده نفر از نمایندگان می‌داند و نمی‌توان مرجع دیگری را برای این امر قرارداد. از طرف دیگر این نظر وجود داشت که با توجه به اینکه اساساً اصل ۶۹ الزام به علنی بودن

مجلس دارد و یکی از پایه‌های مهم حفظ حاکمیت ملت نیز همین امر می‌باشد بنابراین اعلام شرایط اضطراری و بابت نتیجه تشکیل جلسه غیر علنی به صرف تقاضای تقاضاکننده مذکور در اصل مربوطه منطقی نبوده و علی‌الخصوص با توجه به اصل ۷۹ که برقراری محدودیت‌های ضروری و طبعاً اعلام شرایط اضطراری را موکول به تصویب مجلس شورای اسلامی نموده، منطقی به نظر می‌رسد که در مورد اصل ۶۹ نیز مرجعی تعیین شود و بهترین مرجع خود مجلس می‌باشد علی‌هذا:

پس از مذاکراتی که در کمیسیون به عمل آمد به این منجر شد که از شورای نگهبان استفسار شود که آیا مجلس می‌تواند مرجعی مثلاً خودش را برای اعلام شرایط اضطراری با وصفی که در اصل ۶۹ آمده است تعیین کند یا خیر؟

نظریه شورای نگهبان (تفسیری) شماره: ۹۵۹۰ تاریخ: ۱۳۶۲/۷/۱۴

سؤال آقایان نمایندگان مجلس شورای اسلامی درباره تفسیر اصل ۶۹ قانون اساسی در جلسه رسمی شورای نگهبان مطرح و مورد بحث و بررسی قرار گرفت و به نظر اکثریت اعضاء شورای نگهبان مستفاد از اصل ۶۹ قانون اساسی این است که در شرایط اضطراری در صورتی که رعایت امنیت کشور ایجاب کند مقامات صالح برای تقاضای جلسه غیر علنی نخست وزیر یا یکی از وزراء با ده نفر از نمایندگان می‌باشند و باید طبق تقاضای آنها جلسه غیر علنی تشکیل شود ولی پس از تشکیل جلسه غیر علنی در صورتی که اکثریت مجلس شورای اسلامی دلایل تقاضاکننده را نسبت به وجود شرایط اضطراری کافی ندانست موضوع در جلسه علنی قابل طرح و رسیدگی خواهد بود.

استفساریه شماره: ۲۳۱/۱۱۳۴ تاریخ: ۱۳۸۷/۸/۶

همانطور که مستحضرید در قسمت اول اصل شصت و نهم قانون اساسی آمده است مذاکرات مجلس شورای اسلامی باید علنی باشد و گزارش کامل آن از طریق رادیو و روزنامه رسمی برای عموم منتشر شود.

و از طرفی می‌دانیم مذاکرات اعم از مخالفت و موافقت با لوایح و طرح‌های قانونی است و شامل گفتگوهای درباره اعتبارنامه‌ها رأی اعتماد به وزیر سؤال و استیضاح، اثبات لزوم تحقیق و تفحص، انتخاب افرادی برای مراکز مذکور در قانون، که طبعاً نام اشخاص معین و شناخته شده مطرح می‌شود و امکان مطالبی که موجب هتک حرمت، توهین، تحقیر، یا حتی اموری که موجب حد و تعزیرات و باید در دادگاهی تعیین تکلیف شود، می‌شود

از این رو بر اساس اصل نود و هشتم که تفسیر قانون اساسی به عهده شورای نگهبان است و طبق بند آئین‌نامه داخلی آن شورای در خواست تفسیر این اصل را دارم که شعاع کلیه مذاکرات مشخص گردد.

نظریه شورای نگهبان (تفسیری) شماره: ۸۷/۳۰/۲۹۳۴۹ تاریخ: ۱۳۸۷/۹/۳

«اطلاق علنی بودن مذاکرات مجلس شورای اسلامی و انتشار گزارش کامل آن از طریق رادیو و روزنامه رسمی برای اطلاع عموم، مذکور در اصل شصت و نهم قانون اساسی، نسبت به مواردی که مشتمل بر توهین و هتک حیثیت افراد و اشاعه فاحشه باشد، خلاف موازین شرع است. بنابراین اطلاق اصل شصت و نهم در این موارد مقید می‌شود.»

اصل هفتم:

رئیس جمهور و معاونان او و وزیران به اجتماع یا به انفراد حق شرکت در جلسات علنی مجلس را دارند و می‌توانند مشاوران خود را همراه داشته باشند و در صورتی که نمایندگان لازم بدانند، وزراء مکلف به حضورند و هر گاه تقاضا کنند مطالب‌شان استماع می‌شود.

استفساریه شماره: ۵۳۵۹۷/۳۵۷/۵۳ تاریخ: ۱۳۶۵/۱۰/۱۳

دبیر محترم شورای نگهبان

حضرت آیت‌الله صافی دام تأییدالله العالی

محترماً همانطور که عنایت دارید ذیل اصل هفتادم قانون اساسی می‌گوید و هرگاه تقاضا کنند مطالب‌شان استماع می‌شود، که رئیس جمهور نخست‌وزیر و وزراء می‌توانند وقت بگیرند و مطالب‌شان را در مجلس بیان کنند آیا اطلاق این جمله شامل گزارشاتی که توسط کمیسیون اصل نود که ذیل آن می‌گوید و در موردی که مربوط به عموم باشد به اطلاع عامه می‌رساند یا کمیسیون‌های ویژه‌ای که تشکیل می‌شود برای بررسی مسئله‌ای و گزارش دادن به مجلس که پس از آن که گزارش کمیسیون در مجلس قرائت شد اگر علیه دولت باشد بیابند و مجلس را تکذیب کنند یا انصراف دارد یا تقیید می‌شود و مساله چون بُعد قضائی می‌یابد باید به دستگاه قضائی داده شود؟ لطفاً دستور فرمائید این دو اصل در این جهت تفسیر شده پاسخ مرقوم فرمایند

محمد یزدی

تاریخ: ۱۳۶۵/۱۱/۱

شماره: ۷۴۹۴

نظریه شورای نگهبان (مشورتی)

بسم الله الرحمن الرحيم

حضرت حجت‌الاسلام والمسلمین جناب آقای یزدی

نایب رئیس محترم مجلس شورای اسلامی

عطف به نامه شماره ۵/۳۵۹۷-هـ ر مورخ ۱۳۶۵/۱۰/۱۳:

نظر اکثریت اعضاء شورای نگهبان به شرح زیر اعلام می‌شود:

"اگر مقصود از گزارش، اعلام نتیجه مذکور در اصل ۹۰ باشد اطلاق اصل ۷۰ شامل آن نمی‌شود.

لازم به تذکر است نظر فوق به لحاظ عدم رأی کافی نظر تفسیری نیست"

دبیر شورای نگهبان

لطف‌الله صافی

تاریخ: ۱۳۶۵/۱۱/۵

شماره: ۵/۳۶۲۲-هـ ر

نامه مجلس شورای اسلامی

دبیر محترم شورای نگهبان

حضرت آیت‌الله صافی دام تأییدالله العالی

عطف بنامه شماره ۷۴۹۴ مورخه ۶۵/۱۱/۱ روح سؤال اینجانب این است که وزیر می‌تواند با استفاده از اصل ۷۰ گزارش یک کمیسیون مجلس را تکذیب کند و ادعای گزارش خلاف واقع نماید و علیه کمیسیون که رسماً مطالبی را گزارش کرده صحبت کند، جمله اعلام نتیجه مذکور در اصل ۹۰ که از وظایف کمیسیون است آیا وزیر پس از اعلام می‌تواند خلاف آن را اعلام کند؟ یا باید به دستگاه قضائی داده شود ضمناً متمنی است نظر تفسیری آن شورای محترم هرچه هست امر به ابلاغ فرمایند.

محمد یزدی

تاریخ: ۱۳۶۶/۳/۲۸

شماره ۲۶۵۶۱

نامه کمیسیون اصل نود قانون اساسی

شورای محترم نگهبان قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ایدهم الله تعالی

سلام علیکم

پیرو نامه شماره ۵/۳۵۹۷-هـ ر مورخه ۱۳۶۵/۱۰/۱۳ نایب رئیس محترم مجلس شورای اسلامی و عطف به نامه شماره ۷۴۹۴ مورخه ۱۳۶۵/۱۱/۱ آن شورای محترم خواهشمند است نظر تفسیری خود را اعلام فرمائید که:

آیا وزیر و یا مقام مسؤولی که کمیسیون اصل ۹۰ به مقتضای اصل مزبور گزارشی تهیه و به اطلاع عامه می‌رساند می‌تواند به عنوان اصل ۷۰ و یا به هر عنوان دیگر از تریبون مجلس آن را تکذیب کند یا خیر؟

رئیس کمیسیون اصل نود قانون اساسی

مرتضی فہیم کرمانی

نامه کمیسیون اصل نود قانون اساسی شماره: ۶۶-۱۶۸۹/۲۵ تاریخ: ۱۳۶۶/۹/۱۶

شورای محترم نگهبان قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران دامت برکاتهم
سلام علیکم

عطف به نامه شماره ۷۴۹۴ مورخ ۶۵/۱۱/۱ که به عنوان نایب رئیس محترم مجلس صادر گردیده (تصویر آن پیوست می‌باشد)، خواهشمند است مقرر فرمائید نظر تفسیری آن شورای محترم را در خصوص اینکه: «آیا اشخاص و مقامات مذکور در اصل هفتادم قانون اساسی می‌توانند در رابطه با اعلام نتیجه و گزارشات این کمیسیون مذکور در اصل نودم قانون اساسی آن را نقض یا دفاع نمایند» به این کمیسیون ابلاغ فرمایند.

کمیسیون اصل نود قانون اساسی

استفساریه شماره: ۵/۲۵۰/۲۹۹۸۸ تاریخ: ۱۳۶۶/۴/۲۲

لطفاً نظر آن شورا را در تفسیر اصل هفتاد قانون اساسی که به رئیس جمهور و نخست وزیر و وزراء حق داده مطالبشان را در جلسات مجلس شورای اسلامی اظهار نمایند، بفرمائید که آیا این حق مطلق است و در هر مورد که مطلبی دارند در محدوده آئین نامه مجلس حق دارند بگویند؟ یا اینکه حق محدود به مطالب و موضوعات در دستور است؟ و در فرض محدودیت، آیا این حق شامل مواردی از قبیل گزارش کمیسیون‌های اصل نود و سؤالات و اصل ۷۶ و اظهارات نمایندگان در نطق‌های پیش از دستور می‌شود یا محدود به لوایح و طرح‌ها است؟ و در هر صورت این حق اظهارنظر محدود به زمان انجام دستور است یا اینکه ممکن است قبل یا بعد از آن انجام شود و اطلاق اصول فوق الذکر با اطلاق اصل هفتاد قانون اساسی چگونه قابل جمع است؟

نظریه شورای نگهبان (تفسیری) شماره: ۸۸۴۶ تاریخ: ۱۳۶۶/۷/۸

«آنچه از اصل هفتاد قانون اساسی استفاده می‌شود این است که مقامات مذکور در این اصل حق شرکت در جلسات مجلس شورای اسلامی را دارند و مطالبشان را در ارتباط با دستور مجلس بیان می‌نمایند. زاید بر این چنانچه در آیین نامه حقی برای آنها مقرر شود گرچه به موجب قانون اساسی نیست با قانون اساسی مغایرت ندارد.»

مبحث دوم - اختیارات و صلاحیت مجلس شورای اسلامی

اصل هفتاد و یکم:

مجلس شورای اسلامی در عموم مسائل در حدود مقرر در قانون اساسی می‌تواند قانون وضع کند.

اصل هفتاد و دوم:

مجلس شورای اسلامی نمی‌تواند قوانینی وضع کند که با اصول و احکام مذهب رسمی کشور یا قانون اساسی مغایرت داشته باشد. تشخیص این امر به ترتیبی که در اصل نود و ششم آمده بر عهده شورای نگهبان است.

اصل هفتاد و سوم:

شرح و تفسیر قوانین عادی در صلاحیت مجلس شورای اسلامی است. مفاد این اصل مانع از تفسیری که دادرسان در مقام تمیز حق، از قوانین می‌کنند نیست.

نظریه شورای نگهبان (تفسیری) شماره: ۷۶/۲۱/۵۸۳ تاریخ: ۱۳۷۶/۳/۱۰

۱- مقصود از تفسیر، بیان مراد مقتن است بنابراین تضییق و توسعه قانون در مواردی که رفع ابهام قانون نیست، تفسیر، تلقی نمی‌شود.

۲- تفسیر از زمان بیان مراد مقتن در کلیه موارد لازم الاجرا است. بنابراین در مواردی که مربوط به گذشته است و مجریان برداشت دیگری از قانون داشته‌اند و آن را به مرحله اجراء گذاشته‌اند تفسیرق قانون به موارد مختومه مذکور، تسری نمی‌یابد.

اصل هفتاد و چهارم:

لوايح قانونی پس از تصویب هیأت وزیران به مجلس تقدیم می‌شود و طرح‌های قانونی به پیشنهاد حداقل پانزده نفر از نمایندگان، در مجلس شورای اسلامی قابل طرح است.

اصل هفتاد و پنجم:

طرح‌های قانونی و پیشنهادهای و اصلاحاتی که نمایندگان در خصوص لوايح قانونی عنوان می‌کنند و به تقلیل درآمد عمومی یا افزایش هزینه عمومی می‌انجامد، در صورتی قابل طرح در مجلس است که در آن طریق جبران کاهش درآمد یا تأمین هزینه جدید نیز معلوم شده باشد.

استفساریه شماره: ۱۴۰۶ - ب تاریخ: ۱۳۶۴/۱۲/۶

همه ساله در بحث بودجه پیشنهادهایی از سوی نمایندگان محترم مجلس مبنی بر افزایش هزینه‌های جاری و یا عمرانی مطرح می‌گردد که منبع تأمین اعتبار آن معین نیست و گاهی زائد بر سقف بودجه پیشنهادی دولت نیز می‌باشد و برخی از آقایان معتقدند اصل ۷۵ ناظر بر لایحه بودجه نبوده و در لایحه بودجه می‌توان پیشنهاد افزایش هزینه بدون مشخص کردن منبع تأمین اعتبار آن هزینه را مطرح کرد.

علی‌هذا خواهشمندم نظر شورای محترم نگهبان را در رابطه با این اصل بیان فرمائید.

نظریه شورای نگهبان (تفسیری) شماره: ۷۷۹۹ تاریخ: ۱۳۶۴/۱۲/۷

عطف به نامه شماره ۱۴۰۶- ب کمیسیون برنامه و بودجه، پس از بحث و بررسی نظر مشورتی اکثریت بر این است که اصل ۷۵ قانون اساسی ناظر به پیشنهادهای نمایندگان در لایحه بودجه نمی‌باشد.

استفساریه شماره: ۵/۳۴۷۳۴/۲۵۰ ه.ت تاریخ: ۱۳۶۷/۲/۲۴

با توجه به اصل ۷۵ قانون اساسی که حق نمایندگان در پیشنهاد و طرح‌ها را که بار مالی دارند مشروط به تأمین بار مالی آن نموده است مواردی پیش می‌آید که دولت یا نخست وزیر در نامه جداگانه موافقت خود را با پیشنهاد نمایندگان اعلام می‌دارد بدون اینکه منبع تأمین بار مالی مشخص شود. (نمونه لایحه نهادهای انقلاب) لطفاً نظر خود را درباره اینگونه موارد بیان فرمائید.

نظریه شورای نگهبان (مشورتی) شماره: ۱۴۳۳ تاریخ: ۱۳۶۷/۷/۵

موضوع سؤال در جلسه شورای نگهبان مطرح و مورد بحث و بررسی قرار گرفت و نظر تفسیری حاصل نشد و استظهار اکثریت اعضاء از اصل ۷۵ قانون اساسی آن است که:

«تعیین طریق جبران کاهش و یا تأمین هزینه برای قابلیت یافتن طرح در مجلس شورای اسلامی لازم است»

استفساریه شماره: ۱۴۶

تاریخ: ۱۳۹۱/۱/۱۹

"باتوجه به بند ۱ راهبردهای اجرای بند ۷ اصل ۱۱۰ قانون اساسی مبنی بر استفاده حداقلی از راهکار این بند و تأکید بر راه‌هایی مانند تفسیر قانون اساسی، پیشنهاد می‌شود در صورت صلاحدید، برای تنظیم روابط قوای مجریه و مقننه در زمینه اصل ۷۵ قانون اساسی، نظر شورای نگهبان در مورد اصل مزبور در محورهای زیر استفسار شود:

۱. در مواردی که طرح‌های قانونی و پیشنهادها و اصلاحاتی که نمایندگان مجلس شورای اسلامی در خصوص لوایح قانونی عنوان میکنند، به تقلیل درآمد عمومی یا افزایش هزینه‌های عمومی می‌انجامد، آیا درج عباراتی مانند "از محل صرفه‌جویی"، "پیش‌بینی در بودجه سنواتی"، "از محل اعتبارات مصوب مربوط"، "از محل اعتبارات مصوب دستگاه" و "از محل حساب ذخیره ارزی" به عنوان طریق جبران کاهش درآمد یا تأمین هزینه جدید، قابل قبول است یا خیر؟

۲. اگر شورای نگهبان به استناد اموری مانند:

- معلوم نشدن طریق جبران کاهش درآمد یا تأمین هزینه جدید
 - غیرقابل تحقق و صوری بودن طریق پیش‌بینی شده
 - کافی نبودن طریق پیش‌بینی شده، برای جبران کامل کاهش درآمد یا تأمین هزینه جدید
 - مقبول نبودن درج عباراتی مانند آنچه در بند ۱ فوق ذکر شد، برای جبران کاهش درآمد یا تأمین هزینه جدید
- مصوبه مجلس را مغایر اصل ۷۵ قانون اساسی بشناسد، آیا مصوبه مزبور از باب اصرار مجلس بر مصوبه خود با در نظر گرفتن مصلحت نظام (اصل ۱۱۲ قانون اساسی) قابل ارجاع به مجمع تشخیص مصلحت نظام است یا خیر؟"

تاریخ: ۱۳۹۱/۱۲/۲۳

شماره: ۹۱/۳۰/۴۹۷۴۹

نظریه شورای نگهبان (تفسیری)

۱- درج عبارت «از محل صرفه‌جویی»، به نحو مطلق و برای مدت نامحدود و بدون تعیین محل و همچنین درج، عبارت «پیش‌بینی در بودجه سنواتی»، بدون تأمین منبع و نیز درج عبارت‌های «از محل اعتبارات مصوب مربوط» و «از محل اعتبارات مصوب دستگاه»، اگر مستلزم بار مالی جدید بوده، طریق جبران کاهش درآمد یا تأمین هزینه جدید مذکور در اصل ۷۵ قانون اساسی محسوب نمی‌گردد.

۲- در مورد بند یک سؤال دوم یعنی «معلوم نشدن طریق کاهش درآمد یا تأمین هزینه جدید»، با توجه به اینکه اصل طرح یا پیشنهاد به صراحت اصل ۷۵ قانون اساسی قابل طرح در مجلس نبوده، بنابراین قابل ارجاع به مجمع تشخیص مصلحت نظام نیز نمی‌باشد. در خصوص سایر موارد، این شورا به نظر تفسیری نرسید.

اصل هفتاد و ششم:

مجلس شورای اسلامی حق تحقیق و تفحص در تمام امور کشور را دارد.

تاریخ: ۱۳۶۰/۴/۳

شماره: ۲۸۱۳

نظریه شورای نگهبان (تفسیری)

حق مذکور در اصل ۷۶ در حقوق مجلس شورای اسلامی است و نمایندگان این حق را ندارند.

تاریخ: ۱۳۶۷/۱۰/۷

شماره: ۳۳۴۴

نظریه شورای نگهبان (تفسیری)

اصل ۷۶ قانون اساسی شامل مواردی از قبیل مقام معظم رهبری، مجلس خبرگان و شورای نگهبان که مافوق مجلس شورای اسلامی می‌باشند، نمی‌شود.

اصل هفتاد و هفتم:

عهدنامه‌ها، مقاوله‌نامه‌ها، قراردادها و مؤافقت‌نامه‌های بین‌المللی باید به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد.

استفساریه شماره: ۱۲۸۹۸۵۱۱۴

تاریخ: ۱۳۶۰/۸/۲

نظر به اینکه مقداری از طرح‌های پیشنهادی وزارتخانه‌ها و موسسات و شرکت‌های دولتی در ارتباط با قراردادهائی است که یکطرف آن وزارتخانه یا موسسه یا شرکت دولتی و طرف دیگر قرارداد شرکت خصوصی خارج می‌باشد و تطابق و یا عدم تطابق مورد با اصل هفتاد و هفتم قانون اساسی که قراردادهای بین‌المللی را موکول به تصویب مجلس شورای اسلامی نموده مواجهه با ابهام است لذا خواهشمند است دستور فرمائید موضوع با رعایت اصل نود و نهم قانون اساسی مورد بررسی قرار گرفته و نظر آن شورای محترم را در خصوص اینکه قراردادهای فوق‌الذکر از جمله قراردادهای بین‌المللی محسوب می‌گردند یا خیر، اعلام نمایند.

نظریه شورای نگهبان (تفسیری)

شماره: ۳۹۰۳

تاریخ: ۱۳۶۰/۸/۷

قراردادهائی که یکطرف آن وزارتخانه یا مؤسسه یا شرکت دولتی و طرف دیگر قرارداد شرکت خصوصی خارجی می‌باشد قرارداد بین‌المللی محسوب نمی‌شود و مشمول اصل ۷۷ قانون اساسی نمی‌باشد.

استفساریه شماره: ۵۰/۶۷۰۱/۲۵۰.د.ه

تاریخ: ۱۳۶۲/۸/۲۶

با احترام، همانطور که اطلاع دارید اصل ۱۳۹ و اصل ۷۷ قانون اساسی، صلح دعاوی راجع به اموال عمومی و دولتی را در صورتی که مورد دعوی خارجی باشد، موکول به تصویب مجلس دانسته و عهدنامه‌ها و مقاوله‌نامه‌ها و قراردادهای نیز باید به تصویب مجلس برسد، آنچه که برای کمیسیون سؤالات باید روشن گردد این است که آیا در موارد جزئی که تصرف در قراردادهای می‌شود و بعضی از مواد آن را از نظر مقدار پول و یا زمان تحویل تغییر می‌دهند این نیز باید به تصویب مجلس برسد، یا خیر؟ و آیا تفاهم‌نامه‌هایی که نمایندگان دولت با طرف‌های خارجی امضاء می‌کنند و بر آن فعالیت طرفین مبتنی می‌گردد، جزء قرارداد حساب می‌آید؟

و آیا بعد از تصویب اصل، داشتن رابطه تجاری با دولت‌های خارجی مسؤولین دولت جمهوری اسلامی حق دارند در این چهارچوب در هر موردی که صلاح دانستند، برای داد و ستد قرارداد بسته موارد جزئی را مشخص نمایند؟

نظریه شورای نگهبان (تفسیری)

شماره: ۹۹۹۳

تاریخ: ۱۳۶۲/۹/۸

۱. در هر مورد عمل دولت یا هر مقام مسؤولی به استناد تصویب مجلس شورای اسلامی انجام می‌شود. فقط در محدوده مصوبه قانونیت دارد و خارج از آن محدوده جزئاً و کلاً به تصویب مجلس شورای اسلامی نیاز دارد.

۲. یادداشت تفاهم چنانچه ایجاد تعهد نماید مثل قرارداد است و بایستی ضوابط مذکور در قانون اساسی نسبت به آن رعایت شود.

۳. قراردادهای جزئی در رابطه با اصل قراردادهای موضوع اصل ۷۷ قانون اساسی در صورتی که خارج از محدوده قرارداد اصل باشد باید به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد.

استفساریه شماره: ۵۸۱۱۰

تاریخ: ۱۳۶۳/۸/۳

نظر به اینکه دستگاه‌های مختلف اجرائی در رابطه با اصل هفتاد و هفتم قانون اساسی دچار ابهاماتی هستند و همین امر موجبات رکود نسبی اقدامات این دستگاه‌ها را فراهم آورده، خواهشمند است نسبت به سؤال زیر که در نامه‌های شماره ۳۰۹۴ مورخ ۱۳۶۳/۲/۱۷ و ۸۸۰۳۶ مورخ ۱۳۶۲/۱۲/۲۱ نیز آمده است اعلام نظر فرمایند.

آیا قراردادهایی که برای انجام معامله بین وزارتخانه، سازمان تابعه و یا شرکت دولتی ایران از یک طرف، با شرکت و مؤسسات دولتی خارجی از طرف دیگر منعقد می‌شود، قرارداد بین‌المللی محسوب و مشمول اصل فوق‌الذکر می‌باشد؟

نظریه شورای نگهبان (تفسیری) شماره: ۲۰۰۹ تاریخ: ۱۳۶۳/۸/۱۶

اصل ۷۷ قانون اساسی با توجه به اصل ۱۲۵ از قراردادهایی که برای انجام معامله بین وزارتخانه‌ها و سایر سازمان‌های دولتی ایران و شرکت‌های خارجی دولتی که دارای شخصیت حقوقی باشند منعقد می‌گردد منصرف است و موارد خاص این‌گونه قراردادها در صورتی که ضوابط کلی آن به موجب قانون عادی تعیین شده باشد نیاز به تصویب مجلس شورای اسلامی ندارد ولی قانون عادی می‌تواند انعقاد بخشی از این قراردادها را نیز به طور موردی موکول به تصویب مجلس شورای اسلامی بنماید.

استفساریه شماره: ۵/۳۲۵۸۱/۲۵۰ ه.د. تاریخ: ۱۳۶۶/۱۰/۲۲

شورای محترم نگهبان

لوایحی در خصوص الحاق ایران به سازمان‌ها و مجامع بین‌المللی از قبیل بانک توسعه اسلامی در مجلس مطرح می‌شود. در اینکه این‌گونه موارد از مصادیق عهدنامه‌ها، موافقت‌نامه‌ها، مقاوله‌نامه‌ها و قراردادهای بین‌المللی مذکور در اصل ۷۷ می‌باشد یا نمی‌باشد بین نمایندگان اختلاف نظر وجود دارد، لطفاً نظر آن شورای محترم را در این خصوص بفرمائید

نظریه شورای نگهبان (تفسیری) شماره: ۱۰۱۳۷ تاریخ: ۱۳۶۶/۱۰/۲۹

با توجه به اینکه بر الحاق‌های مورد سؤال، علیه طرفی که ملحق می‌شود نتایج آثار موارد مذکور در اصول ۷۷ و ۱۲۵ قانون اساسی مرتب می‌شود در حکم موافقت‌نامه است و باید به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد.

اصل هفتاد و هشتم:

هر گونه تغییر در خطوط مرزی ممنوع است مگر اصلاحات جزئی با رعایت مصالح کشور، به شرط این که یک طرفه نباشد و به استقلال و تمامیت ارضی کشور لطمه نزند و به تصویب چهار پنجم مجموع نمایندگان مجلس شورای اسلامی برسد.

اصل هفتاد و نهم:

برقراری حکومت نظامی ممنوع است. در حالت جنگ و شرایط اضطراری نظیر آن، دولت حق دارد با تصویب مجلس شورای اسلامی موقتاً محدودیت‌های ضروری را برقرار نماید، ولی مدت آن به هر حال نمی‌تواند بیش از سی روز باشد و در صورتی که ضرورت همچنان باقی باشد دولت موظف است مجدداً از مجلس کسب مجوز کند.

اصل هشتادم:

گرفتن و دادن وام یا کمک‌های بدون عوض داخلی و خارجی از طرف دولت باید با تصویب مجلس شورای اسلامی باشد.

استفساریه شماره: ۷۱۴۵۰ تاریخ: ۱۳۵۹/۱۲/۱۰

به طوری که استحضار دارند طبق اصل هشتادم قانون اساسی: گرفتن و دادن وام یا کمک‌های بدون عوض داخلی و خارجی از طرف دولت باید با تصویب مجلس شورای اسلامی باشد. از مفاد این اصل چنین استنباط می‌شود که اخذ و پرداخت وام‌ها و

کمک‌های یک دستگاه دولتی به دستگاه دیگر دولت مشمول این اصل نمی‌شود چون مطابق اصل نود و هشتم قانون اساسی تفسیر قانون اساسی در صلاحیت آن شورای محترم است، لذا تمّی دارد در این خصوص اعلام نظر فرمایند.

نظریه شورای نگهبان (تفسیری) شماره: ۲۸۹۵ تاریخ: ۱۳۶۰/۴/۶

اخذ و پرداخت وام‌ها و کمک‌های یک دستگاه دولتی به دستگاه دیگر دولت مشمول اصل ۸۰ قانون اساسی نمی‌باشد. ولی با توجه به اصل ۵۲ اگر منتهی به تغییری در ارقام بودجه شود تابع مراتب مقرر در قانون می‌باشد.

نامه دولت شماره: ۱۱۰۹/۴۰۰ تاریخ: ۱۳۶۰/۱۱/۲۷

بسمه تعالی

به: شورای محترم نگهبان قانون اساسی

از: وزارت نیرو

موضوع: موافقتنامه مالی با بانک درسدرن (نیروگاه نکا)

در رابطه با قراردادی برای اجرای پروژه احداث نیروگاه حرارتی مازندران (نکا) موافقتنامه مالی با گروه بانک‌های آلمانی به مدیریت بانک درسدرن برای تأمین قسمتی از هزینه‌های ارزی پروژه مذکور منعقد گردید که مدت استفاده از آن در تاریخ ۳۱ سپتامبر ۱۹۸۱ منقضی شده و با توجه به اینکه برای تمدید آن منعی در متن موافقتنامه مذکور قید نشده و هیأت محترم وزیران نیز طی تصویبنامه شماره ۵۸۸۱۸ مورخ ۱۴/۸/۶۰ تمدید موافقتنامه را تأیید نموده‌اند این سوال مطرح است که با توجه به عدم منع تمدید موافقتنامه آیا طبق قانون اساسی تمدید موافقتنامه نیازی به تصویب مجلس شورای اسلامی و شورای محترم نگهبان قانون اساسی دارد یا خیر؟ تقاضا دارد دستور فرمائید مراتب را جهت اقدامات بعدی اعلام فرمائید.

از طرف حسن غفوری

وزیر نیرو

نظریه شورای نگهبان (مشورتی) شماره: ۴۲۹۹ تاریخ: ۱۳۶۰/۱۱/۲۸

بسم الله الرحمن الرحيم

وزارت محترم نیرو

عطف به نامه شماره ۱۱۰۹/۴۰۰ مورخ ۶۰/۱۱/۲۷ در خصوص موافقتنامه مالی با بانک درسدرن به اطلاع می‌رساند که موضوع در شورای نگهبان مطرح و نظریه اکثریت اعضاء به شرح زیر اعلام می‌گردد:

"چون موافقتنامه مذکور لغو نشده و اعتبار قانونی آن باقی است تمدید آن به نحوی که در نامه مذکور بیان گردیده نیازی به تصویب مجلس شورای اسلامی نداشته و با قانون اساسی مغایرت ندارد.

این نظریه به عنوان تفسیر قانون اساسی نمی‌باشد.

قائم‌مقام دبیر شورای نگهبان

محسن هادوی

نامه شورای نگهبان شماره: ۴۵۷۰ تاریخ: ۱۳۶۱/۳/۶

بسم الله الرحمن الرحيم

وزارت محترم امور اقتصادی و دارائی

عطف به نامه شماره ۱۴۲۵ مورخ ۶۱/۲/۱۱ در خصوص استعلام آن وزارت نسبت به استفاده از وام در صورت تمدید مهلت موافقتنامه‌ها با توجه به اینکه نظیر همین استعلام قبلاً از طرف وزارت نیرو به عمل آمده و شورای نگهبان پاسخ داده است، اینک

فتوکپی نامه شماره ۱۱۰۹/۴۰۰ مورخ ۶۰/۱۱/۲۷ وزارت نیرو و جوابیه شورای نگهبان به شماره ۴۲۹۹ مورخ ۱۱/۲۸ بیبوست ارسال می‌گردد تا با استفاده از آن رفع اشکال گردد، در غیر این صورت مجدداً مکاتبه فرمائید.

قائم مقام دبیر شورای نگهبان

محسن هادوی

تاریخ: ۱۳۶۱/۳/۱۳

استفساریه شماره: ۳۱۶۹

بسمه تعالی

شورای محترم نگهبان قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

احتراماً

با تشکر از ارسال پاسخ شماره ۴۵۷۰ مورخ ۶۱/۳/۶ آن شورای محترم به استفسار این وزارتخانه در مورد تمدید مهلت استفاده از وام‌های خارجی دولت به استحضار می‌رساند این وزارتخانه با آگاهی قبلی از سؤال وزارت نیرو و پاسخ آن شورا در زمینه فوق با توجه به مسئولیتی که در مورد کلیه وام‌های خارجی دولت به عهده دارد در نظر داشت با طرح مجدد سؤال وزارت نیرو به صورت عام و عطف توجه آن شورا به کلیه حالات ممکنه و آثار تبعی تمدید مهلت وام‌های خارجی نظریه‌ای به صورت حکم عام و به نحوی که در همه موارد مشابه قابل اجرا باشد اخذ نموده راهنمای عمل قرار دهد.

نظر به اینکه اقدامات این وزارتخانه در مورد تمدید مهلت وام‌های خارجی مستلزم حصول اطمینان نسبت به تأیید عدم مغایرت موضوع با اصل ۸۰ قانون اساسی از طرف شورای نگهبان می‌باشد، مستدعیست دستور فرمایند چنانچه موضوع در کلیت مورد نظر مورد تأیید آن شورای محترم قرار گرفته است مراتب جهت اقدام به این وزارتخانه ابلاغ گردد.

حسین نمازی

وزیر امور اقتصادی و دارایی

تاریخ: ۱۳۶۱/۳/۲۰

شماره: ۴۶۸۳

نظریه شورای نگهبان (مشورتی)

بسم الله الرحمن الرحيم

وزارت محترم امور اقتصادی و دارایی

عطف به نامه شماره ۳۱۶۹ مورخ ۶۱/۳/۱۳

موضوع سؤال مجدداً در شورای نگهبان مطرح و مورد بررسی دقیق قرار گرفت. نظر اکثریت اعضاء شورا به این شرح اعلام می‌شود: به طور کلی هر قراردادی که اعتبار قانونی آن به قوت خود باقی باشد و در آن تمدید قرارداد یا تمدید مهلت استفاده از وام پیش‌بینی شده باشد و همچنین در قراردادهایی که بر حسب تصویب شورای انقلاب مدت آن تمدید شده باشد، تمدید مدت و مهلت استفاده از آن نیاز به تصویب مجلس شورای اسلامی ندارد و در قراردادهایی که پیش‌بینی این جهت نشده باشد نیاز به تصویب مجلس دارد.

لازم بتذکر است این نظریه بعنوان تفسیر قانون اساسی نمی‌باشد.

دبیر شورای نگهبان

لطف الله صافی

اصل هشتاد و یکم:

دادن امتیاز تشکیل شرکت‌ها و مؤسسات در امور تجارتی و صنعتی و کشاورزی و معادن و خدمات به خارجیان مطلقاً ممنوع است.

استفساریه شماره: ۱۴۲۵ تاریخ: ۱۳۶۱/۲/۱۱

همانطور که استحضار دارید عده‌ای از دستگاه‌های اجرایی دولت در سال‌های قبل از انقلاب به منظور اجرای طرح‌های عمرانی قراردادهایی با شرکت‌های خارجی منعقد نموده و برای تامین هزینه ارزی آنها نیز با انعقاد موافقتنامه‌های لازم وام‌ها و اعتباراتی از بانک‌ها و مؤسسات مالی خارجی تحصیل کرده‌اند. بدین لحاظ در موافقتنامه‌های مذکور استفاده از وجوه هر وام به اجرای طرحی خاص و قرارداد اجرایی معینی مشروط و منحصر گردیده و به این ترتیب مهلت استفاده از وام نیز متناسب با زمان پایان اجرای طرح و قرارداد مربوط محدود و معین شده است.

بعد از انقلاب اسلامی اجرای برخی از طرح‌های فوق‌الذکر به علل غیر قابل پیش‌بینی از قبیل اعتصابات قبل از انقلاب و تحریم اقتصادی و نظایر آن با تاخیر مواجه گردیده و در نتیجه مهلت استفاده از وام‌های مربوط قبل از اجرای کامل پروژه منقضی شده است. حال با توجه به مضیقه‌های ارزی و مالی موجود و نیز از آنجا که بهای قرار داد باید تنها از محل وام‌های مربوط پرداخت شود و چرا که اکثر پیمانکاران خارجی به لحاظ رعایت مقررات کشور متبوع خود قادر به قبول شرایط و یا منابع مالی دیگری نیستند، دستگاه‌های اجرائی در نظر دارند با جلب موافقت وام‌دهندگان مهلت استفاده از این گونه وام‌ها را تمدید نمایند:

برخی از موافقتنامه‌های وام در مورد امکان تمدید مهلت استفاده از وام ساکت هستند ولی در بعضی دیگر از آنها استفاده از مانده وام به یکی از دو مشکل زیر مطرح شده است:

۱. استفاده از مانده وام منوط به عدم مخالف وام‌دهنده است.

۲. استفاده از مانده وام منوط به موافقت طرفین است.

بدیهی است که در هر حال پس از تمدید مهلت استفاده از وام، جدول بازپرداخت آن متعاقباً تغییر می‌کند ولی شرایط عمومی اولیه وام موثر در نحوه بازپرداخت خواهد بود و بهره و کارمزد متعلقه از نرخ‌های مقرر در قرارداد اولیه وام فراتر نخواهد رفت. اینک با توجه به اینکه اجرای بعضی از پروژه‌های بسیار حساس مملکتی موکول به تمدید مهلت استفاده از وام‌های مربوطه خارجی است مستدعی است راهنمایی بفرمایند که با توجه به اصل هشتم قانون اساسی آیا این تمدید مهلت با آثار تبعی مذکور نیازمند کسب مجوز از مجلس شورای اسلامی است یا خیر؟

نظریه شورای نگهبان (مشورتی) شماره: ۴۵۷۰ تاریخ: ۱۳۶۱/۳/۶

عطف به نامه شماره ۱۴۲۵ مورخ ۶۱/۲/۱۱ در خصوص استعلام آن وزارت نسبت به استفاده از وام در صورت تمدید مهلت موافقتنامه‌ها با توجه به اینکه نظیر همین استعلام قبلاً از طرف وزارت نیرو به عمل آمده و شورای نگهبان پاسخ داده است. اینک فتوایی نامه شماره ۱۱۰۹/۴۰۰ مورخ ۶۰/۱۱/۲۷ وزارت نیرو و جوابیه شورای نگهبان به شماره ۴۲۹۹ مورخ ۱۱/۲۸ بیپوست ارسال می‌گردد تا با استفاده از آن رفع اشکال گردد. در غیر این صورت مجدداً مکاتبه فرمائید

استفساریه شماره: ۶۳/۶۱۱۸ تاریخ: ۱۳۶۵/۱۱/۱۴

خواهشمند است دستور فرمایید نظر آن شورای محترم، در پاسخ به سؤال مطرح شده از سوی اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران، موضوع نامه شماره ۱۱/۲۸۱۱۷ مورخ ۱۳۶۵/۱۰/۶، را برای استحضار ریاست محترم جمهوری ارسال دارند.

نظریه شورای نگهبان (مشورتی) شماره: ۷۶۶۸ تاریخ: ۱۳۶۵/۱۲/۷

در ارتباط با اطلاق اصل ۸۱ قانون اساسی پس از مذاکرات و بحث و بررسی، شورای نگهبان به نظر تفسیری نرسید. ولی نظریه اینکه قدر متیقن از اصل مذکور این است که دادن امتیاز تشکیل شرکت‌ها و مؤسسات در امور تجارتی و صنعتی و کشاورزی و معادن و خدمات به خارجیان در بخش عمومی ممنوع است در خارج از این محدوده مرجع قوانین عادی می‌باشد. بنابرین تمدید کارت بازرگانی شرکت‌های خارجی در غیر بخش عمومی تابع قانون عادی است.

اصل هشتاد و دوم:

استخدام کارشناسان خارجی از طرف دولت ممنوع است مگر در موارد ضرورت با تصویب مجلس شورای اسلامی.

اصل هشتاد و سوم:

بناها و اموال دولتی که از نفایس ملی باشد قابل انتقال به غیر نیست مگر با تصویب مجلس شورای اسلامی آن هم در صورتی که از نفایس منحصر به فرد نباشد.

اصل هشتاد و چهارم:

هر نماینده در برابر تمام ملت مسئول است و حق دارد در همه مسائل داخلی و خارجی کشور اظهار نظر نماید.

نظریه شورای نگهبان (تفسیری) شماره: م/۳۰۹۳ تاریخ: ۱۳۶۰/۵/۸

از دقت در اصول ۷۶، ۸۴، ۸۸، ۱۳۴، و ۱۳۷ قانون اساسی استفاده می‌شود که دولت و وزراء در برابر مجلس و نمایندگان مجلس مسئولند و سؤال نمایندگان باید در مجلس به آن پاسخ داده شود و به غیر این صورت سؤال نمایندگان از دولت و هر مقام اجرایی دیگر و پاسخ آنها حکم سؤال و پاسخ‌های عادی را دارد.

اصل هشتاد و پنجم:

سمت نمایندگی قائم به شخص است و قابل واگذاری به دیگری نیست. مجلس نمی‌تواند اختیار قانونگذاری را به شخص یا هیأتی واگذار کند ولی در موارد ضروری می‌تواند اختیار وضع بعضی از قوانین را با رعایت اصل هفتاد و دوم به کمیسیون‌های داخلی خود تفویض کند، در این صورت این قوانین در مدتی که مجلس تعیین می‌نماید به صورت آزمایشی اجرا می‌شود و تصویب نهایی آنها با مجلس خواهد بود. همچنین مجلس شورای اسلامی می‌تواند تصویب دائمی اساسنامه سازمان‌ها، شرکت‌ها، مؤسسات دولتی یا وابسته به دولت را با رعایت اصل هفتاد و دوم به کمیسیون‌های ذیربط واگذار کند و یا اجازه تصویب آنها را به دولت بدهد. در این صورت مصوبات دولت نباید با اصول و احکام مذهب رسمی کشور و یا قانون اساسی مغایرت داشته باشد. تشخیص این امر به ترتیب مذکور در اصل نود و ششم با شورای نگهبان است. علاوه بر این، مصوبات دولت نباید مخالف قوانین و مقررات عمومی کشور باشد و به منظور بررسی و اعلام عدم مغایرت آنها با قوانین مزبور باید ضمن ابلاغ برای اجرا به اطلاع رئیس مجلس شورای اسلامی برسد.

نامه اشخاص شماره: م/۴۳۶ تاریخ: ۱۳۶۸/۱۱/۲۹

شورای محترم نگهبان

با اهداء سلام و تحیات، استحضار دارید که دیوان محاسبات کشور حسب وظیفه قانونی خود می‌بایستی نسبت به حسابرسی و رسیدگی کلیه حساب‌های درآمد و هزینه و سایر دریافت‌ها و پرداخت‌ها و صورت‌های مالی دستگاه‌ها از نظر انطباق با قوانین و مقررات اقدام نماید. براساس قسمتی از اصل "۵۳" قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران "... همه پرداخت‌ها در حدود اعتبارات مصوب به موجب قانون صورت می‌گیرد" بنابراین وظیفه دیوان محاسبات کشور انطباق دریافت و پرداخت کلیه دستگاه‌ها با قوانینی است که در اجرای اصل "۵۳" قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به تصویب مجلس شورای اسلامی می‌رسد. در

رسیدگی‌های بعمل آمده مشاهده می‌شود با وجود گذشت ده سال از تصویب قانون اساسی برخلاف اصل "۵۳" قانون اساسی پرداخت در شرکت‌های دولتی و مصرف برخی اعتبارات براساس قانون نمی‌باشد. تاکنون هیچ قانونی جهت تعیین نحوه پرداخت شرکت‌های دولتی به تصویب نرسیده است بلکه در حال حاضر پرداخت در شرکت‌های دولتی مستند به آیین‌نامه‌هایی صورت می‌گیرد که مرجع تصویب آنها متفاوت است. همچنین اعتبارات کلیه شرکت‌های دولتی که به موجب اصل "۵۵" قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران می‌بایستی توسط دیوان محاسبات کشور رسیدگی یا حسابرسی گردد، در قانون بودجه منظور نمی‌شود. با وجود تصریح تبصره (۲) قانون بودجه سال ۶۷ اعتبارات بسیاری از شرکت‌های دولتی و بانک‌ها در بودجه کل کشور درج نگردیده و مفاد اصل "۵۵" قانون اساسی نادیده نگرفته شده است.

ذیلاً شرح مبسوط جهت در نظر داشتن موضوع در اجرای اصل "۹۶" قانون اساسی به استحضار می‌رسد.

۱- اساسنامه شرکت بازرسی مهندسی صنعتی ایران در جلسه مورخ ۶۵/۱/۶ هیات وزیران به تصویب رسیده است به موجب ردیف ۵ ماده ۱۰ اساسنامه مذکور تصویب آیین‌نامه‌های مالی و معاملاتی شرکت براساس قوانین و مقررات مربوط از وظائف مجمع عمومی می‌باشد همچنین در اصلاحیه اساسنامه (مصوبه ۶۶/۲/۶ هیات وزیران) عبارت «براساس قوانین و مقررات مربوط» حذف گردیده است بنابراین آیین‌نامه مالی و معاملاتی شرکت فوق‌الذکر بدون رعایت قوانین و مقررات به تصویب مجمع عمومی شرکت می‌رسد.

۱-۱- براساس بند ۶ ماده ۱۰ اساسنامه تصویب تشکیلات و آیین‌نامه‌های استخدامی شرکت با رعایت قوانین و مقررات مربوط از وظایف مجمع عمومی تعیین گردیده است. ملاحظه می‌فرمائید که:

الف: مرجع تصویب‌کننده تشکیل شرکت هیات وزیران است.

ب: مرجع تصویب‌کننده آیین‌نامه‌های مالی، معاملاتی و استخدامی مجمع عمومی شرکت می‌باشد.

۲- اساسنامه شرکت راه‌آهن جمهوری اسلامی ایران از تاریخ ۶۶/۶/۲۹ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است به موجب بند ۸ ماده ۱۰ اساسنامه مذکور بررسی و تصویب آیین‌نامه‌های استخدامی و مالی و معاملاتی شرکت و ارائه آن به هیات وزیران جهت تصویب نهائی از وظائف مجمع عمومی شرکت راه‌آهن تعیین گردیده است. این امر بیانگر آن است که:

الف: مرجع تصویب‌کننده اساسنامه مجلس شورای اسلامی است.

ب: آیین‌نامه‌های مالی، معاملاتی و استخدامی شرکت به تصویب هیات وزیران می‌رسد.

۳- اساسنامه سازمان مرکزی تعاونی‌های معدنی در جلسه مورخ ۶۵/۷/۶ هیات وزیران به تصویب رسیده و براساس ماده ۶ اساسنامه سازمان از لحاظ استخدامی، مالی و معاملاتی تابع مقررات مربوط به شرکت‌های دولتی می‌باشد. بدین ترتیب چون هیچ مقرراتی از لحاظ مالی و معاملاتی بر شرکت‌های دولتی مترتب نمی‌باشد تکلیف شرکت از این لحاظ مشخص نمی‌باشد.

۴- به موجب ماده ۴ قانون اداره امور شرکت‌های بیمه «شرکت‌های بیمه ایران، البرز و دانا» با رعایت قانون تأسیس بیمه مرکزی ایران و بیمه‌گری و این قانون، طبق مقررات اساسنامه مربوط اداره خواهند شد و در موارد پیش‌بینی نشده مشمول قانون تجارت می‌باشند و در صورتی تابع مقررات عمومی مربوط به دولت و مؤسساتی که با سرمایه دولت تشکیل شده‌اند، می‌گردند که در مقررات مزبور صراحتاً از آنها یاد شده باشد. هیات وزیران در جلسه مورخ ۶۸/۹/۱۵ اساسنامه شرکت‌های یاد شده را به تصویب رسانده است. براساس بند ۷ اساسنامه تصویب تشکیلات و آیین‌نامه‌های مالی و معاملاتی شرکت از طرف مدیر عامل پس از تأیید هیأت مدیره پیشنهاد می‌شود از وظایف مجمع عمومی تعیین شده است همچنین به موجب ماده ۵ قانون اداره امور شرکت‌های بیمه آیین‌نامه استخدامی مشترک شرکت‌های بیمه و بیمه مرکزی بنا به پیشنهاد وزیر امور اقتصادی و دارائی به تصویب هیات وزیران خواهد رسید.

بنابراین:

الف: آیین‌نامه‌های مالی و معاملاتی شرکت‌های بیمه به تصویب مجمع عمومی می‌رسد.

ب: آیین‌نامه استخدامی بنا به پیشنهاد وزیر امور اقتصادی و دارایی به تصویب هیات وزیران خواهد رسید.

آنچه که در کلیه اساسنامه‌ها و یا قانون تشکیل رعایت نشده است اصل "۵۳" قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است با وجود آنکه قانون استخدام شرکت‌های دولتی کماکان به قوت خود باقی است لکن به موجب اساسنامه و قوانین موجود حتی امور استخدامی شرکت‌های دولتی را نیز خارج از شمول قانون مذکور دانسته‌اند آیا با وجود اصل "۵۳" قانون اساسی میتوان پرداخت را اعم از حقوق و مزایا و یا خرید و معاملات را تابع آیین‌نامه‌ای نمود که به تصویب هیات وزیران و یا مجمع عمومی می‌رسد؟ در بسیاری از موارد مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان حتی از تشکیل شرکت‌های دولتی اطلاعی ندارند آیا می‌توان قبول نمود که مصوبات هیات وزیران و هر مرجع دیگری بجز مجلس شورای اسلامی با قانون اساسی و یا احکام اسلام نایستی تطبیق داده شود؟ مصوبات هیات وزیران در اجرای اصل "۱۲۶" قانون اساسی به اطلاع ریاست مجلس شورای اسلامی می‌رسد تا در صورتی که آنها را برخلاف قوانین بیابد با ذکر دلیل برای تجدید نظر به هیات وزیران بفرستد. حال در صورتی که مصوبات هیات وزیران برخلاف قانون اساسی و یا به احتمال ضعیف و خدای ناکرده برخلاف احکام اسلام باشد چه مرجعی مسؤولیت تشخیص را به عهده دارد.

اعضای محترم شورای نگهبان به استحضار می‌رساند در قانون تشکیل و یا اساسنامه شرکت‌های دولتی که به تصویب هیات وزیران می‌رسد اجازه داده شده است تا شرکت بتواند راساً نسبت به تشکیل شرکت‌های فرعی اقدام نماید. طبق قسمت اخیر بند ۳ اساسنامه شرکت‌های بیمه البرز، دانا، ایران و آسیا "شرکت می‌تواند طبق مقررات به هر نوع عملیات (از جمله تاسیس شرکت‌های فرعی... مبادرت نماید" و یا براساس تبصره ۲ ماده واحده قانون تشکیل شرکت سهامی راه آهن جمهوری اسلامی ایران و اساسنامه آن (مصوب ۶۶/۶/۲۹) "شرکت مجاز است برای انجام قسمتی از وظایف محوله با تصویب مجمع عمومی خود مبادرت به تشکیل شرکت‌های دیگر نماید...." این امر سبب خواهد شد تا شرکت‌هایی که به موجب قانون تشکیل شده‌اند به صورت ستادی عمل نموده و اجرا را به شرکت‌های ایجاد شده بسپارند چه تضمینی وجود دارد که تشکیل شرکت‌های جدید با اساسنامه مصوب مجمع عمومی شرکت اصلی و آیین‌نامه‌های مالی، معاملاتی و استخدامی مصوب مجمع عمومی شرکت جدید (که از بین وزراء نمی‌باشند) در چهارچوب قانون اساسی عمل نمایند آیا پرداخت شرکت‌های جدید به استناد آیین‌نامه‌های مصوب مجمع عمومی مغایر با اصل "۵۳" قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نمی‌باشد؟ آیا عدم درج اعتبارات شرکت‌های جدید (که براساس اطلاعات موجود چند برابر شرکت‌های اصلی می‌باشند) در بودجه کل کشور مغایر اصل "۵۵" قانون اساسی نیست.

التهیه به لحاظ انجام تکلیف شرعی و قانونی اعلام می‌گردد علاوه بر اینکه کلیه پرداخت‌های شرکت‌های دولتی که هم اکنون براساس آیین‌نامه‌های مصوب مجمع عمومی شرکت‌های اصلی، مجمع عمومی شرکت‌های فرعی، هیات وزیران و صورت می‌گیرد برخلاف نص صریح اصل "۵۳" قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران می‌باشد، چندانگی در پرداخت سبب بروز تبعیض در توزیع نیروی انسانی، عدم توانایی دولت در مهار تورم، رشد بی‌رویه جمعیت، بالا رفتن حجم نقدینگی و نیز گردیده است. مضاف اینکه برخی از شرکت‌های دولتی بدون اساسنامه، قانون تشکیل و آیین‌نامه‌های مالی، معاملاتی و استخدامی به فعالیت ادامه می‌دهند.

ایرج صفاتی دزفولی

رئیس دیوان محاسبات کشور

۶۸/۱۱/۲۹

تاریخ: ۱۳۶۹/۲/۲۶

نامه شورای نگهبان شماره: ۰۲۵۴

بسم الله الرحمن الرحيم

جناب آقای دکتر حبیبی معاون اول محترم رئیس جمهوری

با سلام، حسب اعلام دادستان محترم دیوان محاسبات اخیراً اساسنامه‌هایی در اجرای اصل ۸۵ قانون اساسی به تصویب دولت رسیده و به مورد اجرا گذشته شده بدون اینکه اصل ۹۶ قانون اساسی رعایت شده و جهت اظهار نظر از لحاظ انطباق با قانون اساسی و موازین شرع به شورای نگهبان فرستاده شده باشد خواهشمند دستور فرمائید چگونگی امر به شورای نگهبان اعلام و مفاد اصل ۸۵ در این خصوص رعایت گردد.

قائم‌مقام دبیر شورای نگهبان

دکتر حسین مهرپور

استفساریه شماره: ۱۶۱۹۸

تاریخ: ۱۳۶۹/۵/۷

جناب آقای دکتر مهرپور

قائم‌مقام محترم دبیر شورای نگهبان

عطف بنامه شماره ۰۲۵۴ مورخ ۶۹/۲/۲۶ به پیوست نظریه اداره کل حقوقی ریاست جمهوری را ملاحظه می‌فرمایند.

نکته مهم همان است که در بند دوم نامه آمده است و براساس آن باید به یکی از دو صورت زیر عمل شود.

۱- چنانچه استدلال مذکور در بند ۲ بدون اظهار نظر تفسیری شورای محترم نگهبان مورد قبول باشد به طور عادی به ترتیبی که ذکر شده است عمل خواهد شد، یعنی در مواردی که اجازه تصویب اساسنامه - نظیر گذشته - بدون اشاره به اصل هشتاد و پنجم قانون اساسی بدولت اجازه داده می‌شود (نظیر تبصره ۲ قانون انتزاع سازمان چای کشور از وزارت بازرگانی و الحاق آن به وزارت کشاورزی مصوب شانزدهم اسفند ماه ۱۳۶۸) نیاز به مراجعه به شورای محترم نگهبان نیست، و در مواردی که تصریح می‌شود باید به شورا مراجعه شود.

۲- در صورتی که به نظر شورای محترم نگهبان اصل هشتاد و پنجم از جهت مورد بحث نیاز به تفسیر داشته باشد، شورای محترم به ترتیبی که مقتضی می‌دانند اعلام نظر فرمایند تا به همان صورت عمل شود.

حسن حبیبی

معاون اول رئیس جمهور

۶/۵/۶۹

نظریه شورای نگهبان (تفسیری)

شماره: ۰۵۶۵

تاریخ: ۱۳۶۹/۶/۱۱

بسم الله الرحمن الرحيم

جناب آقای دکتر حبیبی - معاون اول محترم ریاست جمهوری

عطف به نامه شماره ۱۶۱۹۸ مورخ ۱۳۶۹/۵/۷ پیرو نامه شماره ۲۵۴ مورخ ۱۳۶۹/۲/۲۶:

موضوع در جلسه روز یکشنبه چهارم شهریور ماه / ۱۳۶۹ شورای نگهبان مطرح و مورد بحث و بررسی قرار گرفت. نظر اکثریت اعضای شورا (۱۰ نفر) بشرح ذیل اعلام می‌گردد:

"کلیه اساسنامه‌های سازمان‌ها، شرکت‌ها، موسسات دولتی یا وابسته به دولت که پس از تاریخ اصلاحیه قانون اساسی به تصویب هیأت دولت رسیده یا برسد خواه اجازه تصویب آن قبل از تاریخ اصلاحیه قانون اساسی داده شده و یا بعد از تاریخ مزبور باشد و خواه در ضمن واگذار کردن اجازه تصویب، تصریح به اصل ۸۵ قانون اساسی شده یا نشده باشد، مشمول حکم مقرر در اصل فوق‌الذکر بوده و باید برای تشخیص عدم مغایرت آنها با موازین شرع و قانون اساسی به شورای نگهبان ارسال شود.

قائم‌مقام دبیر شورای نگهبان

حسین مهرپور

استفساریه شماره: ۱۳۷۳/۶/۵ تاریخ: ۱۳۷۳/۶/۵

در اجرای اصل ۹۸ و با توجه به اصول ۱۴۱ و ۸۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، خواهشمند است نظر تفسیری آن شورای محترم را در دو مورد زیر اعلام فرمایید:

- ۱- آیا اعطای مسئولیت ریاست یا سرپرستی دانشکده‌های دانشگاه‌های کشور به نمایندگان مجلس شورای اسلامی مانع از اشتغال به سمت نمایندگی است یا این قبیل سمت‌ها مشمول قسمت اخیر اصل ۱۴۱ قانون اساسی که صراحت دارد سمت‌های آموزشی در دانشگاه‌ها و موسسات تحقیقاتی از این حکم مستثنی است می‌باشد؟
- ۲- آیا قوانینی که به صورت اجرای آزمایشی در کمیسیون‌های داخلی مجلس تصویب می‌شوند و برای مدت معین با تصویب مجلس به اجراء در می‌آیند قابل تمدید و اجرا برای یک دوره یا مدت دیگر نیز می‌باشد یا خیر؟

نظریه شورای نگهبان (تفسیری) شماره: ۶۷۷۲ تاریخ: ۱۳۷۳/۶/۲۳

- ۱- در مورد بند اول به اتفاق آراء نظر به اینکه ریاست دانشکده مانند ریاست دانشگاه سمت اداری محسوب می‌شود تصدی آن برای نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی خلاف اصل ۱۴۱ قانون اساسی است.
- در این رابطه نظر ریاست محترم مجلس را به بند اول نامه شماره ۸۵۱۳ مورخ ۱۳۶۲/۲/۲۰ شورای نگهبان جلب می‌کنیم.
- ۲- در مورد بند ۲، شورای نگهبان بنظر تفسیری نرسید.

استفساریه شماره: ۶۰۸۲ - ۱/م تاریخ: ۱۳۹۱/۳/۳

نامه شماره ۱۶۶ مورخ ۱۳۹۱/۳/۲ رئیس محترم هیأت عالی حل اختلاف و تنظیم روابط قوای سه‌گانه در ارتباط با موضوع ارجاعی اختیارات رئیس مجلس شورای اسلامی در اجرای ذیل اصول ۸۵ و ۱۳۸ قانون اساسی و نتیجه حاصله به استحضار مقام معظم رهبری مدظله العالی رسید، مرقوم فرمودند: «آیه الله جناب آقای جنتی دبیر محترم شورای نگهبان دامت برکاته طبق نظر صائب هیأت عالی حل اختلاف، شایسته است آن شورای محترم، نظر تفسیری خود را در مورد اصول ذی‌ربط قانون اساسی در این مسأله، اعلام نماید. والسلام علیکم ورحمة الله ۱۳۹۱/۳/۲»

نظریه شورای نگهبان (تفسیری) شماره: ۷۳۲/۹۱/۳/م تاریخ: ۱۳۹۱/۳/۲۰

هیأت وزیران پس از اعلام نظر رئیس مجلس شورای اسلامی مکلف به تجدیدنظر و اصلاح مصوبه خویش است؛ در غیر این صورت پس از گذشت مهلت مقرر قانونی، مصوبه مورد ایراد ملغی‌الاثرا خواهد شد.

اصل هشتماد و ششم:

نمایندگان مجلس در مقام ایفای وظایف نمایندگی در اظهار نظر و رأی خود کاملاً آزادند و نمی‌توان آنها را به سبب نظراتی که در مجلس اظهار کرده‌اند یا آرائی که در مقام ایفای وظایف نمایندگی خود داده‌اند تعقیب یا توقیف کرد.

استفساریه شماره: ۱/۸۰/۱۹۱۰۶ تاریخ: ۱۳۸۰/۱۰/۹

موجب امتنان خواهد بود تا با طرح و بررسی اصل هشتماد و ششم (۸۶) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در آن شورای محترم، نظریه تفسیری شورا، نسبت به مصونیت پارلمانی نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی و حدود آن به این قوه، اعلام فرمائید تا در اختیار مراجع قضائی قرار گیرد.

نظریه شورای نگهبان (تفسیری) شماره: ۸۰/۲۱/۳۰۳۶ تاریخ: ۱۳۸۰/۱۰/۲۰

با عنایت به:

۱. مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در خصوص اصل هشتاد و ششم، حاکی از اینکه مصونیت ریشه اسلامی ندارد و تمام مردم در برابر حق و قانون الهی یکسان و برابرند، و هر فردی که در مظنه گناه یا جرم قرار گیرد قابل تعقیب است و اگر شکایتی علیه او انجام گیرد دستگاه قضائی باید او را تعقیب کند،
 ۲. اصول متعدد قانون اساسی از آن جمله اصول نوزدهم و بیستم دائر بر برخورداری همه ملت ایران از حقوق مساوی،
 ۳. اختصاص موضوع اصل هشتاد و شش مربوط به اظهار نظر و رأی نمایندگان در مجلس و در مقام ایفای وظایف نمایندگی و عدم ملازمه آن با ارتکاب اعمال و عناوین مجرمانه،
 ۴. عدم توجیه شرعی منع تعقیب یا توقیف مجرم،
 ۵. نظر مبارک حضرت امام خمینی (ره) به عنوان ناظر و راهنمای تدوین قانون اساسی دائر بر ضرورت پرهیز از هتک حرمت اشخاص و لزوم جبران آن در مجلس و رسیدگی توسط قوه قضائیه،
- «اصل هشتاد و ششم قانون اساسی در مقام بیان آزادی نماینده در رابطه با رأی دادن و اظهار نظر در جهت ایفای وظایف نمایندگی، در مجلس است و ارتکاب اعمال و عناوین مجرمانه از شمول این اصل خارج می‌باشد و این آزادی نافی مسئولیت مرتکب جرم نمی‌باشد»

اصل هشتاد و هفتم:

رئیس جمهور برای هیأت وزیران پس از تشکیل و پیش از هر اقدام دیگر باید از مجلس رأی اعتماد بگیرد. در دوران تصدی نیز در مورد مسائل مهم و مورد اختلاف می‌تواند از مجلس برای هیأت وزیران تقاضای رأی اعتماد کند.

اصل هشتاد و هشتم:

در هر مورد که حداقل یک چهارم کل نمایندگان مجلس شورای اسلامی از رئیس جمهور و یا هر یک از نمایندگان از وزیر مسئول، درباره یکی از وظایف آنان سوال کنند، رئیس جمهور یا وزیر موظف است در مجلس حاضر شود و به سوال جواب دهد و این جواب نباید در مورد رئیس جمهور بیش از یک ماه و در مورد وزیر بیش از ده روز به تأخیر افتاد مگر با عذر موجه به تشخیص مجلس شورای اسلامی.

تاریخ: ۱۳۶۲/۴/۹

استفساریه شماره: ۴۵۳۶-ق

معمولا نمایندگان مجلس شورای اسلامی براساس اصل ۸۸ قانون اساسی از عملکرد دادگاه‌ها و مسؤولان قضایی کشور و امور مربوط به شورای عالی قضائی سؤالاتی می‌نمایند و شورای عالی قضایی خود را ملزم به جواب سؤالات نمی‌داند. وزیر دادگستری هم اظهار می‌دارد در اموری که تصمیم‌گیری آن به وزیر دادگستری محول نشده امکان جواب گفتن ندارد. لطفاً با توجه به همه اصول مربوطه قانون اساسی حدود و حقوق نمایندگان، وظایف شورای عالی قضایی و وزارت دادگستری را در رابطه با اصل ۸۸ مشخص فرمائید.

تاریخ: ۱۳۶۲/۴/۱۶

شماره: ۹۰۷۵

نظریه شورای نگهبان (تفسیری)

در رابطه با سؤال نماینده مجلس شورای اسلامی از وزیر که در اصل ۸۸ قانون اساسی مصرح است وزیر دادگستری نیز در حدود وظایفی که در اصل ۱۶۰ قانون اساسی برای او مقرر شده است مسؤول می‌باشد و علی‌هذا در رابطه با مسئولیت‌های قوه قضائیه وزیر دادگستری مسؤول نخواهد بود ولی در رابطه با شکایات از طرز کار قوه قضائیه به موجب اصل ۹۰ قانون اساسی عمل خواهد شد و نیز در رابطه با مواردی که مجلس شورای اسلامی تحقیق و تفحص را لازم بداند طبق اصل ۷۶ قانون اساسی می‌تواند تحقیق

و تفحص نماید. بدیهی است در رابطه با این دو اصل و کیفیت تحقیق و تفحص و اقدامی که مجلس شورای اسلامی در صورتی که پاسخ را قانع کننده ندانست باید بنماید می‌تواند قانون لازم را تصویب نماید. علاوه بر این چون طبق اصل ۸۴ قانون اساسی هر نماینده می‌تواند در همه مسائل داخلی و خارجی کشور اظهارنظر نماید در امور قضایی نیز می‌تواند هرگونه نظری را لازم بداند در مجلس شورای اسلامی اظهار نماید.

استفساریه شماره: ۴۵۳۶ - ق

تاریخ: ۱۳۶۲/۴/۹

معمولاً نمایندگان مجلس شورای اسلامی براساس اصل ۸۸ قانون اساسی از عملکرد دادگاه‌ها و مسؤولان قضایی کشور و امور مربوط به شورای عالی قضایی سؤالاتی می‌نمایند و شورای عالی قضایی خود را ملزم به جواب سؤالات نمی‌داند. وزیر دادگستری هم اظهار می‌دارد در اموری که تصمیم‌گیری آن به وزیر دادگستری محول نشده امکان جواب گفتن ندارد. لطفاً با توجه به همه اصول مربوطه قانون اساسی حدود و حقوق نمایندگان، وظایف شورای عالی قضایی و وزارت دادگستری را در رابطه با اصل ۸۸ مشخص فرمائید

نظریه شورای نگهبان (تفسیری)

شماره: ۹۰۷۵

تاریخ: ۱۳۶۲/۴/۱۶

در رابطه با سؤال نماینده مجلس شورای اسلامی از وزیر که در اصل ۸۸ قانون اساسی مصرح است وزیر دادگستری نیز در حدود وظایفی که در اصل ۱۶۰ قانون اساسی برای او مقرر شده است مسؤول می‌باشد و علی‌هذا در رابطه با مسؤولیت‌های قوه قضائیه وزیر دادگستری مسؤول نخواهد بود ولی در رابطه با شکایات از طرز کار قوه قضائیه به موجب اصل ۹۰ قانون اساسی عمل خواهد شد و نیز در رابطه با مواردی که مجلس شورای اسلامی تحقیق و تفحص را لازم بداند طبق اصل ۷۶ قانون اساسی می‌تواند تحقیق و تفحص نماید. بدیهی است در رابطه با این دو اصل و کیفیت تحقیق و تفحص و اقدامی که مجلس شورای اسلامی در صورتی که پاسخ را قانع کننده ندانست باید بنماید می‌تواند قانون لازم را تصویب نماید. علاوه بر این چون طبق اصل ۸۴ قانون اساسی هر نماینده می‌تواند در همه مسائل داخلی و خارجی کشور اظهارنظر نماید در امور قضایی نیز می‌تواند هرگونه نظری را لازم بداند در مجلس شورای اسلامی اظهار نماید

استفساریه شماره: ۵۳۵۳ - ق

تاریخ: ۱۳۶۲/۹/۲۱

در اجرای اصل هشتاد و هشتم قانون اساسی وزراء موظف به حضور در مجلس و پاسخ به سؤالات نمایندگان محترم می‌باشند. خواهشمند است اعلام فرمایند آیا وزیر مشاور در امور اجرائی نیز چون سایر وزراء موظف به پاسخگویی است، یا خیر؟

نظریه شورای نگهبان (تفسیری)

شماره: ۱۰۱۸۴

تاریخ: ۱۳۶۲/۹/۲۹

هر وزیری که طبق قانون و با رأی اعتماد مجلس به عنوان وزیر تعیین شده باشد طبق اصل ۱۳۷ قانون اساسی در برابر مجلس مسؤول است و مطابق اصل ۸۸ می‌توان از او سؤال کرده و تعیین مشاور یا معاون نخست وزیر به عنوان وزیر مشاور جهت عملیات اجرایی، مغایر قانون اساسی است.

استفساریه شماره: ۵/۷۳۳۶/۲۵۰ هـ

تاریخ: ۱۳۶۲/۹/۲۸

لطفاً به سؤالات زیر در رابطه با اصل ۸۸ قانون اساسی در خصوص پاسخ به سؤالات نمایندگان جواب بدهید.

۱- لزوم ادای پاسخ در ظرف ده روز، آیا مخصوص به وزیر است یا مجلس هم مجبور است که در ظرف همین مدت در دستور قرار دهد؟

۲- اگر مجلس مجبور به انجام آن در همین مدت ده روز است، تکلیف آن با فوریت‌ها و سایر برنامه‌های زمان‌بندی شده و دستورات از پیش اعلان شده چیست که گاهی چند هفته طول می‌کشد؟

- ۳- در صورت تسری حکم محدودیت ده روز به مجلس، جواز تأخیر با اجازه مجلس مخصوص وزیر است یا خود مجلس هم می‌تواند با تصویب خود انجام پاسخ را تأخیر ببندد؟
- ۴- در هر حال در صورت تراکم برنامه‌ها مثل وضع موجود مجلس که بنظر می‌رسد تا سال‌های دیگر هم وضع چنین باشد، اگر تمایل نمایندگان به انجام پرسش به گونه‌ای باشد که کار رسیدگی به لوایح و طرح‌ها را مختل می‌کند، تکلیف چیست؟ هم اکنون با اینکه هر هفته چهار تا شش سؤال در دستور کار مجلس قرار می‌گیرد، نزدیک به شصت سؤال عقب افتاده وجود دارد و مطمئناً اگر به موقع انجام گیرد جاذبه سؤال برای نمایندگان از این هم بیشتر خواهد شد.
- ۵- اگر از وزیری سؤال شود و قبل از جواب وزیر عزل یا مستعفی گردد، آیا وزیر جدید که بجای ایشان می‌آید مکلف به جواب دادن همان سؤال وزیر پیش از خود هست یا خیر؟
- ۶- آیا وزیر دادگستری مسؤول جواب‌گوئی به وظایف شورای عالی قضایی یا دادگاه‌ها و قضات می‌باشد یا نه؟ و اگر نه، قوه قضائیه چگونه باید پاسخگو باشد؟
- ۷- هرگونه توضیح دیگری در رابطه با سؤال از مسئولان اجرائی که برای حسن انجام کار در رابطه با قانون اساسی لازم می‌دانید در این جواب اضافه بفرمائید.

تاریخ: ۱۳۶۲/۱۰/۷

شماره: ۱۰۲۴۰

نظریه شورای نگهبان (مشورتی)

موضوع سؤالات در جلسه رسمی شورای نگهبان مطرح و مورد بحث و بررسی قرار گرفت و نظر مشورتی شورا به شرح زیر اعلام می‌شود:

- ۱- مستفاد از اصل ۸۸ قانون اساسی این است که وزیر جواب سؤال نماینده را باید ظرف ده روز بدهد. و با عذر موجه به تشخیص مجلس شورای اسلامی تأخیر جواب از ده روز امکان دارد. و نسبت به اختیار مجلس در تأخیر از ده روز در تعیین وقت برای جواب اگرچه قانون اساسی ساکت است ولی با توجه به اینکه مقصود این است که نمایندگان بتوانند همیشه مسائل جاری کشور را تحت سؤال قرار دهند و ظرف مدت کوتاهی جواب بگیرند. و با توجه به اینکه تأخیر وزیر در جواب با عذر موجه جایز است تأخیر مجلس در تعیین وقت جواب نیز با عذر موجه اشکال ندارد. بدیهی است موارد عذر موجه موکول به نظر مجلس شورای اسلامی است.
- ۲- با تغییر وزیر به هر عنوان وزیر جدید در صورتی مکلف به جواب است که مجدداً از شخص او سؤال شود.
- ۳- در خصوص سؤال ۶ نظر شورای نگهبان عطف به نامه شماره ۴۵۳۶/ق مورخ ۱۳۶۴/۴/۹ طی شماره ۹۰۷۵ مورخ ۱۳۶۴/۴/۱۶ به مجلس شورای اسلامی اعلام شده است.

تاریخ: ۱۳۶۴/۲/۲۵

شماره: ۳۳۹۱

نظریه شورای نگهبان (تفسیری)

به موجب اصل مذکور نمایندگان فقط حق سؤال از وزیر مسئول را دارند.

اصل هشتم و نهم:

- ۱- نمایندگان مجلس شورای اسلامی می‌توانند در مواردی که لازم می‌دانند هیأت وزیران یا هر یک از وزراء را استیضاح کنند. استیضاح وقتی قابل طرح در مجلس است که با امضای حداقل ده نفر از نمایندگان به مجلس تقدیم شود. هیأت وزیران یا وزیر مورد استیضاح باید ظرف مدت ده روز پس از طرح آن در مجلس حاضر شود و به آن پاسخ گوید و از مجلس رأی اعتماد بخواهد. در صورت عدم حضور هیأت وزیران یا وزیر برای پاسخ، نمایندگان مزبور درباره استیضاح خود توضیحات لازم را می‌دهند و در صورتی که مجلس مقتضی بداند اعلام رأی عدم اعتماد خواهد کرد. اگر مجلس رأی اعتماد نداد هیأت وزیران یا وزیر مورد استیضاح عزل می‌شود. در هر دو صورت وزرای مورد استیضاح نمی‌توانند در هیأت وزیرانی که بلافاصله بعد از آن تشکیل می‌شود عضویت پیدا کنند.

۲- در صورتی که حداقل یک سوم از نمایندگان مجلس شورای اسلامی رئیس جمهور را در مقام اجرای وظایف مدیریت قوه مجریه و اداره امور اجرایی کشور مورد استیضاح قرار دهند، رئیس جمهور باید ظرف مدت یک ماه پس از طرح آن در مجلس حاضر شود و در خصوص مسائل مطرح شده توضیحات کافی بدهد. در صورتی که پس از بیانات نمایندگان مخالف و موافق و پاسخ رئیس جمهور، اکثریت دو سوم کل نمایندگان به عدم کفایت رئیس جمهور رأی دادند مراتب جهت اجرای بند ده اصل یکصد و دهم به اطلاع مقام رهبری می‌رسد.

اصل نودم:

هر کس شکایتی از طرز کار مجلس یا قوه مجریه یا قوه قضائیه داشته باشد، می‌تواند شکایت خود را کتباً به مجلس شورای اسلامی عرضه کند. مجلس موظف است به این شکایات رسیدگی کند و پاسخ کافی دهد و در مواردی که شکایت به قوه مجریه و یا قوه قضائیه مربوط است رسیدگی و پاسخ کافی از آنها بخواهد و در مدت متناسب نتیجه را اعلام نماید و در موردی که مربوط به عموم باشد به اطلاع عامه برساند.

اصل نود و یکم:

به منظور پاسداری از احکام اسلام و قانون اساسی از نظر عدم مغایرت مصوبات مجلس شورای اسلامی با آنها، شورایی به نام شورای نگهبان با ترکیب زیر تشکیل می‌شود.

۱. شش نفر از فقهای عادل و آگاه به مقتضیات زمان و مسائل روز. انتخاب این عده با مقام رهبری است.
۲. شش نفر حقوقدان، در رشته های مختلف حقوقی، از میان حقوقدانان مسلمانی که به وسیله رئیس قوه قضائیه به مجلس شورای اسلامی معرفی می‌شوند و با رأی مجلس انتخاب می‌گردند.

استفساریه شماره: ۱/۸۰/۵۹۶۸ تاریخ: ۱۳۸۰/۴/۷

نظر تفسیری آن شورای محترم را در رابطه با ذیل بند دوم اصل ۹۱ قانون اساسی اعلام فرمائید.

در این اصل تصریح شده است که مجلس موظف است در هر دوره از میان حقوق دانان معرفی شده از سوی رئیس قوه قضائیه عدد لازم را برای عضویت در شورای نگهبان انتخاب کند. ظاهر این تعبیر دلالت دارد که عدد معرفی شده به مجلس می‌بایست بیش از عدد لازم برای عضویت در شورا باشد. حال استفسار از این جهت است که آیا مجلس می‌تواند همه افراد معرفی شده را رد کرده و قوه قضائیه موظف باشد مکرراً افراد دیگری را معرفی نماید یا مفاد این اصل آن است که مجلس موظف است به هر حال از میان حقوق دانان معرفی شده عدد لازم را انتخاب نماید؟

نظریه شورای نگهبان (تفسیری) شماره: ۸۰/۱۱/۱۶۸۳ تاریخ: ۱۳۸۰/۴/۱۰

«مطابق بند ۲ اصل ۹۱ قانون اساسی اختیار معرفی حقوقدانان شورای نگهبان به تعداد بیش از افراد مورد نیاز بعهدہ رئیس قوه قضائیه می‌باشد و مجلس شورای اسلامی موظف است فقط از میان همان افراد معرفی شده، تعداد لازم را انتخاب نماید.»

اصل نود و دوم:

اعضای شورای نگهبان برای مدت شش سال انتخاب می‌شوند ولی در نخستین دوره پس از گذشتن سه سال، نیمی از اعضای هر گروه به قید قرعه تغییر می‌یابند و اعضای تازه‌ای به جای آنها انتخاب می‌شوند.

اصل نود و سوم:

مجلس شورای اسلامی بدون وجود شورای نگهبان اعتبار قانونی ندارد مگر در مورد تصویب اعتبارنامه نمایندگان و انتخاب شش نفر حقوقدان اعضای شورای نگهبان.

اصل نود و چهارم:

کلیه مصوبات مجلس شورای اسلامی باید به شورای نگهبان فرستاده شود. شورای نگهبان موظف است آن را حداکثر ظرف ده روز از تاریخ وصول از نظر انطباق بر موازین اسلام و قانون اساسی مورد بررسی قرار دهد و چنانچه آن را مغایر ببیند برای تجدیدنظر به مجلس بازگرداند. در غیر این صورت مصوبه قابل اجرا است.

استفساریه شماره: ۸۲۰۹۶ تاریخ: ۱۳۷۴/۱۱/۱۴

نظر به اینکه تشخیص قانون مؤخر با عنایت به تحوّل و اصلاح قوانین، امری ضروری است و در مواردی احراز تقدّم و تأخر، مستلزم آن است که معین شود اعتبار قانون متکی به تصویب یا تأیید شورای نگهبان می‌باشد، علی‌هذا با توجه به اصل ۷۱ قانون اساسی که وضع قانون را به مجلس شورای اسلامی محوّل نموده و اصل ۹۳ که مجلس را بدون شورای نگهبان، فاقد اعتبار قانونی اعلام داشته، نظر تفسیری آن شورای محترم در مسئله زیر مورد تقاضاست:

آیا در تشخیص قانون مؤخر، تاریخ تصویب مجلس شورای اسلامی مؤثر در مقام است یا ملاک، تأیید شورای نگهبان می‌باشد؟ برای مزید استحضار و به عنوان نمونه اضافه می‌نماید قانون بودجه سال ۱۳۷۴ کل کشور با قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین، در موارد متعدد، تعارض دارد که لازم است تأخر یکی از آنها احراز شود خصوصاً اینکه زمان تصویب، زمان اجراء و زمان تأیید شورای نگهبان در مورد آنها به شرح زیر بوده است:

قانون بودجه سال ۱۳۷۴ کل کشور	قانون نحوه وصول برخی از درآمدها
زمان تصویب	۱۳۷۳/۱۲/۲۸
ساعت تصویب	مؤخر (بعد از دستور جلسه ش ۷ - ص ۲۸)
زمان قابلیت اجراء	۱۳۷۴/۱/۱
تأیید شورای نگهبان	مؤخر: ۱۳۷۴/۱/۱۶

طبیعی است در صورتی که ملاک در مسئله مطروحه، زمان تصویب باشد قانون بودجه کل کشور که در روز ۱۳۷۳/۱۲/۲۸ در دستور بعدی مجلس قرار داشته مؤخر است و چنان‌که تأیید شورای نگهبان ملاک در اعتبار قانون باشد قانون وصول برخی از درآمدهای دولت، قانون مؤخر است ولو آن که قابلیت اجرای هر دو ۱۳۷۴/۱/۱ بوده است.

نظریه شورای نگهبان (تفسیری) شماره: ۷۵/۲۱/۰۶۵۰ تاریخ: ۱۳۷۵/۴/۱۲

«بدون تردید اعتبار قانونی مصوبات مجلس شورای اسلامی منوط به اظهار نظر شورای نگهبان است و در مقام تعارض دو قانون که شورای نگهبان هر دو را تأیید نموده است معیار و ملاک، تاریخ تصویب مجلس شورای اسلامی است و در صورت وحدت زمان، قانون خاص، قانون عام را تخصیص می‌زند».

اصل نود و پنجم:

در مواردی که شورای نگهبان مدت ده روز را برای رسیدگی و اظهار نظر نهایی کافی نداند، می‌تواند از مجلس شورای اسلامی حداکثر برای ده روز دیگر با ذکر دلیل خواستار تمدید وقت شود.

اصل نود و ششم:

تشخیص عدم مغایرت مصوبات مجلس شورای اسلامی با احکام اسلام با اکثریت فقهای شورای نگهبان و تشخیص عدم تعارض آنها با قانون اساسی بر عهده اکثریت همه اعضای شورای نگهبان است.

نظریه شورای نگهبان (تفسیری)

تاریخ: ۱۳۶۰/۴/۲

در شورای نگهبان بر سر این موضوع بحث بود که آیا باید در مورد انطباق مصوبه مجلس با قانون اساسی رای گیری شود و نتیجتاً، اگر اکثریت مصوبه را مطابق قانون اساسی دانستند. تأیید می‌شود و اگر اکثریت یعنی اقلاً ۷ نفر از ۱۲ نفر آن را منطبق بر قانون اساسی ندانستند رد می‌شود و یا اینکه باید رای گیری بر مغایرت مصوبه با قانون اساسی به عمل آید بگونه‌ای که اگر اکثریت یعنی اقلاً ۷ نفر از ۱۲ نفر آن را مغایر قانون اساسی شناختند برای اصلاح به مجلس باز می‌گردد و اگر این اکثریت حاصل نشد مصوبه تأیید می‌شود نتیجتاً اگر شش نفر آن را مغایر بدانند و شش نفر مغایر ندانند چون رأی اکثریت بر مغایرت حاصل نشده است مصوبه تأیید شده محسوب می‌شود، که همین نظر مورد تأیید اکثریت ۹ نفر اعضاء قرار گرفت و رای گیری بر همین منوال ادامه یافت. متن بخصوصی در این زمینه به عنوان تفسیر تنظیم نشده ولی صورت جلسه فوق که این معنی را می‌رساند و حاوی رأی تفسیری است عیناً نقل گردید.

اصل نود و هفتم:

اعضای شورای نگهبان به منظور تسریع در کار می‌توانند هنگام مذاکره درباره لایحه یا طرح قانونی در مجلس حاضر شوند و مذاکرات را استماع کنند. اما وقتی طرح یا لایحه‌ای فوری در دستور کار مجلس قرار گیرد، اعضای شورای نگهبان باید در مجلس حاضر شوند و نظر خود را اظهار نمایند.

نظریه شورای نگهبان (تفسیری) شماره: ۱۲۵۸ تاریخ: ۱۳۶۸/۸/۱۵

به پیوست نظر تفسیری شورای نگهبان در خصوص اصل نود و هفتم قانون اساسی در رابطه با مفهوم فوری بودن لوایح و طرح‌ها ارسال می‌گردد، عنایت می‌فرمائید که با توجه به تفسیر مزبور طرح‌ها و لوایح یک فوریتی که صرفاً رسیدگی خارج از نوبت و یک شوری بودن را طبق تعریف ماده ۱۱۶ و ۱۱۹ آئین‌نامه داخلی مجلس اقتضاء دارد از شمول فوری بودن مذکور در اصل ۹۷ خارج است، بنابراین پیشنهاد می‌شود ماده ۸۶ آئین‌نامه داخلی مجلس اصلاح یا به عدم شمول حکم آن نسبت به لوایح و طرح‌های یک فوریتی تفسیر گردد.

نظریه شورای نگهبان (تفسیری) شماره: ۱۲۵۸ تاریخ: ۱۳۶۸/۸/۱۵

مقصود از طرح یا لایحه فوری مذکور در اصل نود و هفتم قانون اساسی، طرح یا لایحه‌ای است که تاخیر در رسیدگی به آن مستلزم وقوع خسارت یا فوت فرصت باشد و لوایح و طرح‌هایی را که رسیدگی به آن در این حد از لزوم سرعت نیست شامل نمی‌شود

اصل نود و هشتم:

تفسیر قانون اساسی به عهده شورای نگهبان است که با تصویب سه چهارم آنان انجام می‌شود.

اصل نود و نهم:

شورای نگهبان نظارت بر انتخابات مجلس خبرگان رهبری، ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی و مراجعه به آراء عمومی و همه‌پرسی را بر عهده دارد.

تاریخ: ۱۳۷۰/۲/۲۲

استفساریه شماره: ۳/۳۳

نظر به اینکه امر انتخابات از امور مهمه کشور است و امت اسلامی با رشد انقلابی در تمام دوره‌های اخذ رأی بنحو چشمگیر در انتخابات شرکت نموده‌اند و من بعد نیز باید بنحوی عمل شود که حضور آزادانه مردم هم چنان محفوظ بماند و این امر مستلزم نظارت شورای نگهبان است تا در تمام جهات رعایت بی‌طرفی کامل معمول گردد و در این خصوص در کیفیت اجرا و نظارت گاهی شائبه تداخل مطرح می‌گردد بنا به مراتب استدعا دارد نظر تفسیری آن شورای محترم را در مورد مدلول اصل نود و نه قانون اساسی اعلام فرمایند.

تاریخ: ۱۳۷۰/۳/۱

شماره: ۱۲۳۴

نظریه شورای نگهبان (تفسیری)

عطف به نامه شماره ۳/۳۳ مورخ ۱۳۷۰/۲/۲۲ موضوع در جلسه ۷۰/۳/۱ مطرح و نظر شورا بدین شرح اعلام می‌گردد.

نظارت مذکور در اصل ۹۹ قانون اساسی استصوابی است و شامل تمام مراحل اجرایی انتخابات از جمله تأیید و رد صلاحیت کاندیداها می‌شود.

فصل هفتم: شوراها

اصل یکصدم:

برای پیشبرد سریع برنامه‌های اجتماعی، اقتصادی، عمرانی، بهداشتی، فرهنگی، آموزشی و سایر امور رفاهی از طریق همکاری مردم با توجه به مقتضیات محلی، اداره امور هر روستا، بخش، شهر، شهرستان یا استان با نظارت شورایی به نام شورای ده، بخش، شهر، شهرستان یا استان صورت می‌گیرد که اعضای آن را مردم همان محل انتخاب می‌کنند. شرایط انتخاب‌کنندگان و انتخاب‌شوندگان و حدود وظایف و اختیارات و نحوه انتخاب و نظارت شوراها مذکور و سلسله مراتب آنها را که باید با رعایت اصول وحدت ملی و تمامیت ارضی و نظام جمهوری اسلامی و تابعیت حکومت مرکزی باشد قانون معین می‌کند.

اصل یکصد و یکم:

به منظور جلوگیری از تبعیض و جلب همکاری در تهیه برنامه‌های عمرانی و رفاهی استان‌ها و نظارت بر اجرای هماهنگ آنها، شورای عالی استان‌ها مرکب از نمایندگان شوراها استان‌ها تشکیل می‌شود. نحوه تشکیل و وظایف این شورا را قانون معین می‌کند.

اصل یکصد و دوم:

شورای عالی استان‌ها حق دارد در حدود وظایف خود طرح‌هایی تهیه و مستقیماً یا از طریق دولت به مجلس شورای اسلامی پیشنهاد کند. این طرح‌ها باید در مجلس مورد بررسی قرار گیرد.

تاریخ: ۱۳۸۵/۳/۸

استفساریه شماره: ۵۵/۳۶۱/۱۰ د

از آنجا که اصل هفتاد و پنجم بررسی طرح‌های قانونی و پیشنهادات اصلاحی نمایندگان در خصوص لوایح را که دارای بار مالی باشند منع نموده و از طرفی در اصل یکصد و دوم به شورای عالی استان‌ها اجازه تقدیم طرح به صورت مستقیم به مجلس شورای اسلامی را داده است، خواهشمند است نظریه تفسیری شورای نگهبان را در پاسخ به این سؤال اعلام فرمایید «آیا ممنوعیت بار مالی برای طرح‌های ارائه شده به مجلس شامل طرح‌های موضوع اصل یکصد و دوم قانون اساسی نیز می‌شود یا خیر؟».

تاریخ: ۱۳۸۵/۴/۱

شماره: ۸۵/۳۰/۱۵۸۸۱

نظریه شورای نگهبان (تفسیری)

«اصل هفتاد و پنج قانون اساسی شامل هر طرحی که طبق قانون به مجلس ارائه گردد و بار مالی داشته باشد می‌شود.»

اصل یکصد و سوم:

استانداران، فرمانداران، بخشداران و سایر مقامات کشوری که از طرف دولت تعیین می‌شوند در حدود اختیارات شوراها ملزم به رعایت تصمیمات آنها هستند.

اصل یکصد و چهارم:

به منظور تأمین قسط اسلامی و همکاری در تهیه برنامه‌ها و ایجاد هماهنگی در پیشرفت امور در واحدهای تولیدی، صنعتی و کشاورزی، شوراهایی مرکب از نمایندگان کارگران و دهقانان و دیگر کارکنان و مدیران، و در واحدهای آموزشی، اداری، خدماتی و مانند اینها شوراهایی مرکب از نمایندگان اعضاء این واحدها تشکیل می‌شود. چگونگی تشکیل این شوراها و حدود وظایف و اختیارات آنها را قانون معین می‌کند.

اصل یکصد و پنجم:

تصمیمات شوراها نباید مخالف موازین اسلام و قوانین کشور باشد.

اصل یکصد و ششم:

انحلال شوراها جز در صورت انحراف از وظایف قانونی ممکن نیست. مرجع تشخیص انحراف و ترتیب انحلال شوراها و طرز تشکیل مجدد آنها را قانون معین می‌کند. شورا در صورت اعتراض به انحلال حق دارد به دادگاه صالح شکایت کند و دادگاه موظف است خارج از نوبت به آن رسیدگی کند.

فصل هشتم: رهبر یا شورای رهبری

اصل یکصد و هفتم:

پس از مرجع عالیقدر تقلید و رهبر کبیر انقلاب جهانی اسلام و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران حضرت آیت الله العظمی امام خمینی "قدس سره الشریف" که از طرف اکثریت قاطع مردم به مرجعیت و رهبری شناخته و پذیرفته شدند، تعیین رهبر به عهده خبرگان منتخب مردم است. خبرگان رهبری درباره همه فقها واجد شرایط مذکور در اصول پنجم و یکصد و نهم بررسی و مشورت می‌کنند؛ هر گاه یکی از آنان را اعلم به احکام و موضوعات فقهی یا مسائل سیاسی و اجتماعی یا دارای مقبولیت عامه یا واجد برجستگی خاص در یکی از صفات مذکور در اصل یکصد و نهم تشخیص دهند او را به رهبری انتخاب می‌کنند و در غیر این صورت یکی از آنان را به عنوان رهبر انتخاب و معرفی می‌نمایند. رهبر منتخب خبرگان، ولایت امر و همه مسئولیت‌های ناشی از آن را بر عهده خواهد داشت. رهبر در برابر قوانین با سایر افراد کشور مساوی است.

اصل یکصد و هشتم:

قانون مربوط به تعداد و شرایط خبرگان، کیفیت انتخاب آنها و آیین‌نامه داخلی جلسات آنان برای نخستین دوره باید به وسیله فقها اولین شورای نگهبان تهیه و با اکثریت آراء آنان تصویب شود و به تصویب نهایی رهبر انقلاب برسد. از آن پس هر گونه تغییر و تجدیدنظر در این قانون و تصویب سایر مقررات مربوط به وظایف خبرگان در صلاحیت خود آنان است.

اصل یکصد و نهم:

شرایط و صفات رهبر:

۱. صلاحیت علمی لازم برای افتاء در ابواب مختلف فقه.
۲. عدالت و تقوای لازم برای رهبری امت اسلام.
۳. بینش صحیح سیاسی و اجتماعی، تدبیر، شجاعت، مدیریت و قدرت کافی برای رهبری. در صورت تعدد واجدین شرایط فوق، شخصی که دارای بینش فقهی و سیاسی قوی‌تر باشد مقدم است.

اصل یکصد و دهم:

وظایف و اختیارات رهبر:

۱. تعیین سیاست‌های کلی نظام جمهوری اسلامی ایران پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام.
۲. نظارت بر حسن اجرای سیاست‌های کلی نظام.
۳. فرمان همه‌پرسی.
۴. فرماندهی کل نیروهای مسلح.
۵. اعلام جنگ و صلح و بسیج نیروها.
۶. نصب و عزل و قبول استعفا: الف - فقهای شورای نگهبان. ب - عالی‌ترین مقام قوه قضائیه. ج - رئیس سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران. د - رئیس ستاد مشترک. ه - فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی. و فرماندهان عالی نیروهای نظامی و انتظامی.
۷. حل اختلاف و تنظیم روابط قوای سه گانه.

۸. حل معضلات نظام که از طرق عادی قابل حل نیست، از طریق مجمع تشخیص مصلحت نظام.
 ۹. امضا حکم ریاست جمهوری پس از انتخاب مردم. صلاحیت داوطلبان ریاست جمهوری از جهت دارا بودن شرایطی که در این قانون می‌آید، باید قبل از انتخابات به تأیید شورای نگهبان و در دوره اول به تأیید رهبری برسد.
 ۱۰. عزل رئیس جمهور با در نظر گرفتن مصالح کشور پس از حکم دیوان عالی کشور به تخلف وی از وظایف قانونی، یا رأی مجلس شورای اسلامی به عدم کفایت وی بر اساس اصل هشتاد و نهم.
 ۱۱. عفو یا تخفیف مجازات محکومین در حدود موازین اسلامی پس از پیشنهاد رئیس قوه قضائیه.
- رهبر می‌تواند بعضی از وظایف و اختیارات خود را به شخص دیگری تفویض کند.

اصل یکصد و یازدهم:

هر گاه رهبر از انجام وظایف قانونی خود ناتوان شود یا فاقد یکی از شرایط مذکور در اصول پنجم و یکصد و نهم گردد، یا معلوم شود از آغاز فاقد بعضی از شرایط بوده است، از مقام خود بر کنار خواهد شد. تشخیص این امر به عهده خبرگان مذکور در اصل یکصد و هشتم می‌باشد. در صورت فوت یا کناره‌گیری یا عزل رهبر، خبرگان موظفند، در اسرع وقت نسبت به تعیین و معرفی رهبر جدید اقدام نمایند. تا هنگام معرفی رهبر، شورایی مرکب از رئیس جمهور، رئیس قوه قضائیه و یکی از فقهای شورای نگهبان به انتخاب مجمع تشخیص مصلحت نظام، همه وظایف رهبری را به طور موقت به عهده می‌گیرد و چنانچه در این مدت یکی از آنان به هر دلیل نتواند انجام وظیفه نماید، فرد دیگری به انتخاب مجمع، با حفظ اکثریت فقها، در شورا به جای وی منصوب می‌گردد. این شورا در خصوص وظایف بندهای ۱ و ۳ و ۵ و ۱۰ و قسمت‌های (د) و (ه) و (و) بند ۶ اصل یکصد و دهم، پس از تصویب سه چهارم اعضاء مجمع تشخیص مصلحت نظام اقدام می‌کند. هر گاه رهبر بر اثر بیماری یا حادثه دیگری موقتاً از انجام وظایف رهبری ناتوان شود، در این مدت شورای مذکور در این اصل وظایف او را عهده‌دار خواهد بود.

استفساریه شماره: ۵/۴۹۶۳/۲۵.هـ

تاریخ: ۱۳۶۲/۵/۱۱

لطفاً در تفسیر اصل ۱۱۱ قانون اساسی نظر بدهید که:

آیا مجلس خبرگان آیین‌نامه اجرائی آن اصل را فقط می‌تواند در اجلاس اول تنظیم کند یا ممکن است در اجلاسیه‌های بعد هم اصلاحاتی بعمل آورد؟

نظریه شورای نگهبان (تفسیری)

شماره: ۹۳۳۳

تاریخ: ۱۳۶۲/۵/۱۸

مستفاد از اصل ۱۱۱ قانون اساسی این است که مقررات تشکیل خبرگان برای رسیدگی و عمل به این اصل به عهده مجلس خبرگان است و تعیین آن در اولین اجلاس مربوط به دستور اولین اجلاس می‌باشد بنابراین تغییر و هرگونه اصلاح لازم از طرف مجلس خبرگان در مقررات مذکور از لحاظ قانون اساسی بلامانع است.

اصل یکصد و دوازدهم:

مجمع تشخیص مصلحت نظام برای تشخیص مصلحت در مواردی که مصوبه مجلس شورای اسلامی را شورای نگهبان خلاف موازین شرع و یا قانون اساسی بداند و مجلس با در نظر گرفتن مصلحت نظام نظر شورای نگهبان را تأمین نکند و مشاوره در اموری که رهبری به آنان ارجاع می‌دهد و سایر وظایفی که در این قانون ذکر شده است به دستور رهبری تشکیل می‌شود. اعضاء ثابت و متغیر این مجمع را مقام رهبری تعیین می‌نماید. مقررات مربوط به مجمع توسط خود اعضاء تهیه و تصویب و به تأیید مقام رهبری خواهد رسید.

استفساریه شماره: ۱/۱۶۴۶- ر

تاریخ: ۱۳۷۲/۲/۱۸

لطفاً با توجه به اصول قانون اساسی در مورد مجمع تشخیص مصلحت نظر آن شورای محترم را در خصوص مسائل زیر بیان فرمائید.

۱. آیا مجمع می‌تواند پس از تصویب و ابلاغ مصوبات خود درباره آنها تجدید نظر کند؟
۲. اگر ابهامی در مفهوم مصوبات بود رفع ابهام آن و تفسیر مصوبه با خود مجمع است و یا مرجع تفسیر مجلس شورای اسلامی و یا تفسیرها احتیاج به ارجاع مجدد از سوی مقام رهبری است؟
۳. و اصولاً آیا مصوبات مجمع قانون است و همه ویژگی‌های قوانین عادی باید در مورد آنها مراعات شود و من جمله تفسیر؟
۴. اگر تعارضی بین مصوبات مجمع و قوانین عادی و اساسی و مقررات رسمی دیگر کشور به وجود آید تکلیف چیست؟ و حاکم کدامند؟
۵. آیا مجلس شورای اسلامی و سایر مراکزی که به نحوی حق تعیین ضوابط و مقررات و قوانین را دارند می‌توانند مصوبات مجمع را رد و نقض و یا فسخ و ابطال کنند؟

نظریه شورای نگهبان (تفسیری)

شماره: ۴۵۷۵

تاریخ: ۱۳۷۲/۳/۳

عطف به نامه شماره ۱/۱۶۴۶- ر مورخ ۱۳۷۲/۲/۱۸ نظر تفسیری شورای نگهبان بدین شرح اعلام می‌گردد:

۱. مجمع تشخیص مصلحت نظام نمی‌تواند مستقلاً در مواد قانونی مصوبه خود تجدید نظر کند.
 ۲. تفسیر مواد قانونی مصوب مجمع در محدوده تبیین مراد با مجمع است. اما اگر مجمع در مقام توسعه و تضییق مصوبه خود باشد مستقلاً نمی‌تواند اقدام نماید.
 ۳. مطابق اصل چهارم قانون اساسی مصوبات مجمع تشخیص مصلحت نظام نمی‌تواند خلاف موازین شرع باشد و در مقام تعارض نسبت به اصل قانون اساسی مورد نظر مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان (موضوع صدر اصل ۱۱۲) و همچنین نسبت به سایر قوانین و مقررات دیگر کشور مصوبه مجمع تشخیص مصلحت نظام حاکم است.
- لازم بذکر است که در مورد تعارض مصوبات مجمع با سایر اصول قانون اساسی، شورای نگهبان به رأی نرسید.
- نامه مجمع تشخیص مصلحت نظام شماره: ۲۴۰۹/۳۷۸۶ تاریخ: ۱۳۷۲/۴/۳

شورای محترم نگهبان

عطف به نظریه تفسیری شماره ۴۵۷۵ مورخ ۷۲/۳/۳ خواهشمند است اعلام فرمائید، منظور آن شورای محترم از عبارت «خلاف موازین شرع» در بند سوم تفسیری فوق‌الذکر چیست؟ با عنایت به اینکه براساس صدر اصل یکصد و دوازدهم قانون اساسی، شأن مجمع تشخیص مصلحت نظام تعیین تکلیف در همین موارد است.

نامه شورای نگهبان:

شماره: ۴۸۷۲

تاریخ: ۱۳۷۲/۴/۲۰

بسمه تعالی

ریاست محترم مجمع تشخیص مصلحت نظام

عطف به نامه شماره ۲۴۰۹/۳۷۸۶ مورخ ۷۲/۴/۳ و پیرو نامه شماره ۴۵۷۵ مورخ ۱۳۷۲/۳/۳:

منظور از «خلاف موازین شرع» آن است که نه با احکام اولیه شرع سازگار باشد و نه با احکام عناوین ثانویه و در این رابطه صدر اصل ۱۱۲ به مجمع تشخیص مصلحت تنها اجازه تعیین تکلیف به لحاظ عناوین ثانویه را داده است.

دبیر شورای نگهبان

احمد جنتی

استفساریه شماره: ۱/۷۷۷۸/۲۶۳۰-ر

تاریخ: ۱۳۷۲/۷/۵

پیرو نامه شماره ۱۶۴۶/۱۶۲۳۶-۱-ر مورخ ۷۲/۲/۱۸ و عطف به نامه شماره ۴۵۷۵ مورخ ۷۲/۳/۳ در خصوص «حوزه اختیارات و وظایف مجمع تشخیص مصلحت نظام» با توجه به اصول قانون اساسی و با عنایت به مذاکرات جلسه اخیر مجمع، نظر به اینکه نظریه تفسیری آن شورای محترم در مورد بند ۵ نامه فوق‌الاشارة مجمع، واصل نگردیده، لذا خواهشمند است در اعلام نظر تسریع فرمایند.

نظریه شورای نگهبان (تفسیری)

شماره: ۵۳۱۸

تاریخ: ۱۳۷۲/۷/۲۴

عطف به نامه‌های شماره ۱/۷۷۷۸/۲۶۳۰-ر مورخ ۱۳۷۲/۷/۵ و ۱۶۴۶/۱۶۲۳۶-۱-ر مورخ ۱۳۷۲/۲/۱۸ و پیرو نامه شماره ۴۵۷۵ مورخ ۷۲/۳/۳ بند ۵ سؤال مورد اشاره در جلسه مورخ ۷۲/۷/۲۱ شورای نگهبان مطرح و نظر تفسیری شورا بدین شرح اعلام می‌گردد:

هیچ یک از مراجع قانون‌گذاری حق رد و ابطال و نقض و فسخ مصوبه مجمع تشخیص مصلحت نظام را ندارد اما در صورتی که مصوبه مجمع مصلحت مربوط به اختلاف نظر شورای نگهبان و مجلس شورای اسلامی بوده مجلس پس از گذشت زمان معتدبه که تغییر مصلحت موجه باشد حق طرح و تصویب قانون مغایر را دارد. و در مواردی که موضوع به عنوان معضل از طرف مقام معظم رهبری به مجمع ارسال شده باشد در صورت استعلام از مقام رهبری و عدم مخالفت معظم‌له موضوع قابل طرح در مجلس شورای اسلامی می‌باشد.

استفساریه شماره: ۸۳/۳۰/۷۵۲۷

تاریخ: ۱۳۸۳/۳/۱۰

چنانکه مستحضرید، نمایندگان ششمین دوره مجلس شورای اسلامی در واپسین روزهای آن دوره، لایحه بسیار مهم برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران را بدون بررسی ایرادات شورای نگهبان و یا دست‌کم رفع ابهامات به آن مجمع محترم ارجاع کرده‌اند.

این اقدام، صرف‌نظر از آنکه موجب سلب حق نمایندگان دوره ششم و هفتم مجلس در ارائه پیشنهاد و طی روال طبیعی قانونگذاری می‌شود، به نظر شورای نگهبان مغایر اصل (۱۱۲) قانون اساسی و خلاف صریح ماده (۱۸۷) آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی است.

بدون تردید مجلس نمی‌تواند بدون بررسی ایرادات شورای نگهبان اقدام به ارجاع مصوبه به مجمع نماید. بر حسب روال طبیعی و قانونی طبق ماده (۱۸۶) آیین‌نامه الزاماً مصوبه‌ای که «از طرف شورای نگهبان رده شده به کمیسیون مربوطه ارسال می‌شود و با اعلام وقت قبلی با حضور نماینده شورای نگهبان، موارد اعتراض برای اصلاح مورد بحث قرار می‌گیرد.»

سپس طبق ماده ۱۸۷ «پس از بررسی گزارش کمیسیون که در آن نظر شورای نگهبان ملحوظ شده است و پس از رأی‌گیری نسبت به آن، مصوبه مجدداً به شورای نگهبان ارسال می‌شود. اگر این مصوبه هنوز وافی به نظرات شورای نگهبان نباشد، مجدداً در مجلس مطرح می‌گردد. در صورتی که مجلس با در نظر گرفتن حفظ مصلحت نظام همچنان بر رأی خود باقی باشد رئیس مجلس مصوبه مذکور را به مجمع تشخیص مصلحت نظام ارسال می‌دارد»

بنابراین، چنین بدعتی که به هر بهانه‌ای اصولاً ایرادات شورای نگهبان مورد رسیدگی قرار نگیرد، نقض آشکار قانون اساسی و فلسفه وجودی شورای نگهبان و نیز مجمع تشخیص مصلحت نظام است.

آیا به راستی «برای حفظ مصلحت نظام» است که هیچ یک از ایرادات متعدد شورای نگهبان و پیشنهادات مُصرّانه نمایندگان برای رفع آنها مورد توجه قرار نگرفته و صرفاً برای ممانعت از حق قانونگذاری دوره بعد، مصوبه‌ای به اهمیت برنامه چهارم توسعه مستقیماً به مجمع ارسال گردیده است؟!

به هر صورت انتظار دارد حضرت‌عالی نیز با ممانعت از این رویه غیرقانونی و نادرست به اجرای دقیق قانون اساسی و دفاع از احکام شرع مقدس تاکید فرمائید.

بدیهی است شورای نگهبان در صورت نیاز می‌تواند با تفسیر اصل مربوط، به حل نهایی موضوع کمک نماید.

نظریه شورای نگهبان (تفسیری) شماره: ۸۳/۳۰/۷۵۴۷ تاریخ: ۱۳۸۳/۳/۱۶

بدین وسیله نظریه تفسیری شورای نگهبان از اصل ۱۱۲ قانون اساسی به شرح ذیل جهت اقدام لازم اعلام می‌گردد: مستفاد از اصل ۱۱۲ قانون اساسی این است که مجمع تشخیص مصلحت نظام حق تشخیص مصلحت در مصوبه‌ای از مجلس شورای اسلامی را دارد که شورای نگهبان در مورد آن اعلام نظر نموده باشد و تمام یا قسمتی از آن را خلاف شرع یا مغایر قانون اساسی بداند هرگاه شورای نگهبان قسمتی از مصوبه‌ای را مبهم دانسته و از مجلس شورای اسلامی خواستار بیان مراد خود از آن قسمت شده باشد تا پس از آن اعلام نظر کند قبل از تبیین مراد و اعلام نظر شورای نگهبان درباره آن، مجمع تشخیص مصلحت نظام حق بررسی و اعلام تشخیص مصلحت در موارد خلاف را ندارد.

فصل نهم: قوه مجریه

مبحث اول - ریاست جمهوری و وزراء

اصل یکصد و سیزدهم:

پس از مقام رهبری رئیس جمهور عالی‌ترین مقام رسمی کشور است و مسئولیت اجرای قانون اساسی و ریاست قوه مجریه را جز در اموری که مستقیماً به رهبری مربوط می‌شود، بر عهده دارد.

استفساریه شماره: ۹۱/۳۱/۴۶۹۱۹ تاریخ: ۱۳۹۱/۳/۱۷

نظر به اینکه اخیراً پیرامون اصل یکصد و سیزدهم قانون اساسی مباحثی نزد صاحب‌نظران و مسئولان کشوری مطرح شده و در جهت اجرائی شدن آن اقدامات چندی انجام گرفته که موجب بروز سؤالات و ابهاماتی در این خصوص شده، خواهشمند است دستور فرمائید موضوع در دستور کار شورای محترم نگهبان قرار گیرد تا با تفسیر اصل مزبور به سؤالات ذیل پاسخ داده شود.

۱. با عنایت به اصل تفکیک قوا و وجود نهادهای مسؤول در قانون اساسی که هر یک سهمی از نظارت و اجرای آن را برعهده دارند، مقصود از مسئولیت رئیس جمهور در اجرای قانون اساسی چیست؟
۲. آیا در مسئولیت اجرای قانون اساسی، رئیس جمهور می‌تواند از ابزارهایی مانند تشکیل نهاد و سازمان خاص برای نظارت و پیگیری عدم اجرای اصول قانون اساسی استفاده کند؟
۳. آیا مفهوم مسئولیت اجرای قانون اساسی شامل مسئولیت و پیگیری نقض آن نیز می‌شود؟

نظریه شورای نگهبان (تفسیری) شماره: ۹۱/۳۰/۴۷۱۴۲ تاریخ: ۱۳۹۱/۴/۱۲

۱. مستفاد از اصول متعدد قانون اساسی آن است که مقصود از مسئولیت اجراء در اصل ۱۱۳ قانون اساسی، امری غیر از نظارت بر اجرای قانون اساسی است.
۲. مسئولیت رئیس جمهور در اصل ۱۱۳ شامل مواردی نمی‌شود که قانون اساسی تشخیص، برداشت، نوع و کیفیت اعمال اختیارات و وظایفی را به عهده مجلس خبرگان رهبری، شورای نگهبان، مجمع تشخیص مصلحت نظام، مجلس شورای اسلامی، قوه قضائیه و هر مقام و دستگاه دیگری که قانون اساسی به آنها اختیار یا وظیفه‌ای محول نموده است.
۳. در مواردی که به موجب قانون اساسی رئیس جمهور حق نظارت و مسئولیت اجراء ندارد، حق ایجاد هیچ گونه تشکیلاتی را هم ندارد.

اصل یکصد و چهاردهم:

رئیس جمهور برای مدت چهار سال با رأی مستقیم مردم انتخاب می‌شود و انتخاب مجدد او به صورت متوالی تنها برای یک دوره بلامانع است.

اصل یکصد و پانزدهم:

رئیس جمهور باید از میان رجال مذهبی و سیاسی که واجد شرایط زیر باشند انتخاب گردد: ایرانی الاصل، تابع ایران، مدیر و مدبر، دارای حسن سابقه و امانت و تقوی، مومن و معتقد به مبانی جمهوری اسلامی ایران و مذهب رسمی کشور.

اصل یکصد و شانزدهم:

نامزدهای ریاست جمهوری باید قبل از شروع انتخابات آمادگی خود را رسماً اعلام کنند. نحوه برگزاری انتخاب رئیس جمهوری را قانون معین می‌کند.

اصل یکصد و هفدهم:

رئیس جمهور با اکثریت مطلق آراء شرکت‌کنندگان انتخاب می‌شود، ولی هر گاه در دوره نخست هیچ یک از نامزدها چنین اکثریتی بدست نیاورد، روز جمعه هفته بعد برای بار دوم رأی گرفته می‌شود. در دور دوم تنها دو نفر از نامزدها که در دور نخست آراء بیشتری داشته اند شرکت می‌کنند، ولی اگر بعضی از نامزدهای دارنده آراء بیشتر، از شرکت در انتخابات منصرف شوند، از میان بقیه، دو نفر که در دور نخست بیش از دیگران رأی داشته‌اند برای انتخاب مجدد معرفی می‌شوند.

تاریخ: ۱۳۶۴/۳/۲۹

استفساریه شماره: ۳۰۶/۵۵

به طوری که استحضار دارید بموجب اصل یکصد و هفدهم قانون اساسی، رئیس جمهور با اکثریت مطلق آراء شرکت‌کنندگان انتخاب می‌شود و در صورتی که در مرحله اول هیچ یک از نامزدها چنین اکثریتی به دست نیاورند، انتخابات به مرحله دوم کشیده می‌شود.

با عنایت به این که کیفیت انتخاب رئیس جمهور در مرحله دوم مشخص نگردیده خواهشمند است دستور فرمایند در پاسخ اعلام نمایند که در مرحله دوم نیز اکثریت مطلق آراء ملاک عمل خواهد بود و یا کسب اکثریت نسبی آراء کافی است؟

تاریخ: ۱۳۶۴/۴/۵

شماره: ۳۷۶۴

نظریه شورای نگهبان (تفسیری)

نظر اکثریت $(\frac{3}{4})$ اعضاء شورا به شرح زیر اعلام می‌شود:

در دوره دوم هر یک از دو نفر که اکثریت داشته باشند انتخاب می‌شود. نهایت این است که اگر در قانون انتخابات، آراء مربوط به غیر این دو نفر باطل اعلام شود. که در این صورت صاحب اکثریت به اکثریت مطلق انتخاب شده است و اگر آراء مربوط به دیگران را هم در جمع آراء بحساب بیاورند به اکثریت نسبی انتخاب شده است و در هر صورت نتیجه واحد است. و فردی که از دو نفر اکثریت دارد منتخب و بعد از آن تجدید انتخابات قانونی نیست.

اصل یکصد و هجدهم:

مسئولیت نظارت بر انتخابات ریاست جمهوری طبق اصل نود و نهم بر عهده شورای نگهبان است ولی قبل از تشکیل نخستین شورای نگهبان بر عهده انجمن نظارتی است که قانون تعیین می‌کند.

اصل یکصد و نوزدهم:

انتخاب رئیس جمهور جدید باید حداقل یک ماه پیش از پایان دوره ریاست جمهوری قبلی انجام شده باشد و در فاصله انتخاب رئیس جمهور جدید و پایان دوره ریاست جمهوری سابق، رئیس جمهور پیشین وظایف رئیس جمهوری را انجام می‌دهد.

اصل یکصد و بیستم:

هر گاه در فاصله ده روز پیش از رای‌گیری یکی از نامزدهایی که صلاحیت او طبق این قانون احراز شده فوت کند، انتخابات به مدت دو هفته به تاخیر می‌افتد. اگر در فاصله دور نخست و دور دوم نیز یکی از دو نفر حائز اکثریت دور نخست فوت کند، مهلت انتخابات برای دو هفته تمدید می‌شود.

اصل یکصد و بیست و یکم:

رئیس جمهور در مجلس شورای اسلامی در جلسه‌ای که با حضور رئیس قوه قضائیه و اعضای شورای نگهبان تشکیل می‌شود به ترتیب زیر سوگند یاد می‌کند و سوگندنامه را امضاء می‌نماید.

بسم الله الرحمن الرحيم

"من به عنوان رئیس جمهور در پیشگاه قرآن کریم و در برابر ملت ایران به خداوند قادر متعال سوگند یاد می‌کنم که پاسدار مذهب رسمی و نظام جمهوری اسلامی و قانون اساسی کشور باشم و همه استعداد و صلاحیت خویش را در راه ایفای مسئولیت‌هایی که بر عهده گرفته‌ام به کار گیرم و خود را وقف خدمت به مردم و اعتلای کشور، ترویج دین و اخلاق، پشتیبانی از حق و گسترش عدالت سازم و از هر گونه خودکامگی پرهیزم و از آزادی و حرمت اشخاص و حقوقی که قانون اساسی برای ملت شناخته است حمایت کنم. در حراست از مرزها و استقلال سیاسی و اقتصادی و فرهنگی کشور از هیچ اقدامی دریغ نورزم و با استعانت از خداوند و پیروی از پیامبر اسلام و ائمه اطهار علیهم السلام قدرتی را که ملت به عنوان امانتی مقدس به من سپرده است همچون امینی پارسا و فداکار نگاهدار باشم و آن را به منتخب ملت پس از خود بسپارم."

تاریخ: ۱۳۶۰/۱۰/۱۰

استفساریه شماره: ۳/۱۲۸۹

رئیس جمهور طبق قانون اساسی مکلف به اجرای قانون اساسی و شرع مقدس و ... است. به نظر می‌رسد که انجام این مسئولیت بدون نظارت دقیق بر ارگان‌های اجرایی (اعم از قوه قضائیه و مجریه) امکان‌پذیر نیست، بدین جهت دفتر ریاست جمهوری در صدد است به تشکیل یک واحد بازرسی ویژه اقدام نماید، خواهشمند است نظر آن شورا را در مورد این اقدام از جهت انطباق با قانون اساسی بیان نماید.

نظریه شورای نگهبان (تفسیری) شماره: ۴۲۱۴ تاریخ: ۱۳۶۰/۱۱/۱

آنچه از اصل ۱۱۳ و ۱۲۱ در رابطه با اصول متعدد و مکرر قانون اساسی استفاده می‌شود رئیس جمهور پاسدار مذهب رسمی کشور و نظام جمهوری اسلامی است و مسؤولیت اجرای قانون اساسی و تنظیم روابط قوای سه‌گانه و ریاست قوه مجریه را جز در اموری که مستقیماً به رهبری مربوط می‌شود بر عهده دارد، در رابطه با این وظایف و مسؤولیت‌ها می‌تواند از مقامات مسؤول اجرایی و قضائی و نظامی توضیحات رسمی بخواهد و مقامات مذکور موظفند توضیحات لازم را در اختیار ریاست جمهوری بگذارند، بدیهی است رئیس جمهوری موظف است چنانچه جریانی را مخالف مذهب رسمی کشور و نظام جمهوری اسلامی و قانون اساسی تشخیص داد اقدامات لازم را معمول دارد. بنابراین تشکیل واحد بازرسی در ریاست جمهوری با قانون اساسی مغایرت دارد.

استفساریه شماره: ۱/۶۰۰۰ تاریخ: ۱۳۶۵/۱۱/۱

با توجه به مفاد سوگندنامه رئیس جمهور در اصل یکصد و بیست و یکم قانون اساسی، آنجا که رئیس جمهور در حراست از مرزها و استقلال سیاسی و فرهنگی کشور نباید از هیچ اقدامی دریغ ورزد. در صورتی که بنا به تشخیص و نظر رئیس جمهور فردی که به عنوان سفیر فوق العاده و نماینده تام‌الاختیار دولت جمهوری اسلامی ایران پیشنهاد می‌شود، از صلاحیت و اهلیت کامل برای احراز چنین نمایندگی برخوردار نباشد آیا در این صورت امضاء نمایندگی یاد شده با مفاد سوگندنامه منافاتی ندارد؟ خواهشمند است نظر تفسیری خود را اعلام فرمایید.

نظریه شورای نگهبان (مشورتی) شماره: ۷۶۰۳ تاریخ: ۱۳۶۵/۱۲/۶

آنچه از عبارت سوگندنامه استفاده می‌شود این است که رئیس جمهور باید در تمام اقدامات و وظایف و مسؤولیت‌هایی که عهده‌دار است حفظ و حراست از مرزها و استقلال سیاسی و اقتصادی کشور و سایر اموری را که در سوگندنامه بیان شده است را مراعات نماید. ولی چنانچه در موردی احراز نماید که امضاء او موجب عواقب سوء و بروز خطراتی برای مرزها و سایر مصالح عالی‌ه اسلام و نظام جمهوری اسلامی می‌شود شرعاً باید از امضاء خودداری نماید و خودداری او از امضاء حنث قسم نمی‌باشد.

اصل یکصد و بیست و دوم:

رئیس جمهور در حدود اختیارات و وظایفی که به موجب قانون اساسی و یا قوانین عادی به عهده دارد در برابر ملت و رهبر و مجلس شورای اسلامی مسئول است.

اصل یکصد و بیست و سوم:

رئیس جمهور موظف است مصوبات مجلس یا نتیجه همه‌پرسی را پس از طی مراحل قانونی و ابلاغ به وی امضاء کند و برای اجرا در اختیار مسئولان بگذارد.

اصل یکصد و بیست و چهارم:

رئیس جمهور می‌تواند برای انجام وظایف قانونی خود معاونانی داشته باشد. معاون اول رئیس جمهور با موافقت وی اداره هیأت وزیران و مسئولیت هماهنگی سایر معاونت‌ها را به عهده خواهد داشت.

استفساریه شماره: ۶۱۸۳۳/۲۰ تاریخ: ۱۳۷۶/۵/۱۱

نظر به اینکه از زمان پایان یافتن دوره ریاست جمهوری تا معرفی وزرا به مجلس و اخذ رأی اعتماد، با توجه به سابقه، فاصله چند هفته‌ای وجود دارد و در این مدت، چگونگی تصدی امور وزارتخانه‌ها و اعتبار تصمیمات هیأت وزیران و مقاماتی که به نمایندگی از ریاست جمهوری مسئولیت یافته‌اند محل سؤال است، لطفاً نظر تفسیری آن شورا را نسبت به اصول قانون اساسی در موارد زیر اعلام فرمایند:

۱. آیا وزرا از زمان اختتام دوره ریاست جمهوری تا رأی اعتماد به وزرای جدید کماکان بر مسئولیت خود باقی می‌مانند؟
۲. در صورتی که وزرای موجود در فاصله مزبور بر مسئولیت باقی باشند تشکیل و تصمیم‌گیری هیأت وزیران تحت نظر ریاست جمهوری جدید میسر است یا خیر؟
۳. معاونان رئیس جمهور که به استناد اصل ۱۲۶ قانون اساسی برای اداره امور برنامه و بودجه و امور اداری و استخدامی منصوب شده‌اند بعد از پایان دوره ریاست جمهوری می‌توانند به کار ادامه دهند یا نیاز به حکم جدید دارند؟
۴. کلیه تصمیمات نمایندگان ویژه رئیس جمهور که به استناد اصل ۱۲۷ قانون اساسی انتخاب شده‌اند در این مدت نافذ است یا صرفاً تصمیماتی که در حکم صمیم هیأت وزیران باشد اعتبار خواهد داشت؟
۵. آیا تشکیل کمیسیون‌های متشکل از وزرای موضوع اصل ۱۳۸ قانون اساسی در فاصله زمانی مزبور مجاز است و تصمیمات ایشان با تأیید ریاست جمهوری جدید، لازم‌الاجرا است یا خیر؟

نظریه شورای نگهبان (تفسیری) شماره: ۷۶/۲۱/۱۱۴۴ تاریخ: ۱۳۷۶/۵/۱۳

با سلام، نامه شماره ۶۱۸۳۳/۲۰ مورخ ۱۳۷۶/۵/۱۱ در جلسه مورخ ۱۳۷۶/۵/۱۳ شورای نگهبان مطرح و نظر تفسیری شورا بدین شرح اعلام می‌گردد:

۱. «وزرا از زمان اختتام دوره ریاست جمهوری تا رأی اعتماد به وزرای جدید کماکان بر مسئولیت خود باقی می‌مانند.
۲. وزرای موجود در فاصله مزبور بر مسؤولیت باقی هستند و تشکیل و تصمیم‌گیری هیأت وزیران تحت نظر ریاست جمهوری جدید میسر است.
۳. معاونان رئیس جمهور به عنوان معاون به کار خود ادامه می‌دهند لکن در آن قسمت که مربوط به اداره امور برنامه و بودجه و امور اداری و استخدامی است اداره کار منوط به نوعی موافقت رئیس جمهور می‌باشد.
۴. کلیه تصمیمات نمایندگان ویژه رئیس جمهور که به استناد اصل ۱۲۷ قانون اساسی انتخاب شده‌اند در این مدت نافذ نمی‌باشد.
۵. در بند ۵ با تأیید ریاست جمهوری جدید، تصمیمات مذکور، لازم‌الاجرا است.»

اصل یکصد و بیست و پنجم:

امضای عهدنامه‌ها، مقاوله‌نامه‌ها، موافقت‌نامه‌ها و قراردادهای دولت ایران با سایر دولت‌ها و همچنین امضای پیمان‌های مربوط به اتحادیه‌های بین‌المللی پس از تصویب مجلس شورای اسلامی با رئیس جمهور یا نماینده قانونی او است.

استفساریه شماره: ۱/۱۱۲۷۸ تاریخ: ۱۳۶۲/۷/۲۳

- ۱- آیا «تصویب» عهدنامه‌ها، مقاوله‌نامه‌ها، قراردادها و موافقت‌نامه‌های بین‌المللی (مندرج در اصل ۷۷) با «تصویب» عهدنامه‌ها، مقاوله‌نامه‌ها، قراردادها و موافقت‌نامه‌های بین‌المللی (مندرج در اصل ۱۲۵) موضوعاً یکی هستند؟
- ۲- آیا منظور از «تصویب» مندرج در اصل ۱۲۵ «تصویب» مقدم بر انجام قرارداد است یا تصویب مؤخر از انعقاد قرارداد؟

۳- آیا به فرض آنکه جواب بند (۲)، تصویب مقدم بر انجام قرارداد باشد، نیازی به تصویب مجدد از سوی مجلس شورای اسلامی (اصل ۷۷) خواهد بود یا خیر؟

نظریه شورای نگهبان (تفسیری) شماره: ۹۷۸۱ تاریخ: ۱۳۶۲/۸/۳

موضوع اصول ۷۷ و ۱۲۵ قانون اساسی واحد است و تصویب مجلس شورای اسلامی که به قرارداد رسمیت می‌دهد مؤخر از انعقاد قرارداد انجام می‌شود.

استفساریه شماره: ۱/۹۷۹۵ تاریخ: ۱۳۶۳/۱۲/۱

عهدنامه‌ها، مقاوله‌نامه‌ها، موافقت‌نامه‌ها و قراردادهای دولت ایران با سایر دولت‌ها و همچنین پیمان‌های مربوط به اتحادیه‌های بین‌المللی مصوب مجلس شورای اسلامی برای ابلاغ به دولت به امضای «رئیس جمهور» می‌رسد (مفاد اصل ۱۲۳ قانون اساسی). آیا مراد از «امضاء عهد نامه‌ها و... بوسیله رئیس جمهور یا نماینده قانونی او» که در اصل ۱۲۵ به آن تصریح شده همان است که فوقاً بدان اشاره شد؟

خواهشمند است نظر تفسیری خود را بیان فرمایند.

نظریه شورای نگهبان (تفسیری) شماره: ۲۹۶۱ تاریخ: ۱۳۶۳/۱۲/۱۸

مستفاد از اصل ۱۲۵ قانون اساسی این است که امضای عهدنامه‌ها، مقاوله‌نامه‌ها و... با امضای رئیس جمهور یا نماینده قانونی او است و سند قرارداد با امضای رئیس جمهور یا نماینده قانونی او رسمیت خواهد یافت.

اصل یکصد و بیست و ششم:

رئیس جمهور مسئولیت امور برنامه و بودجه و امور اداری و استخدامی کشور را مستقیماً بر عهده دارد و می‌تواند اداره آنها را به عهده دیگری بگذارد.

استفساریه شماره: ۱۰۹۶۶ تاریخ: ۱۳۸۶/۲/۱۸

با توجه به اصل ۹۸ قانون اساسی نظر شورای محترم نگهبان را نسبت به امور زیر اعلام فرمائید:
نظر به اینکه اصل ۱۲۶ قانون اساسی مسئولیت امور برنامه و بودجه و امور اداری و استخدامی کشور را با هدف سرعت در کارها و تصمیم‌گیری‌ها و انجام و هماهنگی در اداره امور و با قید «مستقیماً» بر عهده رئیس جمهور قرار داده است و مطابق ذیل همین اصل اشخاص دیگر تنها در صورتی می‌توانند عهده‌دار امور مزبور گردند که این امر از سوی رئیس جمهور به آنها محول گردد، آیا:

۱. الزام رئیس جمهور به اینکه امور مزبور را صرفاً از طریق تشکیلات و سازمان خاصی انجام دهد؟

۲. سازمان خاصی بدون تفویض اختیار از سوی رئیس جمهور متصدی امور مزبور گردد؟

۳. موظف نمودن رئیس جمهور به اینکه تشکیلات اداری و اجرایی کشور را به غیر از موارد مصرح در اصول ۱۳۳ و ۱۳۸ قانون اساسی، تنها از طریق قانون سازماندهی نماید. مغایر اصل ۱۲۶ قانون اساسی شناخته نمی‌شود؟
و آیا همه اینها از سرعت در کارها و تصمیم‌گیری‌ها نمی‌کاهد؟

نظریه شورای نگهبان (تفسیری) شماره: ۸۶/۳۰/۲۱۱۷۳ تاریخ: ۱۳۸۶/۲/۲۵

تفویض مسئولیت امور مذکور در اصل ۱۲۶ قانون اساسی به سازمان خاصی بدون تفویض اختیار از سوی رئیس جمهور مغایر اصل مذکور است، لکن الزام رئیس جمهور به اجرای آن امور از طریق تشکیلات خاص قانونی مانع ندارد.

اصل یکصد و بیست و هفتم:

رئیس جمهور می‌تواند در موارد خاص، بر حسب ضرورت با تصویب هیأت وزیران نماینده، یا نمایندگان ویژه با اختیارات مشخص تعیین نماید. در این موارد تصمیمات نماینده یا نمایندگان مذکور در حکم تصمیمات رئیس جمهور و هیأت وزیران خواهد بود.

استفساریه شماره: ۲۷۵۸/هـ/ب تاریخ: ۱۳۷۹/۵/۴

مقدمتاً یادآوری این نکته را لازم می‌داند که تا قبل از نظریه شماره ۶۱۸۶/ت-۲۱-۷۸ - ۱۳۷۸/۱۱/۲۰ آن شورای محترم اولاً مصوبات ناظر به تعیین نماینده یا نمایندگان ویژه و به تبع آن، تصمیمات نماینده یا نمایندگان مزبور، حاوی امور اجرایی و غیر آن می‌بود ثانیاً این مصوبات و تصمیمات حاوی امور اجرایی و غیر آن. کلاً برای رئیس مجلس شورای اسلامی ارسال می‌شد و ثالثاً کلیه مصوبات و تصمیمات مزبور از طرف رئیس مجلس شورای اسلامی مورد بررسی و اعلام نظر نهایی قرار می‌گرفت و اما در دفاع حقوقی و قانونی از شیوه فوق‌الذکر که پس از بازنگری قانون اساسی قریب به یازده سال مستمراً مورد استفاده مراجع قانون ذیربط قرار گرفته است. نظر آن شورای محترم را به استدلالات ذیل که با استفاده از الفاظ و عبارات اصل ۱۲۷ قانون اساسی و صورت مشروح مذاکرات شورای محترم بازنگری قانون اساسی در خصوص اصل مزبور، بعمل آمده و کلاً مبین شمول این اصل به امور اجرایی و غیر آن بنظر می‌رسد جلب می‌نماید.

۱- در مجموع الفاظ و عبارات مذکور در اصل ۱۲۷ نه فقط هیچ لفظ و عبارتی مشاهده نمی‌شود که صریحاً مبین حصر این اصل به امور اجرایی باشد بلکه هیچ لفظ و عبارتی وجود ندارد که تلویحاً نیز مفید حصر مزبور باشد.

۲- هیچیک از دو عبارت «موارد خاص» و «اختیارات مشخص» مذکور در اصل ۱۲۷ که عمده‌ترین نقش را در تشخیص دامنه شمول اصل مزبور به امور اجرایی یا غیر آن ایفاء می‌کنند مفید به امور اجرایی نبوده همچنان که اطلاق دو عبارت دیگر مذکور در این اصل یعنی عبارت «تصمیمات نماینده یا نمایندگان ویژه» و عبارت «در حکم تصمیمات رئیس جمهور و هیأت وزیران» نه فقط شامل امور اجرایی و غیر آن می‌شوند بلکه ذکر کلمه «تصمیمات» در هر دو عبارت، پیش و بیش از آنکه به امور اجرایی دلالت کند به غیر این امور دلالت دارد.

۳- صورت مذاکرات شورای بازنگری قانون اساسی نیز ضمن آنکه مبین اهمیت فوق‌العاده انتخاب نماینده یا نمایندگان ویژه و وسعت دائره اختیار فراوان آنان در رفع مشکلات و معضلات پیچیده و سطوح بالای مملکتی است نه فقط به هیچ وجه محدود و محصور به امور اجرایی نیست که نوعاً مستلزم ایفاء نقش نمایندگی در رهگذر صدور دستورالعمل‌ها، بخشنامه‌ها، تصمیم‌نامه‌ها و از این قبیل است که اغلب به بیش از امور اجرایی تسری دارد اینک برای ذکر نمونه بعضی از مذاکرات مزبور را ذیلاً به آگاهی می‌رساند.

الف: "ما فکر می‌کنیم دولت این اختیار را داشته باشد که گاهی در حدود اختیارات خودش نه فراتر از آن به بخشی از اختیارات خودش که مشخص می‌شود، تعیین می‌شود. حدودش در دولت تصویب می‌شود، به افرادی یا فردی یک اختیاراتی بدهد که اینها بروند کار بکنند و مسائل را حل کنند" (دو سطر آخر صفحه ۱۱۳۲ و سطر اول صفحه ۱۱۳۳ مجلد دوم صورت مشروح مذاکرات شورای بازنگری قانون اساسی)

بطوری که ملاحظه می‌شود اولاً واگذاری بخشی از اختیارات دولت بطور مطلق، مطرح است و نه مقید ثانیاً حدود اختیارات اعطایی باز هم به طور مطلق از طرف دولت تعیین می‌شود و ثالثاً مسائلی که نوعاً ناظر به اختیارات هیأت دولت است حداقل اغلب مستلزم وضع مقررات و ضوابطی بیش از محدوده امور اجرایی است.

ب: "... حداقل در ذهن من اینست که وزیری را که شما تعیین فرمودید در قانون اساسی که وزیر مسئول وظایف خاص خویش است براساس همان اصل اگر رئیس جمهور و هیأت وزیران آمدند برای یک منطقه‌ای مثل کردستان گفتند ما یک نفر را می‌خواهیم بفرستیم تام‌الاختیار که مسائل سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و امنیتی آنجا را همه تحت نظرش باشند، نمی‌تواند این کار را بکند برای اینکه وزیر کشور می‌گوید من مسائل امنیتی را نمی‌خواهم واگذار کنم. قانون اساسی شما محدودش کرده است بنابراین

همین جا پیش‌بینی کنید یعنی در خود قانون اساسی باید راه حل بدهید که اگر فردا شورایی آمد تصمیمی گرفت وزیری نباید بگوید نخیر، وظایف خاص من مربوط به خودم هست نمی‌خواهم وظایفم را واگذار به شخص دیگر بکنم..."

(پاراگراف دوم صفحه ۱۱۳۶ مجلد دوم صورت مشروح مذاکرات شورای بازنگری قانون اساسی)

بطوریکه ملاحظه می‌شود استنباط شورای محترم بازنگری از اصل ۱۲۷ قانون اساسی اولاً شامل اختیارات تام ثانیاً شامل مسائل سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و امنیتی و ثالثاً مقتضی واگذاری مطلق بعضی از وظایف خاص یک یا چند وزیر بوده است بنابراین ایفاء مسئولیتی اینچنین مهم که نوعاً بدون وضع ضوابط و مقررات لازم الاتباع امکان‌پذیر نیست شمول مدلول اصل ۱۲۷ قانون اساسی به امور اجرایی و غیر آنرا اجتناب‌ناپذیر می‌سازد.

ج: "... یکی از اختیاراتی که او می‌تواند داشته باشد اختیار هماهنگی است و خوب ما در دستگاه‌های مختلف فرض بکنیم در یک موردی که مسائل امنیتی خوب اوایل انقلاب بود در بعضی استانها دیدیم که خوب وزارت آموزش و پرورش یک نوعی می‌رود یعنی برخوردش با معلم‌ها فرضاً استاندار که مسؤول امنیت آن مناطق بود می‌گفت که این تصفیه باید انجام صورت بگیرد برخوردها با ضد انقلاب باید صورت بگیرد. خوب یک مشکلی در این رابطه داشتیم قسمت اقتصادی به یک نوعی، قسمت‌های انتظامی به نوعی دیگر هماهنگ کردن تمام این دستگاه‌ها کار مشکلی در آنجا بود..."

(اواخر صفحه ۱۱۴۲ مجلد سوم صورت مشروح مذاکرات شورای بازنگری قانون اساسی و نیمه اول سطر اول صفحه ۱۱۴۳ همین مجلد).

به طوری که ملاحظه می‌شود اولاً موضوع نمایندگی نوعاً رفع مشکلات و معضلات پیچیده مملکتی است ثانیاً رفع مشکلات و معضلات مزبور. نوعاً مستلزم ایجاد هم‌آهنگی بین تعدادی از مقامات مسئول محلی است و ثالثاً رفع این قبیل مشکلات و معضلات و یا ایجاد اینگونه هم‌آهنگی‌ها مقتضی برخی امور اجرایی و وضع پاره‌ای ضوابط و مقررات بصورت دستورالعمل، بخشنامه، تصمیم نامه و از این قبیل است.

بنا بمراتب مذکور، بنظر می‌رسد شیوه قبلی هیأت وزیران، نماینده یا نمایندگان ویژه و رئیس مجلس شورای اسلامی که به تبع استدالات فوق‌الذکر و صورت مشروح مذاکرات شورای بازنگری قانون اساسی اتخاذ شده بود حداقل فاقد قوت استدلال نبوده و از وجاهت حقوقی و قانونی بی‌بهره نباشد. و اما اینکه که شورای محترم نگهبان بموجب نظریه اخیر خود تبصره ۳ طرح الحاق پنج تبصره به قانون نحوه اجرای اصل ۸۵ و ۱۳۸ قانون اساسی را از جهت الزام به ارسال تصمیمات مذکور در اصل (۱۲۷) برای رئیس مجلس شورای اسلامی خلاف قانون اساسی می‌داند این اشکال پدید آمده است که سوی شورای محترم نگهبان به اجرایی بودن موارد و اختیارات موضوع اصل یکصد و بیست و هفتم قانون اساسی دلالت دارد لکن با التفات به اینکه قبل از تفسیر اصل مزبور و روشن شدن این نکته که شورای محترم نگهبان به لحاظ تفسیری نیز عقیده بر محدود و محصور بودن اصل یکصد و بیست و هفتم قانون اساسی به امور اجرایی دارد یا نه خواهشمند است برای روشن شدن تکلیف قانونی مراجع ذیربط مقرر فرمایید با عنایت به اصل نود و هشتم قانون اساسی نسبت به تفسیر اصل مورد نظر اقدام و از نتیجه اینجانب و سایر مراجع ذی‌ربط مزبور، را آگاه فرمایند.

ضمناً برای استحضار بیشتر از نحوه استنباط و عمل هیأت وزیران و نماینده یا نمایندگان ویژه، فهرست برخی از تصویب‌نامه‌های ناظر به تعیین نماینده یا نمایندگان ویژه به انضمام تصویب‌نامه‌های مزبور و نیز فهرست برخی از تصمیم‌نامه‌های این نماینده یا نمایندگان به انضمام تصمیم نامه‌های مزبور را که فهرست نخست مبین اعطای اختیاری بیش از موارد اجرایی به نماینده یا نمایندگان ویژه و فهرست اخیر نیز مبین اتخاذ تصمیماتی زائد بر امور اجرایی از سوی این نماینده یا نمایندگان است به پیوست ارسال می‌دارد.

نظریه شورای نگهبان (تفسیری) شماره: ۷۹/۲۱/۷۳۷ تاریخ: ۱۳۷۹/۵/۳۰

نظر به اینکه اصول ۸۵ و ۱۳۸ مراجع وضع تصویب‌نامه و آیین‌نامه و اساسنامه را تعیین کرده است و این امور غیر از تصمیم است و نظر به اینکه اصل ۱۲۷ صراحتاً به تصمیمات رئیس جمهور و هیأت وزیران اشاره کرده است نظر تفسیری شورا به شرح ذیل اعلام می‌گردد.

(محدوده اصل ۱۲۷ شامل تصویب‌نامه‌ها و آیین‌نامه‌ها و اساسنامه‌ها نمی‌شود و منحصرأً شامل تصمیمات خواهد بود.)

اصل یکصد و بیست و هشتم:

سفیران به پیشنهاد وزیر امور خارجه و تصویب رئیس جمهور تعیین می‌شوند. رئیس جمهور استوارنامه سفیران را امضا می‌کند و استوارنامه سفیران کشورهای دیگر را می‌پذیرد.

اصل یکصد و بیست و نهم:

اعطای نشان‌های دولتی با رئیس جمهور است.

اصل یکصد و سی ام:

رئیس جمهور استعفای خود را به رهبر تقدیم می‌کند و تا زمانی که استعفای او پذیرفته نشده است به انجام وظایف خود ادامه می‌دهد.

اصل یکصد و سی و یکم:

در صورت فوت، عزل، استعفاء، غیبت یا بیماری بیش از دو ماه رئیس جمهور و یا در موردی که مدت ریاست جمهوری پایان یافته و رئیس جمهور جدید بر اثر موانعی هنوز انتخاب نشده و یا امور دیگری از این قبیل، معاون اول رئیس جمهور با موافقت رهبری اختیارات و مسئولیت‌های وی را بر عهده می‌گیرد و شورایی متشکل از رئیس مجلس و رئیس قوه قضائیه و معاون اول رئیس جمهور موظف است ترتیبی دهد که حداکثر ظرف مدت پنجاه روز رئیس جمهور جدید انتخاب شود. در صورت فوت معاون اول و یا امور دیگری که مانع انجام وظایف وی گردد و نیز در صورتی که رئیس جمهور معاون اول نداشته باشد مقام رهبری فرد دیگری را به جای او منصوب می‌کند.

استفساریه شماره: ۱۷۶۲ دال ه تاریخ: ۱۳۶۰/۸/۶

طبق اصل ۱۳۰ قانون اساسی که در هنگام غیبت یا بیماری و یا عزل رئیس جمهور شورایی بنام شورای موقت ریاست جمهوری مرکب از رئیس دیوان عالی کشور و رئیس مجلس و نخست وزیر تشکیل می‌گردد آیا طبق این اصل با وجود اکثریت اعضای این شورا، شورایی قانونی است و می‌تواند به وظایف محوله در قانون عمل کند؟ مثلاً تشکیل شورا با وجود رئیس دیوان عالی کشور و رئیس مجلس قانونی است و می‌تواند وظایف تشریح شده در اصول ۱۳۰ و ۱۳۱ را انجام دهد؟

مقتضی است هرچه سریع‌تر نظر آن شورای محترم به مجلس شورای اسلامی ابلاغ گردد.

نظریه شورای نگهبان (تفسیری) شماره: ۳۵۵۶ تاریخ: ۱۳۶۰/۶/۹

با توجه به اینکه عمده نظر قانون اساسی در اصول ۱۳۰ و ۱۳۱ عدم وقوع فترت و جلوگیری از تعطیل امور کشور می‌باشد و نظر به اینکه در صورت اتفاق رای دو نفر از سه عضو شورای موقت ریاست جمهوری اکثریت که مناط اعتبار قانونی است حاصل

می‌شود در صورت فوت یکی از سه نفر اعضای شورای مذکور در مواردی که دو نفر دیگر اتفاق رأی داشته باشند اقدامات و تصمیمات آنها به عنوان شورای ریاست جمهوری قانونی و معتبر است.

اصل یکصد و سی و دوم:

در مدتی که اختیارات و مسئولیت‌های رئیس جمهور بر عهده معاون اول یا فرد دیگری است که به موجب اصل یکصد و سی و یکم منصوب می‌گردد، وزراء را نمی‌توان استیضاح کرد یا به آنان رأی عدم اعتماد داد و نیز نمی‌توان برای تجدیدنظر در قانون اساسی و یا امر همه‌پرسی اقدام نمود.

اصل یکصد و سی و سوم:

وزراء توسط رئیس جمهور تعیین و برای گرفتن رأی اعتماد به مجلس معرفی می‌شوند. با تغییر مجلس، گرفتن رأی اعتماد جدید برای وزراء لازم نیست. تعداد وزیران و حدود اختیارات هر یک از آنان را قانون معین می‌کند.

تاریخ: ۱۳۹۰/۲/۱۹

استفساریه شماره: ۱۰/۹۶۸۷/د

به استناد اصل نود و هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تفسیر اصل یکصد و سی و سوم آن قانون به شرح ذیل مورد تقاضای مجلس شورای اسلامی می‌باشد:

اولاً، با توجه به قسمت نخست اصل یکصد و سی و سوم قانون اساسی که بر معرفی وزراء به مجلس شورای اسلامی توسط رئیس جمهور برای گرفتن رأی اعتماد تصریح دارد، آیا با تغییر اساسی در وظایف و اختیارات هر یک از وزارت‌خانه‌ها، معرفی وزیر جدید به مجلس و اخذ رأی اعتماد برای وی از جمله تکالیف رئیس جمهور می‌باشد یا خیر؟

ثانیاً، با عنایت به قسمت اخیر اصل یکصد و سی و سوم قانون اساسی که تعداد وزیران و حدود اختیارات هر یک از آنان را موقوف به تعیین قانون نموده است، آیا عنوان و وظایف و اختیارات وزارت‌خانه جدیدی که با ادغام دو یا چند وزارت‌خانه یا انتزاع بخشی از وظایف یکی از آنها تشکیل می‌گردد باید به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد یا از اختیارات رئیس جمهور و یا هیأت وزیران می‌باشد؟

تاریخ: ۱۳۹۰/۲/۲۱

شماره: ۹۰/۳۰/۴۲۲۴۹

نظریه شورای نگهبان (تفسیری)

«با توجه به وضوح اصول قانون اساسی خصوصاً اصل ۱۳۳، هرگونه تغییر در وظایف و اختیارات قانونی و نیز ادغام دو یا چند وزارت‌خانه، باید به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد و تا قبل از تصویب مجلس، تغییری در مسئولیت و اختیارات وزیران و وزارت‌خانه‌های قبلی به وجود نخواهد آمد.

وزیر وزارت‌خانه‌های جدید یا ادغام‌شده، در هر صورت وزیر جدید محسوب‌شده و نیاز به اخذ رأی اعتماد از مجلس شورای اسلامی دارد.»

اصل یکصد و سی و چهارم:

ریاست هیأت وزیران با رئیس جمهور است که بر کار وزیران نظارت دارد و با اتخاذ تدابیر لازم به هماهنگی ساختن تصمیم‌های وزیران و هیأت دولت می‌پردازد و با همکاری وزیران، برنامه و خط‌مشی دولت را تعیین و قوانین را اجرا می‌کند. در موارد اختلاف نظر و یا تداخل در وظایف قانونی

دستگاه‌های دولتی در صورتی که نیاز به تفسیر یا تغییر قانون نداشته باشد، تصمیم هیأت وزیران که به پیشنهاد رئیس جمهور اتخاذ می‌شود لازم‌الاجرا است. رئیس جمهور در برابر مجلس مسئول اقدامات هیأت وزیران است.

استفساریه شماره: ۲/هـ/ب تاریخ: ۱۳۷۲/۷/۲۸

با عنایت به اینکه اولاً بموجب اصل یکصد و سی و هشتم قانون اساسی هیأت وزیران می‌تواند برخی از امور مربوط به وظایف خود را به کمیسیون‌های متشکل از چند وزیر واگذار نماید و نه به یکی از معاونت‌های ریاست جمهوری و ثانیاً نظر به اینکه رفع اختلافات موضوع اصل یکصد و سی و چهارم قانون اساسی به صراحت این اصل با پیشنهاد رئیس جمهور به عهده هیأت وزیران محول شده است، لذا تصویب‌نامه شماره ۳۵۶۰۰/ت/۲۰۷هـ - ۱۳۷۲/۷/۵ که نظر معاونت حقوقی و امور مجلس ریاست جمهوری را در زمینه رفع اختلافات مورد نظر کافی تلقی کرده است، مغایر دو اصل فوق‌الاشعار می‌باشد ضمناً یادآوری این نکته را نیز لازم می‌داند که هیأت وزیران در محدوده اعمال یکصد و سی و چهارم قانون اساسی با ارسال این قبیل مصوبات نزد اینجانب این امکان آن را فراهم می‌ساخت که قطع نظر از بررسی مسئله مورد اختلاف یا تداخل در وظایف قانونی و ارزیابی امر نیاز به تفسیر یا تغییر قانون که از جمله مصوبات اصل مزبور می‌باشد چنانچه احتمالاً تصمیم متخذه با قانون مغایرت می‌داشت ضمن استدلال و ذکر مستند یا مستندات قانونی، اینجانب مراتب مغایرت مصوبه را اعلام نمایم تا نسبت به الغاء آن قسمت از مصوبه که مغایر با قانون تشخیص شده اقدام قانونی به عمل آید در حالی که تفویض اختیار یا مسئولیت قانونی موضوع اصل یکصد و سی و چهارم قانون اساسی به معاونت حقوقی و امور مجلس ریاست جمهوری علاوه بر اینکه امری آن چنان مهم و اساسی که واضعان قانون اساسی آن را در صلاحیت هیأت وزیران و آن هم به پیشنهاد ریاست جمهوری قرارداده‌اند به یک نفر محول شده است اصولاً چون اتخاذ تصمیم معاونت مزبور در غالب تصویب‌نامه‌ها و آیین‌نامه‌های موضوع اصل یکصد و سی و هشتم قانون اساسی قرار نمی‌گیرد لذا با عدم ارسال این قبیل تصمیمات نزد اینجانب عملاً انجام رسالت قانونی رئیس مجلس شورای اسلامی نیز متعسر و شاید هم غیر ممکن خواهد شد. علی‌هذا با عنایت به تفسیری که طی شماره ۲۱۰۱-۱۳۷۲/۲/ آن شورای محترم از اصل یکصد و سی و هشتم قانون اساسی به عمل آمده است ضمن ارسال تصویری از تصویب‌نامه شماره ۳۵۶۰۰/ت/۲۰۷هـ - ۱۳۷۲/۷/۵ هیأت وزیران چگونگی امر جهت نوعی چاره‌جویی در این قبیل موارد و اعلام مراتب به اینجانب به آگاهی می‌رسد.

نظریه شورای نگهبان (تفسیری) شماره: ۵۴۶۲ تاریخ: ۱۳۷۲/۸/۵

عطف به نامه شماره ۲/هـ/ب مورخ ۱۳۷۲/۷/۲۸:

موضوع در جلسه مورخ ۱۳۷۲/۸/۵ شورای نگهبان مطرح شد و نظر تفسیری شورا بدین شرح اعلام می‌گردد: از اصل ۱۳۴ قانون اساسی استفاده می‌شود که در هر یک از موارد اختلاف، هیأت وزیران مرجع اتخاذ تصمیم است و لاغیر. مگر در واگذاری تصویب برخی از امور مربوط به وظایف دولت به کمیسیون‌های متشکل از چند وزیر (به موجب اصل ۱۳۸ قانون اساسی).

نامه مجلس شورای اسلامی شماره: ۶۸۴/ب-هـ تاریخ: ۱۳۷۲/۹/۲۸

بسمه تعالی

شورای محترم نگهبان

پیرو نامه شماره ۲/هـ/ب مورخ ۱۳۷۲/۷/۲۸ و ضمن ارسال تصویرهایی از دو فقره تصویب‌نامه‌های شماره ۲۱۱۵/ت/۲۱۱هـ مورخ ۱۳۷۲/۷/۸ و شماره ۴۲۵۱۸/ت/۲۴۴هـ مورخ ۱۳۷۲/۸/۱۸ بطوریکه ملاحظه می‌فرمائید هیأت وزیران با اصلاح تبصره ۱ تصویب‌نامه قبلی خود به گونه‌ای اتخاذ تصمیم نموده‌اند که اگر فی‌المثل ده یا نه نفر از وزراء عضو شورا یا کمیسیون در یکی از جلسات شرکت داشتند و پنج یا چهار نفر از اعضاء غیر وزیر شورا یا کمیسیون مزبور نیز در جلسه شرکت داشته باشند، بالنتیجه در فرض آن که شش یا پنج نفر از وزراء با امری موافقت نداشته باشند لکن پنج یا چهار نفر اعضاء غیر وزیر در معیت چهار نفر از

وزراء با امر مزبور موافقت داشته باشند چنین مصوبه‌ای مستنداً به تصویب‌نامه شماره ۱۸/۸/۱۳۷۲ اعتبار و قوت اجرائی خواهد داشت در حالی که با عنایت به حضور ده یا نه نفر از وزراء بر حسب مورد موافقت شش نفر یا پنج نفر آنان ضرورت دارد علی‌هذا چون به نظر می‌رسد تبصره یک اصلاحی با منظور اصل یکصد و سی و هشتم قانون اساسی که لزوم اکثریت آراء وزراء عضو هر یک از کمیسیون‌های متشکله با امر مطروحه در کمیسیون می‌باشد در تضاد و بالنتیجه مغایر با قانون اساسی است لذا مراتب جهت نوعی چاره‌جوئی از طرف آن شورای محترم اعلام گردید دستور فرمائید از نتیجه تصمیم متخذ اینجانب را مطلع سازند.

علی‌اکبر ناطق نوری

رئیس مجلس شورای اسلامی

تاریخ: ۱۳۷۲/۱۰/۱۶

شماره ۵۶۸۶

نامه شورای نگهبان:

بسمه تعالی

ریاست محترم مجلس شورای اسلامی

نامه شماره ۶۸۴/ب - هـ مورخ ۷۲/۹/۲۸ در جلسه مورخ ۱۳۷۲/۱۰/۱ شورای نگهبان مطرح شد و نظر شورا بدین شرح اعلام می‌گردد:

مستفاد از مصوبه هیات دولت این است که غیر وزراء حق رأی ندارند و لذا محذور مذکور در نامه فوق پیش نمی‌آید لکن از این لحاظ که غیر وزراء را نیز عضو کمیسیون مذکور دانسته است خلاف اصل ۱۳۸ قانون اساسی است.

دبیر شورای نگهبان

احمد جنتی

اصل یکصد و سی و پنجم:

وزراء تا زمانی که عزل نشده‌اند و یا بر اثر استیضاح یا درخواست رأی اعتماد، مجلس به آنها رأی عدم اعتماد نداده است در سمت خود باقی می‌مانند. استعفای هیأت وزیران یا هر یک از آنان به رئیس جمهور تسلیم می‌شود و هیأت وزیران تا تعیین دولت جدید به وظایف خود ادامه خواهند داد. رئیس جمهور می‌تواند برای وزارتخانه‌هایی که وزیر ندارند حداکثر برای مدت سه ماه سرپرست تعیین نماید.

تاریخ: ۱۳۶۹/۱۲/۱۳

استفساریه شماره: ۱۳۷۱۸۲

همانطور که مستحضرنده قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اصول هشتاد و نهم و یکصد و سی و دوم و یکصد و سی و پنجم به استیضاح هیات وزیران و هر یک از وزراء اشارت دارد.

اصل هشتاد و نهم

"۱- نمایندگان مجلس شورای اسلامی می‌توانند در مواردی که لازم می‌دانند هیات وزیران یا هر یک از وزراء را استیضاح کنند. استیضاح وقتی قابل طرح در مجلس است که با امضای حداقل ده نفر از نمایندگان به مجلس تقدیم شود.

هیات وزیران یا وزیر مورد استیضاح باید ظرف مدت ده روز پس از طرح آن در مجلس حاضر شود و به آن پاسخ گوید و از مجلس رای اعتماد بخواهد. در صورت عدم حضور هیات وزیران یا وزیر برای پاسخ، نمایندگان مزبور درباره استیضاح خود توضیحات لازم را میدهند و در صورتیکه مجلس مقتضی بداند اعلام رای عدم اعتماد خواهد کرد."

اصل یکصد و سی و دوم

"در مدتی که اختیارات و مسوولیت‌های رئیس جمهور بر عهده معاون اول یا فرد دیگری است که بموجب اصل یکصد و سی و یکم منصوب میگردد وزراء را نمیتوان استیضاح کرد یا به آنان رای عدم اعتماد داد و نیز نمیتوان برای تجدید نظر در قانون اساسی و یا امر همه‌پرسی اقدام نمود".

اصل یکصد و سی و پنجم

"وزراء تا زمانی که عزل نشده‌اند و یا بر اثر استیضاح یا درخواست رای اعتماد، مجلس به آنها رای عدم اعتماد نداده است در سمت خود باقی میمانند..."

قسمت اخیر اصل هشتاد و نهم و اصول یکصد و سی و دوم و یکصد و سی و پنجم تعبیر "رای عدم اعتماد" مجلس را به کار برده‌اند. به این نکته هم باید عنایت داشت که متن کنونی اصل یکصد و سی و پنجم کلاً در بازنگری قانون اساسی تدوین و تصویب شده است و از لحاظ تاریخی موخر بر اصل هشتاد و نهم است.

با توجه به اصول یاد شده، براساس دستور ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران، تقاضا دارد که شورای محترم نگهبان تفسیر خود را از اصول مذکور اعلام فرمایند و معین نمایند که چنانچه هیات وزیران یا هر یک از وزراء مورد استیضاح واقع شوند، مجلس محترم شورای اسلامی

الف: باید به آنها رای عدم اعتماد بدهد، بنحوی که در سه اصل هشتاد و نهم و یکصد و سی و دوم و یکصد و سی و پنجم به صراحت ذکر شده است.

ب: و یا باید رای اعتماد بدهد، همانطور که در اصل هشتاد و هفتم و یکصد و سی و سوم و یکصد و سی و ششم آمده است. این مطلب از آن جهت مطرح می‌شود که بنظر میرسد، قانون اساسی هنگامی تعبیر "رای اعتماد" را بکار میبرد که مجلس در صدد است نسبت به هیات وزیران یا وزیری که رئیس جمهور معرفی کرده است، قبل از شروع کار رسمی آنها، اعلام نظر کند. حال آنکه تعبیر "رای عدم اعتماد" وقتی بکار رفته است که منظور از آن اعلام نظر مجلس، پس از استیضاح هیات وزیران یا وزیر بوده است.

نتیجه یا ثمره بحث نیز در تعداد آراء لازم برای ابقای هیات وزیران یا وزیر مورد استیضاح و یا کناره‌گیری آنها، پس از استیضاح ظاهر میشود. بدین معنی که اگر پس از استیضاح مقرر باشد که به وزیر یا وزیران مورد استیضاح رای اعتماد داده شود، باید نصف به اضافه یک آراء نمایندگان حاضر در مجلس به نفع وزیر (مثبت) باشد و آراء ممتنع جزء آرای مخالف محسوب گردد. حال آنکه اگر مقرر باشد که به وزیر یا وزیران مورد استیضاح رای عدم اعتماد داده شود باید نصف به اضافه یک آراء نمایندگان حاضر در مجلس به ضرر وزیر (منفی) باشد و آراء ممتنع جزء آراء منفی به حساب نیاید.

نظریه شورای نگهبان (تفسیری) شماره: ۱۰۳۶ تاریخ: ۱۳۷۰/۱/۲۲

عطف به نامه شماره ۱۳۷۱۸۲ مورخ ۶۹/۱۲/۱۳ موضوع سؤال در جلسه مورخ ۱۳۷۰/۱/۲۱ شورای نگهبان مطرح و مورد بحث و بررسی قرار گرفت نظر تفسیری اکثریت اعضاء شورا بشرح ذیل اعلام می‌گردد:

"با توجه به صراحت اصل ۱۳۵ قانون اساسی مصوب شورای بازنگری قانون اساسی در سال ۱۳۶۸ که ملاک کنار گذاشتن وزراء را در مورد استیضاح رای عدم اعتماد مجلس شورای اسلامی دانسته است و با عنایت به استصحاب اعتماد ابراز شده به وزراء از سوی مجلس در آغاز کار آنها، هیأت وزیران، یا وزیر مورد استیضاح هنگامی عزل می‌شود که اکثریت نمایندگان رای عدم اعتماد بدهند و صرف عدم احراز رای اعتماد اکثریت موجب عزل نمی‌گردد".

استفساریه شماره: ۱۰۳۹۶۲/۱۰/۵ تاریخ: ۱۳۸۵/۷/۵

با توجه به قسمت اخیر اصل یکصد و سی و پنجم قانون اساسی که مقرر داشته است:

«... رئیس جمهور می‌تواند برای وزارتخانه‌هایی که وزیر ندارند حداکثر برای مدت سه‌ماه سرپرست تعیین نماید»

نظر تفسیری آن شورا را در مورد این اصل، خصوصاً در موارد ذیل اعلام فرمایند:

۱. آیا رئیس‌جمهور تنها برای یک بار می‌تواند برای وزارتخانه‌ای که وزیر ندارد به مدت سه ماه سرپرست تعیین نماید یا اینکه بیش از یک بار و به دفعات می‌تواند سرپرست تعیین کند ولی قید سه‌ماه یک بار رعایت شود؟
۲. چنانچه مدت سرپرستی بیش از سه ماه طول کشید آیا سرپرست منحل است یا وظیفه و اختیار و مسؤولیت دارد؟
۳. در مدتی که وزارتخانه وزیر یا سرپرست ندارد مسؤولیت وزارتخانه به عهده چه شخصی است؟
۴. مدت زمان سه ماه از زمانی شروع می‌شود که وزارتخانه وزیر ندارد و یا از زمانی که سرپرست ابلاغ سرپرستی می‌گیرد؟
۵. چنانچه وزیر توسط رئیس‌جمهور معرفی شد و بعلت عدم رأی اعتماد مجلس شورای اسلامی انتخاب وزیر بیش از سه ماه به درازا کشید تکلیف چیست؟

۶. اگر رئیس‌جمهور در مهلت مناسب سرپرست معرفی نکرد چه وضعیتی دارد؟

نظریه شورای نگهبان (تفسیری) شماره: ۸۶/۳۰/۲۴۴۸ تاریخ: ۱۳۸۶/۱۰/۴

در پاسخ به سؤال اول:

مطابق اصل ۱۳۵ قانون اساسی تعیین سرپرست برای بیش از یک سه ماه امکان‌پذیر نمی‌باشد، لیکن در مدت سه ماه مذکور رئیس‌جمهور می‌تواند به دفعات سرپرست تعیین کند. راجع به سایر موارد مطروحه در نامه فوق‌الذکر، شورای نگهبان به نظر تفسیری نرسید.

استفساریه شماره: ۹۰/۳۱/۴۲۳۵۱ تاریخ: ۱۳۹۰/۲/۲۸

با توجه به ذیل اصل ۱۳۵ قانون اساسی که مقرر داشته است:

"رئیس‌جمهور می‌تواند برای وزارتخانه‌هایی که وزیر ندارد حداکثر برای مدت سه ماه سرپرست تعیین نماید" آیا رئیس‌جمهور می‌تواند رأساً تصدی سرپرستی وزارتخانه‌های بدون وزیر را عهده‌دار شود؟

نظریه شورای نگهبان (تفسیری) شماره: ۹۰/۳۰/۴۲۳۶۴ تاریخ: ۱۳۹۰/۲/۲۹

«با توجه به اصول متعدد قانون اساسی و ظهور ذیل اصل ۱۳۵ و سابقه تاریخی وضع آن، رئیس‌جمهور نمی‌تواند شخصاً سرپرستی وزارتخانه‌هایی که وزیر ندارند را برعهده بگیرد.»

اصل یکصد و سی ششم:

رئیس‌جمهور می‌تواند وزراء را عزل کند و در این صورت باید برای وزیر یا وزیران جدید از مجلس رأی اعتماد بگیرد، و در صورتی که پس از ابراز اعتماد مجلس به دولت نیمی از هیأت وزیران تغییر نماید باید مجدداً از مجلس شورای اسلامی برای هیأت وزیران تقاضای رأی اعتماد کند.

استفساریه شماره: ۱۰/۶۳۹۶۳ تاریخ: ۱۳۹۱/۱۰/۲۶

احتراماً، خواهشمند است نظر تفسیری آن شورای محترم در مورد سؤالات ذیل، موضوع اصل یکصد و سی و ششم قانون اساسی را اعلام فرمایید:

۱. آیا کلمه تغییر در اصل (۱۳۶) شامل استیضاح و رأی عدم اعتماد به وزیر، فوت وزیر، ایجاد وزارتخانه جدید و یا ادغام چند وزارتخانه می‌گردد؟
۲. در صورتی که ادغام وزارتخانه‌ها تغییر محسوب شود آیا ادغام چند وزارتخانه یک تغییر محسوب می‌گردد یا چند تغییر؟

نظریه شورای نگهبان (تفسیری) شماره: ۳۹۳/۱۰۲/۳۶۵۲ تاریخ: ۱۳۹۳/۱۲/۳

«استيضاح و رأی عدم اعتماد به وزیر» و «فوت وزیر» تغییر محسوب می‌شود و در خصوص سایر موارد سؤال معموله، این شورا به نظر تفسیری نرسید. پاسخ به سؤال دوم نیز با توجه به پاسخ سؤال اول موضوعاً منتفی است.

استفساریه شماره: ۸۳۳۴/م تاریخ: ۱۳۶۲/۹/۷

احتراماً، نظر به اینکه در اجرای اصل یکصد و سی و ششم قانون اساسی ابهاماتی ایجاد شده است، علی‌هذا خواهشمند است با عنایت به اصل نود و هشتم در خصوص موارد زیر اعلام نظر فرمایند.

- ۱- آیا قسمت ذیل اصل یکصد و سی و ششم که مقرر نموده است. «در صورتی که پس از ابراز اعتماد مجلس به دولت، نیمی از اعضای هیأت وزیران تغییر نماید دولت باید مجدداً از مجلس تقاضای رأی اعتماد کند». ناظر به موردی است که تغییر نیمی از اعضای هیأت وزیران دفعتاً واحده صورت پذیرفته باشد یا به هر ترتیبی که این تغییر از زمان ابراز رأی اعتماد مجلس به دولت حاصل گردد مشمول اصل فوق‌الذکر خواهد بود؟
- ۲- در صورت اخیر چنانچه تعداد اعضاء هیأت وزیران پس از ابراز اعتماد مجلس به دولت افزایش یافته باشد ملاک احتساب تغییر نیمی از اعضاء هیات وزیران چیست؟

نظریه شورای نگهبان (تفسیری) شماره: ۱۰۰۹۴ تاریخ: ۱۳۶۲/۹/۹

- ۱- ذیل اصل ۱۳۶ قانون اساسی که مقرر نموده است «و در صورتی که پس از ابراز اعتماد مجلس به دولت، نیمی از اعضای هیئت وزیران تغییر نماید، دولت باید مجدداً از مجلس تقاضای رأی اعتماد کند» منحصر به موردی نیست که تغییر نیمی از اعضاء هیئت وزیران دفعتاً واحده صورت پذیرفته باشد، بلکه به هر ترتیبی پس از زمان ابراز اعتماد مجلس به دولت، این تغییر حاصل شود، مشمول اصل فوق‌الذکر است و دولت باید مجدداً از مجلس تقاضای رأی اعتماد کند.
- ۲- در صورتی که تعداد اعضاء هیئت وزیران افزایش یافته باشد، ملاک احتساب، تغییر نیمی از اعضاء وضع حاضر هیئت وزیران است یعنی هر زمان با توجه به تعداد اعضاء هیئت وزیران در همان حال، چنانچه ملاحظه شد نیمی از اعضاء آن تغییر یافته‌اند، تقاضای رأی اعتماد مجدد از مجلس لازم است.

اصل یکصد و سی و هفتم:

هر یک از وزیران مسئول وظایف خاص خویش در برابر رئیس جمهور و مجلس است و در اموری که به تصویب هیأت وزیران می‌رسد مسئول اعمال دیگران نیز هست.

استفساریه شماره: ۱۶۶۲۳-۷ تاریخ: ۱۳۷۲/۷/۲۸

همان‌طور که استحضار دارند وظائف اصل ۸۸ قانون اساسی اخیراً محول به کمیسیون اصل نود شده مشعر بر اینکه: «در هر مورد که حداقل یک چهارم کل نمایندگان مجلس شورای اسلامی از رئیس جمهور و یا هر یک از نمایندگان از وزیر مسئول درباره یکی از وظائف آنان سؤال کنند، رئیس جمهور یا وزیر موظف است در مجلس حاضر شود و به سؤال جواب دهد و این جواب نباید در مورد رئیس جمهور بیش از یکماه و در مورد وزیر بیش از ده روز به تأخیر افتد. مگر با عذر موجه به تشخیص مجلس شورای اسلامی با توجه به اینکه رئیس جمهور یا معاونین او یا وزیر در هر مورد که مصلحت بدانند می‌توانند بخشی از وظائف و اختیارات خود را در امور اجرائی به استاندار یا یکی از معاونین و یا حتی مدیران کل تفویض نمایند هر گاه از عملکرد زیرمجموعه (که جزو اختیارات مفوض بوده و شخص وزیر یا معاون رئیس جمهور در آن مورد ضامن اجراء نبوده است) سؤال می‌شود یا اظهار بی‌اطلاعی می‌نمایند و یا به استناد آیه شریفه «وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى» استاندار یا معاون و یا مدیرکل را مسئول می‌دانند. گرچه برداشت

کمیسیون از اصول ۱۲۷ و ۱۳۷ قانون اساسی این است که: تفویض اختیارات سلب اختیار نمی‌کند و گاهی معاون اجرایی رئیس جمهور اختیار بازسازی مناطق جنگی و یا دیگر فعالیت‌های ضروری مناطق محروم را به استاندار تفویض می‌نماید و احیاناً خلافی صورت می‌گیرد با نگرش به اینکه استاندار ابواب جمعی وزارت کشور است. آیا وزیر کشور می‌بایست از طرف مجلس مورد سؤال قرار گیرد و یا معاونت اجرایی رئیس جمهور؟

با عنایت بشرح مراتب و با بهره‌مندی از اصل نود و هشتم قانون اساسی، مستدعی است این کمیسیون را ارشاد فرمایند.

نظریه شورای نگهبان (تفسیری) شماره: ۵۴۷۷ تاریخ: ۱۳۷۲/۸/۲۳

با توجه به صراحت اصول ۱۲۷ و ۱۳۷ قانون اساسی و عدم نیاز به ابراز نظریه تفسیری، نظر مشورتی کلیه اعضای شورای نگهبان به شرح زیر اعلام می‌گردد:

مجلس شورای اسلامی می‌تواند از رئیس جمهور و یا وزراء صرفاً در خصوص وظایفی که قانوناً بر عهده دارند و به دیگری تفویض کرده‌اند سؤال کند البته اگر مجلس مستقیماً کاری را به عهده غیر رئیس جمهور و وزیر بگذارد حق سؤال در این مورد را از رئیس جمهور یا وزیر ندارد کما اینکه حق سؤال از مسئولین مزبور را نیز ندارد اگر چه حق تحقیق و تفحص در همه امور کشور و در صورت لزوم درخواست رسیدگی از قوه قضائیه را دارد.

اصل یکصد و سی و هشتم:

علاوه بر مواردی که هیأت وزیران یا وزیری مأمور تدوین آیین‌نامه‌های اجرایی قوانین می‌شود، هیأت وزیران حق دارد برای انجام وظایف اداری و تأمین اجرای قوانین و تنظیم سازمان‌های اداری به وضع تصویب‌نامه و آیین‌نامه بپردازد. هر یک از وزیران نیز در حدود وظایف خویش و مصوبات هیأت وزیران حق وضع آیین‌نامه و صدور بخشنامه را دارد ولی مفاد این مقررات نباید با متن و روح قوانین مخالف باشد. دولت می‌تواند تصویب برخی از امور مربوط به وظایف خود را به کمیسیون‌های متشکل از چند وزیر واگذار نماید. مصوبات این کمیسیون‌ها در محدوده قوانین پس از تأیید رئیس جمهور لازم‌الاجرا است. تصویب‌نامه‌ها و آیین‌نامه‌های دولت و مصوبات کمیسیون‌های مذکور در این اصل، ضمن ابلاغ برای اجرا به اطلاع رئیس مجلس شورای اسلامی می‌رسد تا در صورتی که آنها را بر خلاف قوانین بیابد با ذکر دلیل برای تجدیدنظر به هیأت وزیران بفرستد.

استفساریه شماره: ۴۱۹ هـ - ب تاریخ: ۱۳۷۰/۸/۱۳

قطع نظر از یادآوری این نکته مهم که مقید تلقی کردن لفظ "قوانین" مذکور در اصل یکصد و سی و هشتم قانون اساسی به قوانین عادی، حداقل نیازمند قوت استدلالی در خور و متناسب با ساقط ساختن لفظی از اطلاق آن است اصولاً آنچه مسلم است واضعان قانون اساسی با لحاظ اهمیت مصوبات دولت و آثار فراوان مترتب بر این مصوبات با وضع اصل یکصد و سی و هشتم قانون اساسی به مقام آن بوده‌اند که مصوبات دولت مورد بررسی و اعلام نظر مرجعی صالح قرار گیرد تا چنانچه برخی از این مصوبات با مطلق قانون اعم از قانون اساسی و یا قانون عادی مغایرت داشته باشد از اجراء آنها خودداری شود و حال اگر غرض از قوانین مذکور در اصل مزبور را به قوانین عادی محصور سازیم بی‌تردید نقض غرض محقق است زیرا با وصف آنکه لزوم تطابق مصوبات دولت با قانون اساسی ارزش و اهمیت به مراتب بیشتری از لزوم تطابق این مصوبات با قوانین عادی دارد معذک با عنایت به عدم پیش‌بینی مقام یا مرجعی برای تمیز و تشخیص تطابق یا عدم تطابق مصوبات دولت با قانون اساسی (باستثناء موارد مذکور در اصل هشتاد و پنجم) چنانچه مصوبه یا مصوباتی متضمن نقض بعضی اصول قانون اساسی باشد این قبیل مصوبه یا مصوبات بدون آنکه در هیچ مرجع صالحی مورد بررسی و اعلام نظر قرار گیرد خود به خود مجری خواهند بود.

نامه دولت شماره: ۱۳۴۴۵ تاریخ: ۱۳۷۱/۵/۲۰

بسمه تعالی

حضور مستطاب آیت‌ا... جنتی

دبیر محترم شورای نگهبان

پیرو نامه شماره ۴۱۹/هـ ب، مورخ ۱۳۷۰/۸/۱۳ ریاست محترم وقت مجلس شورای اسلامی در خصوص استفسار از اصل (۱۳۸) قانون اساسی، خواهشمند است با عنایت به اصل (۹۸) قانون اساسی نظر آن شورای محترم را در خصوص موارد زیر مرحمت فرمایند.

۱- آیا لفظ «قوانین» مندرج در قسمت اخیر اصل (۱۳۸) قانون اساسی قابل تسری به قانون اساسی نیز بوده و بالنتیجه ریاست محترم مجلس شورای اسلامی مسئولیت تطبیق مصوبات دولت با قانون اساسی را نیز خواهند داشت یا به دلالت قسمت اخیر اصل (۸۵) قانون اساسی ناظر به قوانین عادی است؟

خصوصاً با توجه به اینکه مصوبات دولت باید در چهارچوب قوانین عادی تنظیم گردد و علی‌القاعده در صورت تطبیق آنها با مصوبات مجلس شورای اسلامی قهراً و تبعاً مغایر با قانون اساسی نخواهند بود.

عنایت دارند در مصوبات مجمع تشخیص مصلحت مانند قانون کار تصویب برخی آئین‌نامه‌ها به هیأت دولت واگذار شده و به لحاظ اینکه در اصل قانون، به لحاظ مصلحت یا ضرورت، قانون اساسی به طور کامل مراعات نشده مصوبات هیأت وزیران نیز به تبع احکام قانون نمی‌تواند بطور کامل با قانون اساسی منطبق باشد و ایراد به مصوبات دولت در این موارد نقض غرض خواهد شد. بعلاوه همین اشکال به ترتیب دیگر در قوانینی که قبل از قانون اساسی وضع شده امکان‌پذیر است، طبیعی است در این موارد که ایراد به عدم تطبیق قانون عادی با قانون اساسی برگشت دارد ترتیب و مرجع رسیدگی متفاوت می‌گردد و از طرفی عدم التزام مقامات و مراجع اجرائی به احکام قوانین عادی قبل از اصلاح و یا لغو آنها مشکلات پیچیده به دنبال دارد.

۲- آیا اصل (۸۵) قانون اساسی که تصویب اساسنامه را توسط دولت موکول به اخذ مجوز از مجلس شورای اسلامی نموده قابل تسری به اصلاح تصویب‌نامه‌های هیأت وزیران نیز می‌باشد؟ و به عبارت دیگر آیا هیأت وزیران برای اصلاح مصوبات خود که متضمن اساسنامه است و قبلاً مجوز آنرا از مجلس گرفته باید مجدداً از مجلس اجازه بگیرد؟

با احترام

سید عطاءالله مهاجرانی

معاون حقوقی و امور مجلس رئیس جمهور

تاریخ: ۱۳۷۱/۶/۱۵

شماره: ۲۱۰۱

نظریه شورای نگهبان (تفسیری)

عطف به نامه شماره ۴۱۹ هـ ب مورخ ۱۳۷۰/۸/۱۳:

در خصوص تفسیر اصل ۱۳۸ قانون اساسی موضوع در جلسه شورای نگهبان مطرح و مورد بحث و بررسی قرار گرفت و نظر تفسیری شورا بدین شرح اعلام می‌گردد:

کلمه "قوانین" مذکور در ذیل اصل یکصد و سی و هشتم قانون اساسی شامل قانون اساسی نمی‌شود.

استفساریه شماره: ۱۴۴۹۰-۷۷/م تاریخ: ۱۳۷۷/۱۲/۱۸

طبق ماده ۱۸ قانون گزینش معلمان و کارکنان آموزش و پرورش مصوب شهریور ماه ۱۳۷۴ مجلس شورای اسلامی مقرر شده است آئین‌نامه اجرایی قانون مزبور توسط هیأت عالی گزینش و سازمان امور اداری و استخدامی کشور تهیه و به تصویب کمیسیون مشترک آموزش و پرورش و امور اداری و استخدامی مجلس شورای اسلامی برسد.

در اجرای ماده مزبور آئین‌نامه فوق‌الذکر در مرداد ماه ۱۳۷۷ به تصویب جلسه مشترک کمیسیون‌های یاد شده مجلس رسیده و ظاهراً بدون ملاحظه شورای نگهبان و اظهار نظر درباره آن طی نامه شماره ۲۳۶۷ مورخ ۱۳۷۷/۶/۳۱ در اجرای اصل ۱۲۳ قانون اساسی با امضای رئیس مجلس شورای اسلامی برای رئیس جمهور فرستاده شده است و اینجانب نیز به حکم قانون طی نامه شماره ۴۳۵۸۴ مورخ ۱۳۷۷/۷/۱۱ دستور اجرای آن را داده‌ام.

ولی مسئله‌ای که در اینجا مطرح است و خواستیم نظر شورای محترم نگهبان را بدانیم این است که مصوبه کمیسیون مشترک یا جلسه مشترک کمیسیونها چه وضعیتی دارد آیا طبع قانون و مصوبه مجلس را دارد یا طبع آئین‌نامه اجرایی از نوع آئین‌نامه‌های دولتی؟

طبق اصل ۹۴ قانون اساسی کلیه مصوبات مجلس شورای اسلامی باید به شورای نگهبان فرستاده شود تا از لحاظ مغایرت یا عدم مغایرت آنها با قانون اساسی و موازین شرع مورد بررسی قرار گیرد، در مواردی هم که طبق اصل ۸۵ قانون اساسی تصویب برخی از قوانین به صورت آزمایشی یا تصویب اساسنامه سازمانها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت به طور دائم به کمیسیون‌ها تفویض می‌شود باید مصوبه کمیسیون به شورای نگهبان ارسال شود. بنابراین اگر ارجاع تصویب آئین‌نامه اجرایی به کمیسیون داخلی مجلس علی‌رغم اسم آن طبع و خاصیت مصوبه قانونی را داشته و از نوع اول باشد می‌بایست به شورای نگهبان ارسال گردد که چنین چیزی صورت نگرفته است.

ولی اگر کمیسیون‌های داخلی از سوی مجلس مأموریت پیدا کردند که آئین‌نامه اجرایی قانونی را تهیه کنند، به نحوی که طبق اصل ۱۳۸ ممکن است هیأت دولت یا یکی از وزرا چنین مأموریتی پیدا نمایند، در این صورت اولاً این سؤال مطرح است که آیا غیر از دولت و وزیر مربوط و یا کمیسیون‌های متشکل از چند وزیر مذکور در اصل ۱۳۸، حق وضع آئین‌نامه به معنای خاص آن را دارند و مجلس می‌تواند حق وضع و تصویب آئین‌نامه را با داشتن طبع آئین‌نامه اجرایی با همان ماهیت و آثاری که آئین‌نامه دولتی دارد به غیر از هیأت وزیران و یا یکی از وزرا و یا کمیسیون‌های متشکل از چند وزیر واگذار نماید؟

ثانیاً اگر چنین امری مجاز باشد، چه مرجعی صلاحیت کنترل و بررسی آئین‌نامه مزبور را از لحاظ عدم مغایرت با قوانین و موازین شرع دارد؟ ذیل اصل ۱۳۸ مقرر می‌دارد که تصویب‌نامه‌ها و آئین‌نامه‌های دولتی باید به اطلاع رئیس مجلس شورای اسلامی برسد، که اگر آنها را برخلاف قوانین دید، جهت تجدید نظر به هیأت وزیران بفرستند. اصل ۱۷۰ قانون اساسی نیز قضات دادگاهها را از اجرای تصویب‌نامه‌ها و آئین‌نامه‌های دولتی که مخالف قوانین و مقررات اسلامی یا خارج از حدود اختیارات قوه مجریه است منع کرده و ابطال آنها را با دیوان عدالت اداری دانسته است، اصل ۱۷۴ نیز مرجع رسیدگی به شکایات مردم از آئین‌نامه‌های دولتی را دیوان عدالت اداری دانسته است، حال آیا آئین‌نامه‌های اجرایی مصوب کمیسیونهای داخلی مجلس می‌تواند مورد کنترل و ممیزی رئیس مجلس یا دیوان عدالت اداری قرار گیرند؟ یا در صورت مخالف بودن با موازین شرع و قانون، قضات از عمل کردن به آنها خودداری نمایند؟ با وجود اینکه در هر سه مورد آئین‌نامه دولتی مورد تصریح قرار گرفته و اطلاق آئین‌نامه دولتی به مصوبه کمیسیون مجلس صحیح به نظر نمی‌رسد. اگر همانگونه که در شق اول بیان شد برای این نوع مصوبات کمیسیونها نتوان خاصیت مصوبه قانونی قائل شد، به شورای نگهبان هم فرستاده نخواهد شد همانطور که عملاً چنین شده است و نتیجتاً هیچ کنترلی در زمینه انطباق یا عدم انطباق آنها با موازین شرع و قانون اساسی و قوانین عادی وجود ندارد.

چنانچه صلاح می‌دانید شورای محترم نگهبان، موضوع را بررسی نموده و استنباط و تفسیر خود را از اصول قانون اساسی مربوطه در خصوص سه مسئله زیر اعلام فرماید:

- ۱- آیا ارجاع وضع و تصویب آئین‌نامه اجرایی قانون به کمیسیون یا کمیسیونهای داخلی مجلس صحیح است؟
- ۲- در صورت صحت، آیا این نوع مصوبات کمیسیونها مانند سایر مصوبات مجلس باید به شورای نگهبان فرستاده شود یا خیر؟ و در صورت عدم لزوم ارسال به شورای نگهبان، آیا رئیس مجلس شورای اسلامی یا دیوان عدالت اداری می‌توانند آنها را مورد بررسی قرار دهند یا خیر؟

- ۳- آیا این گونه مصوبات کمیسیونها مشمول عنوان مصوبات مجلس موضوع اصل ۱۲۳ قانون اساسی می‌باشند و رئیس جمهور طبق اصل مزبور موظف است آنها را امضاء و برای اجراء در اختیار مسئولان قرار دهد با اینکه مورد رسیدگی و اظهار نظر شورای نگهبان قرار نگرفته است؟

نظریه شورای نگهبان (تفسیری) شماره: ۷۸/۲۱/۴۵۱۲ تاریخ: ۱۳۷/۱/۲۵

عطف به نامه شماره ۱۴۴۹۰-۷۷/م مورخ ۱۳۷۷/۱۲/۱۸، موضوع در جلسه مورخ ۱۳۷۸/۱/۲۵ شورای نگهبان مطرح شد و نظر تفسیری شورا به شرح زیر اعلام می‌گردد:

«ارجاع تصویب آیین‌نامه به کمیسیون یا کمیسیون‌های مجلس خلاف اصل ۱۳۸ قانون اساسی است».

نامه دولت شماره: ۴۳۰۴۷ تاریخ: ۱۳۸۰/۹/۲۰

بسمه تعالی

حجت الاسلام والمسلمین جناب آقای کربوبی

ریاست محترم مجلس شورای اسلامی

باسلام

عطف به مرقومه شماره ۳۵۹۴-ه/ب مورخ ۱۳۸۰/۸/۶ راجع به «ارسال کلیه تصمیم‌نامه‌های نمایندگان ویژه برای ریاست مجلس شورای اسلامی» اعلام می‌دارد:

۱- همانگونه که مسبوق هستید ارسال کلیه تصمیمات نمایندگان ویژه در تبصره «۳» الحاقی به قانون اجرای اصول (۸۵) و (۱۳۸) قانون اساسی مصوب ۱۳۷۹/۱۱/۴ مجلس شورای اسلامی منظور شده بود که شورای محترم نگهبان صراحتاً در نظریه شماره ۷۱/۲۱/۶۱۸۶ مورخ ۱۳۷۸/۱۱/۲۰ اعلام نمودند:

نظریه شورای نگهبان در مورد الزام به ارسال تصمیمات نمایندگان ویژه برای ریاست مجلس: در تبصره (۳) با اظهار اینکه اصل (۱۲۷) مربوط به امور اجرایی است الزام به ارسال تصمیمات مذکور در اصل (۱۲۷) قانون اساسی به رئیس مجلس خلاف قانون اساسی شناخته شد.

۲- نظریه شماره ۷۹/۲۱/۷۳۷ مورخ ۱۳۷۹/۵/۳۰ شورای محترم نگهبان و مرقومه شماره ۸۰/۲۱/۲۲۵۴ مورخ ۱۳۸۰/۷/۵ دبیر محترم شورای نگهبان نیز صراحتی به ارسال کلیه تصمیمات نمایندگان ویژه جهت انطباق با اصول (۸۵) و (۱۳۸) قانون اساسی ندارد.

۳- تصمیم نامه شماره ۸۸۰۰/ت/۲۲۹۰۶ هـ مورخ ۱۳۷۹/۳/۷ نمایندگان ویژه قبل از نظر تفسیری شماره ۷۹/۱/۷۳۷ مورخ ۱۳۷۹/۵/۳۰ شورای محترم نگهبان (در خصوص حدود اختیارات نمایندگان ویژه) صادر شده است.

۴- شورای محترم نگهبان در نظریه تفسیری شماره ۲۱۰۱ مورخ ۱۳۷۱/۶/۱۵ در پاسخ به استفسار ریاست محترم مجلس شورای اسلامی در مورد مسؤولیت تطبیق مصوبات دولت با قانون اساسی صراحتاً اعلام داشته‌اند: نظریه تفسیری شورای نگهبان: کلمه «قوانین» مذکور در ذیل اصل یکصد و سی و هشتم قانون اساسی شامل قانون اساسی نمی‌شود.

در نتیجه تطبیق مصوبات دولت یا قانون اساسی از جمله اصل (۱۲۷)، خارج از مسؤولیت‌هایی است که ریاست محترم مجلس شورای اسلامی در اصول (۸۵) و (۱۳۸) قانون اساسی عهده‌دار است.

۵ - هیأت وزیران بعد از وصول نظریه شماره ۷۹/۲۱/۷۳۷ مورخ ۱۳۷۹/۵/۳۰ شورای محترم نگهبان درخصوص محدوده اختیارات نمایندگان ویژه صراحتاً طی تصویب‌نامه شماره ۲۲۲۷۰/ت/۲۵۰۱۷ هـ مورخ ۱۳۸۰/۵/۱۳ با الحاق تبصره‌ای به ماده (۲۹) آیین‌نامه داخلی هیأت دولت مقرر نمودند: «تبصره الحاقی ماده ۲۹ - تفویض اختیار دولت، موضوع اصل (۱۲۷) قانون اساسی به نماینده یا نمایندگان ویژه رئیس جمهور محدود به امور اجرائی است»

سید محمد علی ابطحی

استفساریه شماره: ۳۹۲۸ هـ/ب

تاریخ: ۱۳۸۱/۲/۸

با ارسال تصویر نامه شماره ۴۳۰۴۷ مورخ ۱۳۸۰/۹/۲۰ معاونت محترم حقوقی و امور مجلس متضمن متن تبصره الحاقی ماده ۲۹ به آیین‌نامه داخلی هیات دولت و نیز عطف به نظریه شماره ۸۰/۲۱/۲۲۵۴ مورخ ۱۳۸۰/۷/۵ آن شورای محترم بطوری که ملاحظه می‌فرمائید از یکسو دولت در مجموع، قانوناً ضرورتی به ارسال تصمیمات نماینده یا نمایندگان ویژه نزد رئیس مجلس شورای اسلامی ندیده و برای حصول اطمینان بر اینکه نماینده یا نمایندگان ویژه، محدودیت خود به امور اجرایی را رعایت کنند تبصره‌ای با تصریح به این معنی به آیین‌نامه داخلی خود اضافه نمود و از سوی دیگر، نظریه فوق‌الذکر نه یک نظریه تفسیری و نه مصرح در تکلیف قانونی نماینده یا نمایندگان ویژه به ارسال تصمیمات خود نزد رئیس مجلس است. بنابراین چاره‌جویی قضیه در آن است که چنانچه مدلول نامه معاونت محترم حقوقی و امور مجلس رئیس جمهوری و تبصره الحاقی ماده ۲۹ آیین‌نامه داخلی دولت از نظر شورای محترم نگهبان کافی به مقصود تلقی و در نتیجه قانوناً ضرورتی به ارسال این قبیل تصمیمات نزد رئیس مجلس شورای اسلامی نباشد مراتب را ابلاغ و در غیر این صورت نسبت به اخذ نظر تفسیری آن شورای محترم که مصرح در تکلیف قانونی نماینده یا نمایندگان ویژه به ارسال تصمیمات خود نزد رئیس مجلس شورای اسلامی و تکلیف رئیس مجلس به بررسی این قبیل تصمیمات، انطباق آنها با قوانین و اقدامات قانونی متعاقب آن باشد اقدام فرمائید

نظریه شورای نگهبان (تفسیری)

شماره: ۸۱/۳۰/۲

تاریخ: ۱۳۸۱/۱۰/۲

تبصره الحاقی ماده ۲۹ آیین‌نامه داخلی هیات دولت در جلسه شورای نگهبان مطرح شد که نظر شورا بشرح زیر اعلام می‌گردد. «اصل ۱۲۷ مربوط به امور اجرایی است و شامل تصویب‌نامه‌ها و آیین‌نامه‌ها و اساسنامه‌ها نمی‌شود و منحصرأ شامل تصمیمات خواهد بود بنابراین تبصره الحاقی ماده (۲۹) که مقرر نموده است تفویض اختیار دولت، موضوع اصل ۱۲۷ قانون اساسی به نماینده یا نمایندگان ویژه رئیس‌جمهور محدود به امور اجرایی است، وافی به مقصود است لکن تصویب‌نامه هیأت وزیران که طی آن نماینده یا نمایندگان با اختیارات مشخص تعیین می‌نماید از مصادیق تصویب‌نامه ذیل اصل ۱۳۸ قانون اساسی می‌باشد و لازم است این تصویب‌نامه‌ها ضمن ابلاغ برای اجراء به اطلاع رئیس مجلس شورای اسلامی برسد تا در صورتی که آنها را بر خلاف قوانین بداند با ذکر دلیل برای تجدیدنظر به هیأت وزیران بفرستد.»

استفساریه شماره: ۸۳۰۹۰۲ هـ/س

تاریخ: ۱۳۸۳/۷/۱۸

پیرو شماره ۷۲۹۳ هـ - ب ۸۳/۷/۱۵ ضمن پیوست نمودن تصویری از تصویب‌نامه شماره ۶۱۶-۲۰۱-س/ت-۳۳۷- مورخ ۱۳۸۶/۶/۱ و اتفاق نظر هیات بررسی و تطبیق مصوبات دولت با قوانین و تکرار درخواست نظرتفسیری شورای محترم نگهبان به شرح نامه فوق‌الذکر، با عنایت به اینکه از یکسو رئیس مجلس شورای اسلامی خصوصاً باتوجه بنظر تفسیری شماره ۲۱۰۱ مورخ ۱۳۷۱/۶/۱۵ شورای محترم نگهبان صلاحیت تطابق مصوبات هیات وزیران و کمیسیون‌های مربوط با موازین شرع و قانون اساسی را نداشته و از سوی دیگر چنانچه تصویب‌نامه یا قسمتی از تصویب‌نامه‌های هیات وزیران یا کمیسیون‌های دولت، خلاف موازین شرع یا قانون اساسی وضع شده باشد محتمل است در ورود ماهوی رئیس مجلس شورای اسلامی به چنین مصوباتی با وصف مغایرت احتمالی با موازین شرع و قانون اساسی معذک مغایرتی با قوانین موضوعه نداشته و در نتیجه با اعلام نظر رئیس مجلس شورای اسلامی به تصریح اصل یکصد و سی و هشتم قانون اساسی به اجراء مصوباتی از این قبیل تداوم بخشیده شود. لذا خواهشمند است نسبت به جلب نظر تفسیری آن شورای محترم در این خصوص و اعلام آن به اینجانب نیز بذل توجه فرمائید.

نظریه شورای نگهبان (تفسیری)

شماره: ۸۳/۳۰/۱۶۰ م

تاریخ: ۱۳۸۳/۸/۲

«همان‌طور که مصوبات دولت خارج از موارد چهارگانه مذکور در اصل ۱۳۸ قانون اساسی بر خلاف قانون اساسی و خارج از حدود و اختیارات دولت است، رسیدگی به اینگونه مصوبات هم خارج از اختیارات ریاست مجلس است.»

استفساریه شماره: ۱۰۹۰۲۹ تاریخ: ۱۳۹۰/۵/۲۹

در خصوص استعلام از اصل (۱۳۸) قانون اساسی مبنی بر اینکه:

اولاً - با توجه به اینکه طبق این اصل، تنظیم آیین‌نامه‌های اجرایی توسط هیأت وزیران یا هر یک از وزیران و یا کمیسیون‌های وزراء صورت می‌پذیرد (و همچنین با عنایت به اصل (۵۷) و اصول ۱۵۶، ۱۵۷ و ۱۵۸ قانون اساسی) آیا آیین‌نامه‌های مصوب رئیس قوه قضاییه می‌تواند متضمن تکلیفی برای دستگاه‌های اجرایی از جمله اوامر، نواهی در امور اجرایی یا نحوه توزیع وظایف اجرایی و اعتبارات مصوب دستگاهی باشد؟

ثانیاً - در مواردی که به موجب قانون عادی تصویب آیین‌نامه اجرایی به مرجعی غیر از هیأت وزیران سپرده شده است آیا دولت می‌تواند به استناد اصل (۱۳۸) قانون اساسی در همان موضوع و به منظور هماهنگی دستگاه‌های اجرایی در انجام وظایف اداری و یا تأمین اجرای همان قانون آیین‌نامه یا تصویب‌نامه وضع نماید؟

نظریه شورای نگهبان (تفسیری) شماره: ۹۰/۳۰/۴۳۴۵۸ تاریخ: ۱۳۹۰/۶/۲

«بدیهی است رئیس قوه قضائیه نمی‌تواند برای دستگاه‌های خارج از این قوه آیین‌نامه وضع نماید، اما می‌تواند در حدود اختیارات مذکور در قانون اساسی، آیین‌نامه تصویب کند، در این صورت آیین‌نامه مصوب ایشان برای همه دستگاه‌ها لازم‌الاتباع است.»

اصل یکصد و سی و نهم:

صلح دعاوی راجع به اموال عمومی و دولتی یا ارجاع آن به داوری در هر مورد، موکول به تصویب هیأت وزیران است و باید به اطلاع مجلس برسد. در مواردی که طرف دعوی خارجی باشد و در موارد مهم داخلی باید به تصویب مجلس نیز برسد. موارد مهم را قانون تعیین می‌کند.

استفساریه شماره: ۱۰۱/۲-۲/۸م تاریخ: ۱۳۶۵/۲/۳

بسمه تعالی

شورای محترم نگهبان قانون اساسی جمهوری اسلامی

نظر به اینکه وزارت امور اقتصادی و دارایی (سازمان سرمایه‌گذاری و کمک‌های اقتصادی و فنی ایران) به نمایندگی از طرف دولت به موجب موافقتنامه مورخ بهمن ماه ۱۳۵۳ معادل ۲۳ فوریه ۱۹۷۵ بشرح پیوست مبلغ یک میلیارد دلار به کمیساریای انرژی اتمی فرانسه و با ضمانت دولت فرانسه وام داده است و مفاد ماده ۱۰ موافقتنامه مزبور مقرر می‌دارد "کلیه اختلافاتی که در ارتباط با این موافقتنامه بروز نماید تحت مقررات سازش و داوری اتاق بازرگانی بین‌المللی توسط یک یا چند داور حل و فصل گردد" و با عنایت به اینکه پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران کمیساریای انرژی اتمی فرانسه از بازپرداخت اصل و بهره‌های متعلقه امتناع نموده و در نتیجه سازمان سرمایه‌گذاری به ناچار برای احقاق حق و وصول مطالبات خویش بنا بر شرط فوق الاشعار به دیوان داوری اتاق بازرگانی بین‌المللی مراجعه کرده است، لکن کمیساریای انرژی اتمی فرانسه در برابر دعوی مطروحه در دیوان مذکور ضمن مدافعات در مورد عدم پرداخت دین، به استناد مقررات اصل ۱۳۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ایراد به نمایندگی قانونی خواهان در طرح دعوی مزبور نموده است لذا استدعا دارد با عنایت به اصل ۹۸ قانون اساسی اعلام نظر فرمایند رعایت مقررات اصل ۱۳۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در خصوص موافقتنامه فوق‌الذکر که پیش از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و قبل از تصویب قانون اساسی منعقد گردیده ضرورت دارد یا خیر؟

میرحسین موسوی

نخست وزیر

۶۵/۲/۲

تاریخ: ۱۳۶۵/۲/۱۰

شماره: ۵۹۳۹

نظریه شورای نگهبان (مشورتی)

بسم الله الرحمن الرحيم

جناب آقای نخست وزیر محترم جمهوری اسلامی ایران

عطف به نامه شماره ۱۰۱/۲-۲/۸-۱۳۶۵/۲/۳ مورخ:

موضوع در جلسه شورای نگهبان مطرح و پس از بحث و بررسی لازم نظر اکثریت اعضا بدین شرح اعلام می‌شود: «بر حسب اطلاق اصل ۱۳۹ قانون اساسی در مورد موافقت‌نامه‌های پیش از پیروزی انقلاب اسلامی هر چند در آنها ارجاع به داوری پیش‌بینی شده باشد مقررات اصل مذکور باید رعایت شود»

دبیر شورای نگهبان

لطف الله صافی

تاریخ: ۱۳۶۵/۲/۲۴

شماره: ۶۲-۴۳/۱۷-ن

نامه نخست وزیر

بسمه تعالی

شورای محترم نگهبان

عطف به نامه شماره ۵۹۳۹ مورخ ۱۳۶۵/۲/۱۰ و پیرو نامه شماره ۱۰۱/۲-۲/۸-۱۳۶۵/۲/۳ راجع به استفسار از شمول اصل ۱۳۹ قانون اساسی به موافقت‌نامه اسفند ماه ۱۳۵۳ سازمان سرمایه‌گذاری کمک‌های اقتصادی و فنی ایران با کمیساریای انرژی اتمی فرانسه که پیش از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و قبل از تصویب قانون اساسی منعقد گردیده خواهشمند است با توجه به اینکه استعلام با عنایت به اصل ۹۸ قانون اساسی صورت گرفته نظر تفسیری شورای محترم نگهبان را نسبت به موضوع اعلام فرمایند.

ضمناً با عنایت به اصل لزوم قراردادهای و با توجه به ماده ۱۰ موافقت‌نامه که مقرر داشته: کلیه اختلافاتی که در ارتباط با این موافقت‌نامه بروز نماید تحت مقررات سازش و داوری اتاق بازرگانی بین‌المللی توسط یک یا چند داور حل و فصل گردد» نسبت به امکان الزام کمیساریای انرژی اتمی فرانسه و سایر اطراف خارجی در قراردادهای مشابه که قبل از تصویب قانون اساسی منعقد گردیده به اجرای مصوبات مجلس شورای اسلامی که مغایر با قراردادهای منعقد مزبور یا به صورت شرط و قیدی علاوه بر مفاد آن قراردادهای باشد اعلام نظر فرمایند.

میرحسین موسوی

نخست وزیر

۶۵/۲/۲۴

تاریخ: ۱۳۶۵/۴/۱۸

شماره: ۶۰۲۵

نامه شورای نگهبان

بسم الله الرحمن الرحيم

جناب آقای میرحسین موسوی نخست وزیر محترم جمهوری اسلامی ایران

عطف به نامه شماره ۶۲-۴۳/۱۷-ن مورخ ۱۳۶۵/۲/۲۴:

نظر به اینکه قوانین جاریه کشور در صورتی از لحاظ قانون اساسی منع اجرایی دارد که با قانون اساسی مغایرت داشته باشد و نظر به اینکه در مواردی که شمول هر یک از اصول قانون اساسی نسبت به قوانین جاریه به تفسیر شورای نگهبان نیاز داشته باشد، مادام که شورای نگهبان نظر تفسیری نداده باشد آن قوانین منع اجرایی ندارد و جواز اجراء آن قوانین به اصل خود باقی است و نظر به اینکه در مورد شمول اصل ۱۳۹ نسبت به قرارداد مورد سؤال، شورای نگهبان به نظر تفسیری نرسیده ارجاع به داوری از طرف دولت بدون کسب مجوز از مجلس شورای اسلامی با قانون اساسی مغایرت ندارد.

دبیر شورای نگهبان

لطف الله صافی

استفساریه شماره: ۱۷۹/ص/۱۰ و تاریخ: ۱۳۷۲/۹/۷

به سبب نظرات و تفاسیر متفاوتی که از اصل ۱۳۹ قانون اساسی به عمل آمده و با عنایت به اینکه اصل نود و هشتم، تفسیر این قانون را به عهده آن شورای محترم قرار داده و نظر شورای محترم نگهبان می‌تواند به بحث‌های مختلف و بر خوردهای قانونی متفاوت که دامنگیر شرکت‌های وابسته به این وزارت (وزارت جهاد سازندگی) نیز شده، خاتمه دهد مستدعی است نظر آن شورای محترم را در خصوص اصل مزبور دائر بر اینکه اموال دولت به معنی اخص بیان گردیده یا شامل اموال شرکت‌های دولتی نیز می‌باشد اعلام فرمائید.

ضمناً خاطر نشان می‌سازد، شرکت تهیه، تولید و توزیع علوفه وابسته به این وزارت در خصوص عدم انجام تعهدات شرکت تعاونی عمران بار موضوع قرار داد سال ۶۳ دو شرکت (سوابق به پیوست می‌باشد) دادخواست خود را به محاکم قضایی تسلیم، لیکن به لحاظ تفاوت تفسیر اصل نامبرده دادخواست شرکت فوق‌الذکر رد گردیده است. مراتب جهت استحضار و اعلام نظر تقدیم می‌گردد.

نظریه شورای نگهبان (تفسیری) شماره: ۵۶۰۶ تاریخ: ۱۳۷۲/۹/۱۷

اصل یکصد و سی و نهم قانون اساسی به لحاظ صراحت و وضوح نیازی به تفسیر ندارد و اعضاء شورای نگهبان به اتفاق آراء اصل مذکور را شامل اموال شرکتهای دولتی نیز می‌دانند

اصل یکصد و چهلم:

رسیدگی به اتهام رئیس جمهور و معاونان او و وزیران در مورد جرایم عادی با اطلاع مجلس شورای اسلامی در دادگاه‌های عمومی دادگستری انجام می‌شود.

استفساریه شماره: ۴۰۲/۰۲/۳۷/۹۳ پ تاریخ: ۱۳۶۰/۱/۱۸

وزارت دفاع در نظر دارد برای تأمین اعضاء هیئت مدیره سازمان‌ها و شرکت‌های دولتی وابسته، از پرسنل تابعه خود استفاده نماید، با توجه به اینکه چنین اشخاصی در هر صورت فقط از یک حقوق استفاده خواهند نمود لذا خواهشمند است با عنایت به اصل یکصد و چهل و یکم قانون اساسی نظریه اعلام فرمایند.

نظریه شورای نگهبان (تفسیری) شماره: ۲۰۹۱ تاریخ: ۱۳۶۰/۲/۳

"ممنوعیت دو شغل داشتن اعم از موظف بودن است و در مورد مؤسسات و سازمان‌های تابعه وزارتخانه‌ها و ادارات دولتی اگر آن مؤسسات ضمیمه وزارتخانه یا اداره باشد، بطوری که تصدی و سرپرستی آن جزو وظایف وزیر یا مدیر یا رئیس مربوط باشد و تعیین مسئول دیگر برای آن قانوناً منتفی باشد، تصدی آن مغایر قانون اساسی نیست.

ولی اگر تصدی سازمان یا مؤسسه با حفظ استقلال آن، برای شخص وزیر یا رئیس یا مدیر به عنوان رئیس یا سرپرست آن واحد باشد، مخالف قانون اساسی است

استفساریه شماره: ۱/۵۶۵۲۱ تاریخ: ۱۳۶۲/۱۲/۲۵

با ارسال تصویر نامه‌های شماره ۲۰/۳۰۳۰۴-۱۳۶۲/۱۱/۱۵ و ۲۰/۱۸/۹۵۷۲-۱۳۶۲/۱۲/۳ دادستان عمومی تهران و نامه شماره ۷/۶۰۰۴-۱۳۶۲/۱۱/۲۶ اداره حقوقی دادگستری به تجویز اصل ۹۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تفسیری از

اصل ۱۴۰ قانون اساسی از نظر حد و حدود جرائم عادی مذکور در اصل مزبور با تصریح به اینکه جرائم ارتكابی وزراء حین انجام وظیفه یا به سبب آن هم، عنوان جرائم عادی را دارد یا خیر؟ معمول و نتیجه را به شورای عالی قضایی اعلام فرمائید

نظریه شورای نگهبان (مشورتی) شماره: ۱۰۸۷۰ تاریخ: ۱۳۶۲/۱۲/۲۹

مفاد اصل یکصد و چهلم قانون اساسی روشن است و نیازی به تفسیر ندارد و ارتكاب جرم در حین یا به سبب انجام وظیفه، وصف عادی بودن آن را از میان نمی‌برد و همان طور که در نظر مشورتی اداره حقوقی دادگستری آمده، رسیدگی به جرائم عادی (نه سیاسی، نظامی، مطبوعاتی...) ارتكابی رئیس جمهور، نخست وزیر و وزراء چه در حین یا به سبب انجام وظیفه باشد یا نباشد، با اطلاع مجلس شورای اسلامی در دادگاه‌های عمومی دادگستری انجام می‌شود.

اصل یکصد و چهل و یکم:

رئیس جمهور، معاونان رئیس جمهور، وزیران و کارمندان دولت نمی‌توانند بیش از یک شغل دولتی داشته باشند و داشتن هر نوع شغل دیگر در مؤسساتی که تمام یا قسمتی از سرمایه آن متعلق به دولت یا مؤسسات عمومی است و نمایندگی مجلس شورای اسلامی و وکالت دادگستری و مشاوره حقوقی و نیز ریاست و مدیریت عامل یا عضویت در هیأت مدیره انواع مختلف شرکت‌های خصوصی، جز شرکت‌های تعاونی ادارات و مؤسسات برای آنان ممنوع است. سمت‌های آموزشی در دانشگاه‌ها و مؤسسات تحقیقاتی از این، حکم مستثنی است.

استفساریه شماره: ۱/۱۱۰۰۷ تاریخ: ۱۳۶۰/۴/۲۸

دستور فرماید جواباً اعلام دارند اعضای شورای عالی قضایی می‌توانند رئیس یکی از سازمان‌های تابعه یا ارگان‌های دادگستری مانند رئیس کل دادگاه‌های عمومی یا رئیس کل دادگاه‌های صلح باشند یا خیر؟

نظریه شورای نگهبان (تفسیری) شماره: ۳۰۹۱ و ۳- تاریخ: ۱۳۶۰/۵/۱۳

موضوع در جلسه رسمی شورای نگهبان مطرح و به نظر اکثریت اعضاء شورای نگهبان اعضاء شورای عالی قضایی نمی‌توانند رئیس یکی از سازمان‌های یا ارگان‌های دادگستری باشند و مغایر اصل ۱۴۱ قانون اساسی می‌باشد.

استفساریه شماره: ۴۰۵ ک ق تاریخ: ۱۳۶۲/۲/۶

احتراماً «در اجرای اصل نود و هشتم» قانون اساسی که تفسیر قانون اساسی را به عهده شورای نگهبان گذاشته است، استدعا می‌شود نسبت به وضع نمایندگان در ارتباط با اصول «یکصد و چهل و یکم» و «پنجاه و هفتم» قانون اساسی در موارد زیر نظرتان را اعلام فرمائید.

۱. ریاست دانشگاه‌های کشور

۲. عضویت در هیات‌های مربوط به قانون بازسازی نیروی انسانی

۳. عضویت در هیات‌های گزینش دستگاه‌ها و ...

۴. سرپرستی و اشتغال در ارگان‌های انقلابی و نهادها و بنیادها

ضمناً برداشت ما از تفسیر مذکور چنین است:

یکی از اهداف اصل ۱۴۱ قانون اساسی ۲ بار حقوق نگرفتن یک فرد از صندوق دولت است. به علاوه تأمین اصل ۱۵۷ قانون اساسی یعنی تفکیک و استقلال قوای سه‌گانه منظور مقنن بوده است، زیرا مسلم است که مجاز نبودن نمایندگان مجلس به پذیرفتن مشاغل دیگر فقط به دلیل حقوق نیست و با نگرفتن حقوق، نمایندگان مجلس نمی‌توانند سمتی دیگر را تصدی نمایند، دلیل این موضوع این است که در همین اصل ۱۴۱ می‌گوید:

«سمت‌های آموزشی در دانشگاه‌ها و مؤسسات تحقیقاتی از این حکم مستثنی است» یعنی نماینده مجلس می‌تواند استاد دانشگاه یا شاغل در یک سمت تحقیقاتی باشد و از این بابت حقوق هم دریافت کند و در گذشته هم چنین بوده است و نمایندگان

مجلس به عنوان استاد و ... خدمت می‌کرده‌اند. بنابراین نمایندگان مجلس در اجرای ۲ اصل فوق نمی‌توانند در مسؤولیت‌های دیگر قرار بگیرند.

ضمناً آقای محمد یزدی نایب رئیس وقت مجلس شورای اسلامی در هاشم نامه چنین مرقوم نموده است:

بسمه تعالی

سؤال در بند اول این است که ریاست دانشگاه آیا یک سمت آموزشی است یا سمت اداری؟

و در بندهای دیگر این است که آیا شغل رسمی دولتی است یا نه نظر مبارک را مرقوم فرمائید.

محمد یزدی

تاریخ: ۱۳۶۲/۲/۲۰

شماره: ۸۵۱۳

نظریه شورای نگهبان (تفسیری)

نظر تفسیری شورای نگهبان نسبت به اصل ۱۴۱ قانون اساسی به شرح زیر اعلام می‌شود:

۱- ریاست دانشگاه، نظر به اینکه سمت اداری محسوب می‌شود مانع از اشتغال به سمت نمایندگی است.

۲ و ۳- عضویت در هیأت‌های بازسازی و گزینش برای نمایندگان مجلس در صورتی که مشاغل سازمانی تحت عناوین مذکور پیش‌بینی شده باشد و نماینده با عضویت در هیأت‌های مزبور کارمند دولت محسوب شود مانع از اشتغال او به نمایندگی مجلس است.

۴- نهادها و ارگان‌ها و بنیادهای انقلابی که دولت بودجه آنها را تأمین می‌نماید و مسؤولیت‌های اجرایی برحسب قانون عهده‌دار می‌باشند دولتی محسوب می‌شوند و کارمندی آنها کارمندی دولت می‌باشد و مانع از اشتغال به نمایندگی است و چنانچه در رابطه با خدماتی که می‌نمایند مسؤولیت‌های اجرایی قانونی ندارند کارمندی آنها کارمندی دولت محسوب نمی‌گردد هر چند دولت به آنها کمک مالی بنماید.

تاریخ: ۱۳۶۸/۱/۲۸

استفساریه شماره: ۱۲۷۹۶

با توجه به اصل ۹۸ قانون اساسی خواهشمند است اعلام نظر فرمایند آیا عضویت وزراء و کارکنان دولت در هیأت امناء موسسات خصوصی و یا دولتی از جمله عضویت در هیأت امناء دانشگاه‌ها و مدارس غیر انتفاعی مغایرتی با اصل ۱۴۱ قانون اساسی دارد یا خیر؟ خصوصاً با توجه به مشابهت مسؤولیتی که هیأت امناء موسسات با مجامع عمومی شرکت‌ها دارند و وزراء به تصویب مجلس و تأیید شورای نگهبان در مجامع عمومی شرکت‌های مختلف عضویت یافته‌اند از جمله قانون اخیر التصویب نحوه اداره شرکت‌های بیمه در این مورد قابل ذکر است.

تاریخ: ۱۳۶۸/۲/۱۹

شماره: ۰۴۴۸

نظریه شورای نگهبان (تفسیری)

عضویت وزراء و کارمندان دولت در هیأت امناء و مؤسسات خصوصی و یا دولتی (از جمله عضویت در هیأت امناء دانشگاه‌ها و مدارس غیر انتفاعی) به لحاظ اینکه سمت‌های مذکور، شغل سازمانی تلقی نمی‌گردد مغایرتی با اصل ۱۴۱ قانون اساسی ندارد.

تاریخ: ۱۳۷۲/۷/۱۹

استفساریه شماره: ۲۲۲/د/ک

همانگونه که استحضار دارید براساس ماده ۱۱ قانون دیوان محاسبات انتخاب رئیس دیوان محاسبات کشور بر اساس پیشنهاد این کمیسیون و رای مجلس شورای اسلامی انجام می‌پذیرد و نظر به اینکه تعدادی از نمایندگان مجلس درصدد معرفی یک نفر از نمایندگان جهت تصدی این پست با حفظ سمت نمایندگی می‌باشند.

خواهشمند است نظر آن شورا را به کمیسیون در این خصوص جهت بهره‌برداری اعلام فرمائید. ضمناً اضافه می‌نماید دیوان محاسبات کشور تنها دستگاه نظارتی مجلس است که جدای از قوه مجریه انجام وظیفه می‌نماید و رئیس آن نیز مستقیماً از طرف مجلس انتخاب می‌گردد

نظریه شورای نگهبان (تفسیری) شماره: ۵۴۰۰ تاریخ: ۱۳۷۲/۷/۲۴

با سلام نامه شماره ۲۲۲/د/ک مورخ ۷۲/۷/۱۹ رئیس محترم کمیسیون دیوان محاسبات و بودجه و امور مالی مجلس شورای اسلامی در جلسه مورخ ۱۳۷۲/۷/۲۱ شورای نگهبان مطرح و نظر تفسیری شورا به شرح زیر اعلام می‌گردد:
چون رئیس دیوان محاسبات کشور کارمند دولت محسوب می‌شود لذا با حفظ سمت نمایندگی مجلس شورای اسلامی نمی‌تواند در دیوان محاسبات انجام وظیفه نماید و موضوع با اصل ۱۴۱ قانون اساسی مغایر شناخته شد.

استفساریه شماره: ۸۶/۳۲/۲۴۸۲۴ تاریخ: ۱۳۸۶/۱۰/۲۹

با توجه به برداشت‌های متفاوت در مقام اجرا و نظارت از اصل ۱۴۱ قانون اساسی، استدعا دارد نظر آن شورای محترم را در مورد موضوع زیر، اعلام فرمایند:

آیا کارکنان دولت به عنوان مدیرعامل یا عضو هیات مدیره بنیادهای فرهنگی که کاملاً غیراقتصادی هستند و این فعالیت نیز غیرمستمر است، می‌توانند فعالیت داشته باشند؟

لازم به ذکر است که شورای محترم نگهبان قبلاً عضویت در هیات امنای این نوع موسسات را مغایر با اصل ۱۴۱ نشناخته است.

نظریه شورای نگهبان (تفسیری) شماره: ۸۷/۳۰/۲۹۱۷۳ تاریخ: ۱۳۸۷/۸/۲۲

عضویت به عنوان هیأت مدیره و یا مدیرعامل موسسات فرهنگی غیردولتی و غیرعمومی و مؤسساتی که سرمایه آن تماماً یا جزئاً متعلق به دولت و موسسات عمومی نیست و نیز شرکت دولتی یا خصوصی محسوب نشوند، مشمول اصل «۱۴۱» قانون اساسی نمی‌باشد

اصل یکصد و چهل و دوم:

دارایی رهبر، رئیس جمهور، معاونان رئیس جمهور، وزیران و همسر و فرزندان آنان قبل و بعد از خدمت، توسط رئیس قوه قضائیه رسیدگی می‌شود که بر خلاف حق، افزایش نیافته باشد.

مبحث دوم - ارتش و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

اصل یکصد و چهل و سوم:

ارتش جمهوری اسلامی ایران پاسداری از استقلال و تمامیت ارضی و نظام جمهوری اسلامی کشور را بر عهده دارد.

اصل یکصد و چهل و چهارم:

ارتش جمهوری اسلامی ایران باید ارتشی اسلامی باشد که ارتشی مکتبی و مردمی است و باید افرادی شایسته را به خدمت بپذیرد که به اهداف انقلاب اسلامی مؤمن و در راه تحقق آن فداکار باشند.

استفساریه شماره: ۸۰۱-۰۷-۹۳

تاریخ: ۱۳۵۹/۱۰/۸

از آنجا که ارتش جمهوری اسلامی ایران در شرایط کنونی نیاز مبرمی به استخدام پرسنل کادر دارد و نیز باتوجه به اینکه طرح تجدید سازمان ارتش در ستاد مشترک ارتش در دست تهیه جهت پیشنهاد به مجلس می‌باشد، مستدعی است با توجه به مفاد قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تعیین فرمایند که آیا نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران می‌توانند اقلیت‌های رسمی را استخدام نمایند یا تنها باید افراد مسلمان را به استخدام درآورند؟

نظریه شورای نگهبان (تفسیری)

شماره: ۰۷۳۵

تاریخ: ۱۳۵۹/۱۰/۲۴

موضوع در شورای نگهبان مطرح، رأی متفق علیه اعضاء حاضر در جلسه بر این است که در استخدام پرسنل ارتش باید شرط اسلام مذکور باشد.

استفساریه شماره: ۷۰۱-۰۳-۱۲۱

تاریخ: ۱۳۵۹/۱۱/۱۵

با توجه به اینکه نیروهای مسلح بمنظور تامین نیاز پرسنلی خود مستمرا از طریق استخدام و نیز اعزام به خدمت وظیفه افرادی را به کار می‌گیرد، خواهشمند است تعیین فرمائید با نگرش به اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و نیز با نظر به اینکه افراد مزبور از قشرهای مسلمان، اقلیت‌های شناخته شده در قانون اساسی، بهائیان و امثال آن و نیز پیروان مرام کمونیسم می‌باشند، استخدام کدامیک از اقشار فوق در نیروهای مسلح مجاز است. همچنین کدامیک از اقشار فوق می‌توانند به عنوان خدمت وظیفه در نیروهای مسلح وارد گردند. بدیهی است در صورتی که بعضی از اقشار فوق ورودشان به نیروهای مسلح به عنوان خدمت وظیفه ممنوع شناخته شود باید ترتیبی اتخاذ گردد که خدمت مزبور را در یکی دیگر از سازمان‌ها و ارگان‌های دولتی انجام دهند تا عدم صلاحیت آنها موجب معاف شدن آنها از خدمت نشود.

نظریه شورای نگهبان (تفسیری)

شماره: ۲۶۳۰

تاریخ: ۱۳۶۰/۴/۴

نظر اکثریت اعضاء شورا بر این است که در استخدام برای نیروهای مسلح طبق اصل ۱۴۴، افراد مکتبی و مؤمن به اهداف انقلاب باید استخدام شوند و نسبت به خدمت وظیفه اقلیت‌ها از جهت قانون منعی نیست. هر نوع که وضع ارتش و مصالح عالی آن اقتضاء دارد اقدام نمائید.

اصل یکصد و چهل و پنجم:

هیچ فرد خارجی به عضویت در ارتش و نیروهای انتظامی کشور پذیرفته نمی‌شود.

اصل یکصد و چهل و ششم:

استقرار هر گونه پایگاه نظامی خارجی در کشور هر چند به عنوان استفاده های صلح آمیز باشد ممنوع است.

اصل یکصد و چهل و هفتم:

دولت باید در زمان صلح از افراد و تجهیزات فنی ارتش در کارهای امدادی، آموزشی، تولیدی، و جهاد سازندگی، با رعایت کامل موازین عدل اسلامی استفاده کند در حدی که به آمادگی رزمی آسیبی وارد نیاید.

اصل یکصد و چهل و هشتم:

هر نوع بهره‌برداری شخصی از وسایل و امکانات ارتش و استفاده شخصی از افراد آنها به صورت گماشته، راننده شخصی و نظایر اینها ممنوع است.

اصل یکصد و چهل و نهم:

ترفع درجه نظامیان و سلب آن به موجب قانون است.

اصل یکصد و پنجاهم:

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی که در نخستین روزهای پیروزی این انقلاب تشکیل شد، برای ادامه نقش خود در نگهبانی از انقلاب و دستاوردهای آن پابرجا می‌ماند. حدود وظایف و قلمرو مسئولیت این سپاه در رابطه با وظایف و قلمرو مسئولیت نیروهای مسلح دیگر با تأکید بر همکاری و هماهنگی برادرانه میان آنها به وسیله قانون تعیین می‌شود.

اصل یکصد و پنجاه و یکم:

به حکم آیه کریمه "وَأَعِدُوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَ عَدُوَّكُمْ وَ آخِرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ" دولت موظف است برای همه افراد کشور برنامه و امکانات آموزش نظامی را بر طبق موازین اسلامی فراهم نماید، به طوری که همه افراد همواره توانایی دفاع مسلحانه از کشور و نظام جمهوری اسلامی ایران را داشته باشند، ولی داشتن اسلحه باید با اجازه مقامات رسمی باشد.

فصل دهم: سیاست خارجی

اصل یکصد و پنجاه و دوم:

سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر اساس نفی هر گونه سلطه‌جویی و سلطه‌پذیری، حفظ استقلال همه جانبه و تمامیت ارضی کشور، دفاع از حقوق همه مسلمانان و عدم تعهد در برابر قدرت‌های سلطه‌گر و روابط صلح‌آمیز متقابل با دول غیر محارب استوار است.

اصل یکصد و پنجاه و سوم:

هر گونه قرارداد که موجب سلطه بیگانه بر منابع طبیعی و اقتصادی، فرهنگ، ارتش و دیگر شؤون کشور گردد ممنوع است.

اصل یکصد و پنجاه و چهارم:

جمهوری اسلامی ایران سعادت انسان در کل جامعه بشری را آرمان خود می‌داند و استقلال و آزادی و حکومت حق و عدل را حق همه مردم جهان می‌شناسد. بنا بر این در عین خودداری کامل از هر گونه دخالت در امور داخلی ملت‌های دیگر، از مبارزه حق طلبانه مستضعفین در برابر مستکبرین در هر نقطه از جهان حمایت می‌کند.

اصل یکصد و پنجاه و پنجم:

دولت جمهوری اسلامی ایران می‌تواند به کسانی که پناهندگی سیاسی بخواهند پناه دهد مگر این که بر طبق قوانین ایران خائن و تبهکار شناخته شوند.

فصل یازدهم: قوه قضائیه

اصل یکصد و پنجاه و ششم:

قوه قضائیه قوه‌ای است مستقل که پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی و مسئول تحقق بخشیدن به عدالت و عهده‌دار وظایف زیر است:

۱. رسیدگی و صدور حکم در مورد تظلمات، تعدیات، شکایات، حل و فصل دعاوی و رفع خصومات و اخذ تصمیم و اقدام لازم در آن قسمت از امور حسبه، که قانون معین می‌کند.
۲. احیای حقوق عامه و گسترش عدل و آزادی‌های مشروع.
۳. نظارت بر حسن اجرای قوانین.
۴. کشف جرم و تعقیب مجازات و تعزیر مجرمین و اجرای حدود و مقررات مدون جزایی اسلام.
۵. اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین.

نامه رئیس کل سازمان پلیس قضائی شماره: ۲۵/۱۰۷۴ تاریخ ۱۳۶۸/۸/۶

بسمه تعالی

حضرت آیه‌اله محمد یزدی ریاست محترم قوه قضائیه

با سلام و نهایت احترام به استحضار می‌رساند جایگاه پلیس قضائی که از زمان بنی‌صدر مخلوع، مورد مناقشه قوه مجریه و قوه قضائیه قرار داشته است همواره مانع راه توسعه این سازمان و تدوین لایحه قانونی نهائی آن متناسب با نیازهای قوه قضائیه بوده است. بنابراین با توجه به اصلاحات قانون اساسی و اینکه به موجب اصل یکصد و پنجاه و هفتم انجام امور اجرائی این قوه نیز به خود آن محول گردیده است و این جهت که عزل و نصب و قبول استعفای فرماندهان عالی نیروهای نظامی و انتظامی که پلیس قضائی نیز یک نیروی انتظامی به شمار آمده با مقام معظم رهبری قرار گرفته ظاهراً مانع اصلی اتصال و ارتباط سازمان پلیس قضائی را از میان برده است ولی از جهت اینکه تعیین تکلیف رسمی جایگاه این سازمان که طبع کار آن ایجاب می‌کند به عنوان یک سازمان مرتبط و تحت امر قوه قضائیه انجام وظیفه نماید نقش حساس در تدوین قانون و اساسنامه نهائی آن دارد. لهذا مستدعی است بدو مراتب از شورای محترم نگهبان استفسار شود تا متناسب با پاسخ آن شورای محترم نسبت به تهیه پیش‌نویس لایحه قانون تشکیل پلیس قضائی اقدامات لازم به عمل آید.

رئیس کل سازمان پلیس قضائی

هاشمی

تاریخ: ۱۳۶۸/۸/۱۵

استفساریه شماره: ۱/۸۳۱۱/م

شورای محترم نگهبان قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

بعد التحیه، نظر به اینکه لایحه قانونی تشکیل پلیس قضائی در دست تهیه است و تعیین جایگاه آن در اساس ساختار لایحه مزبور نقش تعیین کننده و حساسی خواهد داشت، لهذا با توجه باینکه:

الف - پلیس قضائی انجام برخی از وظائف و مسئولیتهای قوه قضائیه مقرر در اصل یکصد و پنجاه و ششم به ویژه بندهای ۴ و ۵ آن که اجمالاً میتوان آنرا متصدی امور اجرائی قوه قضائیه نامید تشکیل و سازماندهی شده است.

ب - پلیس قضائی تنها در محدوده مسئولیتهای قوه قضائیه فعالیت دارد و عملیات آن پس از وقوع جرم با تحقیق و تعقیب از مجرمین آغاز شده و وظیفه تمهید مقدمات دادرسی‌های مدنی و کیفری را دارا میباشد.

ج - و نقش اساسی دیگر آن اجرای احکام صادره از محاکم قوه قضائیه بوده و اجرای حدود و تعزیرات و اعمال کیفر بزهکاران را مستقیماً زیر نظر محاکم به عهده دارد.

خواهشمند است مشخص فرمایند ارتباط سازمانی و تشکیلاتی این نیرو که ضابط خاص قوه قضائیه می‌باشد و متناسب با نیازهای دستگاه قضائی تربیت می‌شوند و اصولاً حق دخالت در خارج از قلمرو تعیین شده را نخواهد داشت با توجه به موازین شرعی و اصول قانون اساسی و در عین حال عنایت به اینکه عزل و نصب و قبول استعفای فرماندهی عالی آن در اصلاحیه قانون اساسی با مقام معظم رهبری است به کدام یک از دو قوه مجریه یا قضائیه باید باشد.

تاریخ: ۱۳۶۹/۱/۲۲

شماره: ۱۲۵۹

نظریه شورای نگهبان (مشورتی)

موضوع سؤال در جلسه شورای نگهبان مطرح و مورد بحث و بررسی قرار گرفت و به نظر مشورتی اکثریت اعضاء شورای نگهبان، مرتبط و وابسته نمودن پلیس قضائی از لحاظ سازمانی و تشکیلاتی به قوه قضائیه مغایرتی با اصول قانون اساسی ندارد.

اصل یکصد و پنجاه و هفتم:

به منظور انجام مسئولیتهای قوه قضائیه در کلیه امور قضایی و اداری و اجرایی مقام رهبری یک نفر مجتهد عادل و آگاه به امور قضایی و مدیر و مدبر را برای مدت پنج سال به عنوان رئیس قوه قضائیه تعیین می‌نماید که عالی‌ترین مقام قوه قضائیه است.

اصل یکصد و پنجاه و هشتم:

وظایف رئیس قوه قضائیه به شرح زیر است:

۱. ایجاد تشکیلات لازم در دادگستری به تناسب مسئولیتهای اصل یکصد و پنجاه و ششم.
۲. تهیه لوایح قضایی متناسب با جمهوری اسلامی.
۳. استخدام قضات عادل و شایسته و عزل و نصب آنها و تغییر محل مأموریت و تعیین مشاغل و ترفیع آنان و مانند اینها از امور اداری، طبق قانون.

تاریخ: ۱۳۷۹/۷/۱۷

استفساریه شماره: ۱/۷۹/۱۰۴۷

خدمت حضرات اعضای محترم شورای نگهبان (دامت برکاتهم)

با عرض سلام خدمت همه بزرگواران و عزیزان آن شورای محترم استدعا دارد در رابطه با بند ۲ اصل ۱۵۸ قانون اساسی که سابقاً نیز در زمانی که خدمتتان بودیم یکبار مورد بحث و تفسیر قرار گرفت، جهات زیر را روشن نمائید مزید امتنان و تشکر است.

۱. تعریف لایحه قضائی و فرق آن با لایحه قانونی چیست؟

۲. آیا قوه قضائیه پس از تهیه کردن لایحه قضائی توسط ریاست قوه (همانطوریکه در بند ۲ آمده است) لازم است آن را ابتداء به هیأت دولت جهت تصویب ارسال داشته و سپس از طریق دولت به مجلس شورا ارسال شود و یا خود قوه قضائیه می‌تواند رأساً آن را به مجلس شورا ارسال نماید؟
۳. آیا هیأت دولت می‌تواند مستقلاً لایحه قضائی تنظیم نموده و آن را به مجلس شورا جهت تصویب نهائی ارسال نماید یا خیر؟
۴. آیا هیأت دولت میتواند در لایحه قضائی که توسط قوه قضائیه آماده شده است تغییر محتوایی (بنحو حذف و یا اضافه کردن موادی و یا تغییر مفاد ماده) انجام داده و سپس آن را به مجلس شورا ارسال نماید یا خیر؟
۵. آیا مقصود از لایحه قضائی تنها لوایحی است که جداگانه و مستقل به مجلس می‌رود و یا شامل مواد قضائی که ممکنست در لوایح قانونی گنجانیده شود نیز می‌گردد؟
۶. بنابراینکه قوه قضائیه بتواند لایحه قضائی را ابتداء به مجلس شورا ارسال نماید در صورتی که آن لایحه دارای بار مالی و مستلزم بودجه اضافی باشد آیا مخالف اصل ۷۵ خواهد بود و یا خیر؟
۷. آیا مجلس شورا می‌تواند قوانین قضائی را از طریق طرح و پیشنهاد نمایندگان به تصویب برساند یا لازم است از طریق قوه قضائیه و بنحو لایحه قضائی تقدیم شده باشد؟

نامه قوه قضائیه شماره: ۱/۵۰۴۸ تاریخ: ۱۳۷۹/۷/۲۶

بسمه تعالی

حضرت آیت‌الله جنتی

دبیر محترم شورای نگهبان (دام عزه)

سلام علیکم

پیرو نامه شماره ۱/۷۹/۱۰۴۷۰ و سؤالاتی که در آن از شورای محترم نگهبان به عمل آمده بود نظر مبارک حضرات را به دو مطلب ذیل معطوف می‌دارم:

۱- فعلاً سؤال شماره ۲ و به تبع آن سؤال شماره ۶ مورد نیاز قوه قضائیه نبوده لهذا تقاضا می‌شود این سؤال را از لیست حذف نمائید.

۲- در مورد سؤال اول (تعریف لایحه قضائی) منظور از سؤال مشخص کردن ماهیت مسائل و مواد قضائی است که بنظر اینجانب کلیه موارد ذیل را شامل می‌شود:

۱. هرگونه تعیین جرم و مجازات آن

۲. کلیه تشریفات قضائی و آئین‌های دادرسی مربوط به جنبه شکلی قضاوت.

۳. کلیه قوانین و لوایحی که به عنوان قانون عادی راجع به یکی از اصول فصل یازدهم قانون اساسی تنظیم شده باشد.

در صورت مطابقت نظر مبارک حضرات با این موارد و یا هرگونه تغییری در آن ما را بهره‌مند فرمائید.

والسلام علیکم و رحمه‌الله و برکاته

سید محمود هاشمی شاهرودی

رئیس قوه قضائیه

۱۳۷۹/۷/۲۶

نظریه شورای نگهبان (تفسیری) شماره: ۹۷/۲۱/۱۰۶۵ تاریخ: ۱۳۷۹/۷/۳۰

سلام علیکم

عطف به نامه‌های شماره ۱/۷۹/۱۰۴۷ مورخ ۱۳۷۹/۷/۱۷ و ۱/۵۰۴۸ مورخ ۱۳۷۹/۷/۲۶:

موضوع در جلسه شورای نگهبان مورد بحث و بررسی قرار گرفت و نظر تفسیری شورا ذیلاً اعلام می‌شود:

۱. فرق لوایح قضایی و غیر قضایی مربوط به محتوای آن است و محتوای لوایح قضایی را فصل یازدهم قانون اساسی بویژه اصول ۱۵۶ و ۱۵۷ و ۱۵۸ و موضوعات مربوط به آنها در اصول دیگر فصل یازدهم و سایر اصول مربوط به امور قضایی معین می‌کند.
۲. هیأت دولت نمی‌تواند مستقلاً لایحه قضایی تنظیم نموده و آن را به مجلس شورای اسلامی جهت تصویب نهایی ارسال نماید.
۳. لوایح قضایی که توسط رئیس قوه قضائیه تهیه و به دولت ارسال می‌شود، به مجلس شورای اسلامی تقدیم می‌گردد. هرگونه تغییر مربوط به امور قضایی در این گونه لوایح فقط با جلب موافقت رئیس قوه قضائیه مجاز می‌باشد.

اصل یکصد و پنجاه و نهم:

مرجع رسمی تظلمات و شکایات، دادگستری است. تشکیل دادگاه‌ها و تعیین صلاحیت آنها منوط به حکم قانون است.

اصل یکصد و شصتم:

وزیر دادگستری مسئولیت کلیه مسائل مربوطه به روابط قوه قضائیه با قوه مجریه و قوه مقننه را بر عهده دارد و از میان کسانی که رئیس قوه قضائیه به رئیس جمهور پیشنهاد می‌کند انتخاب می‌گردد. رئیس قوه قضائیه می‌تواند اختیارات تام مالی و اداری و نیز اختیارات استخدامی غیر قضات را به وزیر دادگستری تفویض کند. در این صورت وزیر دادگستری دارای همان اختیارات و وظایفی خواهد بود که در قوانین برای وزراء به عنوان عالی‌ترین مقام اجرایی پیش‌بینی می‌شود.

استفساریه شماره: ۱/۷۸/۶۷۸۸ تاریخ: ۱۳۷۸/۷/۱۳

چون طبق اصل ۱۵۷ قانون اساسی مقام معظم رهبری، رئیس قوه قضائیه را به منظور انجام مسئولیت‌های قوه قضائیه در کلیه امور قضایی و اداری و اجرایی تعیین می‌فرمایند و نظر به اینکه طبق بند ۱ اصل ۱۵۸ این قانون ایجاد تشکیلات لازم در دادگستری از وظایف رئیس قوه قضائیه محسوب گردیده است.

و با عنایت به اصل ۱۶۸ قانون اساسی که در آن اصل، از عنوان وزارت دادگستری ذکری به میان نیامده و تنها وزیر دادگستری را به عنوان مسئول کلیه مسائل مربوطه به روابط قوه قضائیه با قوای مجریه و مقننه معرفی نموده است در صورتی که وزیر محترم دادگستری بخواهد تشکیلاتی را برای وزارت ایجاد نماید:

آیا این تشکیلات و معاونت‌های مربوط به آن بایستی به نحوی که در اصل ۱۵۸ آمده ایجاد شود؟ و از اعتبارات اداری مالی قوه قضائیه استفاده نماید یا تشکیلات ایجاد شده جزء تشکیلات قوه مجریه محسوب گردیده و خارج از شمول اصل مذکور است و نیازی به تصویب و تأیید رئیس قوه قضائیه ندارد.

خواهشمند است با عنایت به اصل ۹۸ قانون اساسی نظر تفسیری شورای نگهبان را اعلام فرمایید.

نظریه شورای نگهبان (تفسیری) شماره: ۷۸/۲۱/۵۵۱۵ تاریخ: ۱۳۷۸/۸/۲

عطف به نامه شماره ۱/۷۸/۶۷۸۸ مورخ ۷۸/۷/۱۳: موضوع در جلسه مورخ ۱۳۷۸/۷/۲۹ شورای نگهبان مطرح شد و نظر تفسیری شورا به شرح ذیل اعلام می‌گردد: (آنچه مربوط به وظایف وزیر دادگستری مذکور در اصل ۱۶۰ قانون اساسی است مشمول اصل ۱۵۸ قانون اساسی خواهد بود. این تشکیلات باید به تصویب رئیس قوه قضائیه برسد و اعتبارات آن باید از طرف قوه قضائیه تأمین شود. آنچه مربوط به وظایف وزارتی وزیر دادگستری و نیز وظایفی است که هیأت دولت به عهده وی واگذار کرده مشمول اصل ۱۵۸ قانون اساسی نیست و تشکیلات آن باید به تصویب دولت برسد)

نامه قوه قضائیه شماره: ۷۷۱۶/۷۸/۱ تاریخ: ۱۳۷۸/۸/۸

بسمه تعالی

حضرت آیت‌الله جنّتی

دبیر محترم شورای نگهبان

با سلام

عطف به شماره ۷۸/۲۱/۵۵۱۵ - ۷۸/۸/۲ با توجه به قسمت دوم پاسخ شورای محترم نگهبان این سوال پیش می‌آید آیا تشکیلات جدیدالتاسیس به عنوان تشکیلات وابسته به هیأت دولت است و یا تشکیلاتی است که به عنوان وزارت دادگستری ایجاد می‌شود در صورت دوم چون مشمول اصل ۱۵۸ قانون اساسی خواهد بود دولت نمی‌تواند وزارتی جداگانه با تشکیلاتی جدید برخلاف آنچه که در قانون اساسی آمده است ایجاد نماید خواهشمند است پس از بررسی مجدد نظریه توضیحی شورای محترم نگهبان را اعلام فرمائید.

سید محمود هاشمی شاهرودی

رئیس قوه قضائیه ۷۸/۸/۸

نامه قوه قضائیه شماره: ۱/۷۸/۸۱۱۵ تاریخ: ۱۳۷۸/۸/۱۹

محضر شریف برادر بزرگوار حضرت آیت‌الله جنّتی

دبیر محترم شورای نگهبان

سلام علیکم

عطف بپاسخ آن شورای محترم که شفاهاً بدین شرح اعلام گردید.

آنچه مربوط به وظائف وزارتی وزیر دادگستری است که ارتباط با قوه قضائیه ندارد و نیز در مورد وظائفی که هیأت دولت به عهده وی واگذار کرده است مشمول اصل ۱۵۸ نمی‌باشد/ مراتب زیر معروض می‌گردد.

اولاً از مفاد این پاسخ چنین استنباط می‌گردد حتی اگر هیأت دولت وظایفی را بر عهده وزارت دادگستری نگذارد وزارت دادگستری وظائف دیگری دارد که ارتباط با قوه قضائیه ندارد و این مطلب یقیناً برخلاف قانون اساسی است چون معنایش این است که این وزارت ابتداء هم می‌تواند وظایفی خارج از محدوده رابط بودن قوه قضائیه با دو قوه دیگر داشته باشد که بعید است منظور عزیزان در آن شورای محترم با آن تیزی‌بینی و دقت نظر که حقیر در آنان سراغ داشتم این مطلب باشد.

ثانیاً پیشنهاد مشخص این جانب این است که بخش اول این ذیل حذف شود و فقط گفته شود چنانچه وظائفی را هیأت دولت برعهده وزارت دادگستری یا شخص وزیر دادگستری بگذارد که ارتباط با قوه قضائیه نداشته باشد مشمول اصل ۱۵۸ نیست.

ثالثاً چنانچه برخی از اعضای محترم شورا با این پیشنهاد نیز موافق نباشند که ظاهراً در آن روز جلسه چنین احساس کردم - از جنابعالی بعنوان دبیر شورای نگهبان تقاضا دارم این مکاتبات را در سابقه مربوط به این اصل از اصول قانون اساسی منظور و محفوظ بدارید تا مظلومیت قوه قضائیه برای تاریخ و آیندگان ثبت شود. این جانب خوف آن را دارم که بر اثر این تفسیر شورای محترم نگهبان در آینده دو تشکیلات مستقل از هم و غیر هماهنگ یکی بعنوان قوه قضائیه و دیگری بعنوان تشکیلات وزارت دادگستری ایجاد شود و باز در درون وزارت دادگستری دو سنخ تشکیلات عریض و طویل راه یابد یکی مربوط به قوه قضائیه و دیگری مستقل و آزاد عمل کند. که قطعاً مضر بوده و برخلاف روح تمرکز قوه قضائیه و استقلال آن که از اصول مربوط به قوه قضائیه در بازنگری قانون اساسی استفاده میشود خواهد بود. والسلام علیکم ورحمت اله

سید محمود هاشمی شاهرودی

رئیس قوه قضائیه

اصل یکصد و شصت و یکم:

دیوان عالی کشور به منظور نظارت بر اجرای صحیح قوانین در محاکم و ایجاد وحدت رویه قضایی و انجام مسئولیت‌هایی که طبق قانون به آن محول می‌شود بر اساس ضوابطی که رئیس قوه قضائیه تعیین می‌کند تشکیل می‌گردد.

تاریخ: ۱۳۶۹/۴/۱۰

استفساریه شماره: ۶۹/۶۹/۱۴۰/۸۶۶۱

با عنایت به اینکه طبق قوانین موجود (که قسمتی از آن به ضمیمه ارسال می‌گردد) نظارت بر دادسراها و محاکم با دادسرای دیوان عالی کشور و دادستان کل کشور است و از سوی دیگر بر مبنای استنباط از اصل یکصد و شصت و یکم قانون اساسی واحد نظارت بر محاکم زیر نظر ریاست محترم دیوان عالی کشور تشکیل شده است. خواهشمند است اعلام نظر فرمائید:

۱- دیوان عالی کشور در اصل مذکور شامل دادسرای دیوان عالی هم هست یا خیر؟

۲- در صورتی که دیوان عالی کشور شامل دادسرای دیوان هم باشد، نظارت ریاست دیوان بر محاکم نیاز به قانون دارد یا طبق همین اصل ریاست دیوان می‌تواند در عرض دادسرای دیوان نظارت بر محاکم داشته باشد؟

دادستان کل کشور

محمد محمدی‌ری شهری

پیوست:

قسمتی از مواد قانونی که دلالت بر اختیارات و حق نظارت دادستان کل بر محاکم و دادسراها دارد:

ماده ۴۹ قانون اصول تشکیلات دادگستری: «مدعیان عمومی صاحب منصبانی هستند که برای حفظ حقوق عامه و نظارت در اجرای قوانین موافق مقررات قانونی انجام وظیفه می‌نمایند.»

ماده ۵۲ قانون اصول تشکیلات دادگستری: «مدعیان عمومی نسبت به جریان امور محاکمی که در نزد آن محاکم مأموریت دارند نظارت داشته و مراقب می‌باشند که تجاوز از حدود قانونی کشور و در صورت تجاوز و سوء جریان به وزارت عدلیه راپورت خواهند داد.»

ماده ۱۷ قانون اصلاح پاره‌ای از قوانین دادگستری: «دادستان کل بر کلیه دادسراهای شهرستان و استان و دیوان کیفر نظارت دارد و برای حسن اجرای قانون و ایجاد هماهنگی بین آنها پیشنهادهای لازم را به وزیر دادگستری می‌دهد.

چون طبق ماده ۱۷ دادستان کل بر دادسراهای عمومی نظارت دارد و دادستان‌های عمومی نیز به موجب دو ماده فوق بر حسن اجرای قوانین در محاکم نظارت دارند در نتیجه دادستان کل نیز نظارت بر محاکم و دادسراها را دارد.»

ماده ۱۹۳ قانون دیات: «هرگاه مجنی علیه ولی نداشته باشد دادستان کل کشور به منزله ولی او است و موظف است حق او را بدون عفو استیفا نماید.»

ماده ۵۲ قانون حدود و قصاص: «... اگر ولی دم غایب باشد و غیبت او طولانی شود حاکم شرع ولی او است و برابر مصلحت تصمیم می‌گیرد.

به موجب مصوبه شورای عالی قضائی چون قضات مأذون در محاکم حاکم شرع نیستند لذا در مورد ماده ۵۲ قانون حدود و قصاص نیز طبق ماده ۱۹۳ قانون دیات باید عمل شود.»

ماده ۵۵۱ قانون آئین دادرسی مدنی: «... عضو ممیز مکلف است ضمن مراجعه به پرونده برای تهیه گزارش چنانچه از هر یک از قضات یا دادستان‌ها یا دادیاران یا بازپرس‌ها که در آن پرونده مداخله داشته‌اند تخلف مواد قانون و یا اعمال غرض و یا بی‌اطلاعی از مبانی قضائی مشاهده نمود آن را مشروحاً و با استدلال در گزارش خود تذکر دهد و همچنین نماینده دادستان دیوان کشور در آن شعبه نیز مکلف است چنانچه تخلفاتی به شرح فوق در پرونده مشاهده نمود که عضو ممیز آن را در گزارش خود قید نکرده بود آن را به مشارالیه تذکر دهد و در هر دو صورت هرگاه بین عضو ممیز و نماینده دادستان موافقت در تعقیب حاصل شد رونوشتی از گزارش مزبور رأساً به دادگاه عالی انتظامی فرستاده می‌شود که طبق مقررات مورد رسیدگی قرار گیرد...».

ماده ۳۵ قانون تشکیل دادگاه‌های کیفری ۱ و ۲ و شعب دیوان عالی کشور: «هرگاه رئیس دیوانعالی کشور یا دادستان کل کشور آرای هریک از محاکم اعم از حقوقی، کیفری، مدنی، خاص انقلاب و نظامی را ولو اینکه در مقام تجدیدنظر صادر شده باشد نسبت به موارد تجدیدنظر مذکور در قانون تعیین موارد تجدیدی نظر احکام دادگاه‌ها و نحوه رسیدگی آنها قابل تجدید نظر بدانند حق درخواست تجدید نظر بنحو مندرج در قانون مذکور را دارند در مورد این ماده مرجع تجدید نظر مجدد آرای صادره وسیله دادگاه در مقام تجدید نظر دیوان عالی کشور است.

تبصره - آرائی که وسیله دادگاه‌های حقوقی یا کیفری و نظامی یک در مقام رسیدگی تجدیدنظر نسبت به آرای دادگاه‌های حقوقی یا کیفری یا نظامی دو صادر می‌شود جز به درخواست رئیس دیوان عالی کشور یا دادستان کل کشور قابل تجدید نظر مجدد در دیوان عالی کشور نمی‌باشد.»

* ماده ۴۲ قانون تشکیل دادگاه‌های کیفری ۱ و ۲ و شعب دیوان عالی کشور: «متداعیین یا وکلای آنان برای رسیدگی احضار نمی‌شوند مگر آنکه شعبه دیوان عالی کشور حضور آنان را برای توضیحات لازم بداند که در این صورت کسانی که حضورشان لازم است، احضار می‌گردند و پس از استماع توضیحات آنها و اظهار عقیده دادستان کل کشور یا نماینده او شعبه مبادرت به صدور رأی می‌نماید....

تبصره - دادستان کل کشور یا نماینده او ضمن اظهار عقیده راجع به رأی دادگاه می‌تواند به یک یا چند جهت پیش‌بینی شده برای تجدید نظر نسبت به مواردی که دارای جنبه عمومی است یا مورد اعتراض ذی حق قرار گرفته تقاضای تجدید نظر نماید.»

قانون مربوط به وحدت رویه قضائی مصوب تیر ماه ۱۳۲۸: «ماده واحده - هرگاه در شعب دیوان عالی کشور نسبت به موارد مشابه رویه‌های مختلف اتخاذ شده باشد به تقاضای وزیر دادگستری یا رئیس دیوان مزبور و یا دادستان کل هیأت عمومی دیوانعالی کشور موضوع مختلف فیه را بررسی کرده نسبت به آن اتخاذ نظر می‌نماید نظر اکثریت برای شعب دیوان عالی کشور و برای دادگاه‌ها در موارد مشابه لازم‌الاتباع خواهد بود.»

ماده ۳ اضافه شده به قانون آئین دادرسی کیفری مصوب مرداد ماه ۱۳۳۷: «هرگاه از طرف دادگاه‌های اعم از جزائی و حقوقی راجع به استنباط از قوانین رویه‌های مختلفی اتخاذ شده باشد دادستان کل پس از اطلاع مکلف است موضوع را در هیأت عمومی دیوان کشور مطرح نموده رأی هیأت عمومی را در آن باب بخواهد رأی هیأت عمومی در موضوعاتی که قطعی شده بی‌اثر است ولی از طرف دادگاه‌ها باید در موارد مشابه پیروی شود.

ماده ۴۰ قانون اصول تشکیلات دادگستری: «... در صورتی که عقیده دادیار انتظامی بر تخلف و دادستان انتظامی بر عدم تعقیب باشد پرونده نزد دادستان کل فرستاده می‌شود در این صورت نظر دادستان دیوان عالی کشور اجراء خواهد شد در مواردی که عقیده به تعقیب باشد ادعای نامه تهیه و به امضای دادستان انتظامی قضات دادگاه عالی انتظامی فرستاده می‌شود...».

ماده ۴۳ قانون امور حسبی: «دادستان دیوان کشور از هر طریقی که مطلع به سوء استنباط از مواد این قانون در دادگاه‌ها بشود به اختلاف نظر دادگاه‌ها راجع به امور حسبی اطلاع حاصل کند که مهم و مؤثر باشد نظر هیأت عمومی دیوان کشور را خواسته و به وزارت دادگستری اطلاع می‌دهد که به دادگاه‌ها ابلاغ شود و دادگاه‌ها مکلفند بر طبق نظر مزبور رفتار نمایند.»

نظریه شورای نگهبان (تفسیری) شماره: ۴۱۸ تاریخ: ۱۳۶۹/۵/۳

جناب حجت الاسلام والمسلمین آقای محمدی ری شهری

دادستان محترم کل کشور

عطف به نامه شماره ۶۹/ ۶۹/ ۱۴۰/ ۸۶۶۱ مورخ ۱۳۶۹/ ۴/ ۱۰:

موضوع سؤال در جلسه روز سه‌شنبه دوم مرداد ماه ۱۳۶۹ شورای نگهبان مطرح و مورد بحث و بررسی قرار گرفت. نظر متفق علیه شورا به شرح ذیل اعلام می‌گردد:

«۱- با توجه به تشکیلات موجود عنوان دیوان عالی کشور در اصل ۱۶۱ قانون اساسی شامل دادرسی دیوان عالی نیز می‌باشد.

۲- در خصوص نظارت رئیس دیوان عالی کشور و دادستان کل و ایجاد واحد نظارت توسط هر یک از آنان اصل ۱۶۱ ساکت است و نیاز به قانون دارد».

قائم‌مقام دبیر شورای نگهبان

حسین مهرپور

اصل یکصد و شصت و دوم:

رئیس دیوان عالی کشور و دادستان کل باید مجتهد عادل و آگاه به امور قضایی باشند و رئیس قوه قضائیه با مشورت قضات دیوان عالی کشور آنها را برای مدت پنج سال به این سمت منصوب می‌کند.

اصل یکصد و شصت و سوم:

صفات و شرایط قاضی طبق موازین فقهی به وسیله قانون معین می‌شود.

اصل یکصد و شصت و چهارم:

قاضی را نمی‌توان از مقامی که شاغل آن است بدون محاکمه و ثبوت جرم یا تخلفی که موجب انفصال است به طور موقت یا دائم منفصل کرد یا بدون رضای او محل خدمت یا سمتش را تغییر داد مگر به اقتضای مصلحت جامعه با تصمیم رئیس قوه قضائیه پس از مشورت با رئیس دیوان عالی کشور و دادستان کل نقل و انتقال دوره‌ای قضات بر طبق ضوابط کلی که قانون تعیین می‌کند صورت می‌گیرد.

تاریخ: ۱۳۶۹/۴/۱۴

استفساریه شماره: ۱/۵۶۳۹/م

خاطر مبارک مستحضر است که در بحث‌های بازنگری قانون اساسی این جانب اصرار داشتم که ابهام از اصل یکصد و شصت و چهارم برداشته شود و پیشنهاد مشخص این بود که پس از پایان جمله اول اصل، کلمه... (یا بدون رضای او) جداگانه به شکل جمله مستقل بیاید که تغییر محل خدمت یا سمت متعلق مستثناؤه‌منه باشد و به هر دلیل پذیرفته نشد دستور فرمائید نظر تفسیری آن شورای محترم را نسبت به قید و استثناء که آیا به جمله اخیر می‌خورد یا به همه ابلاغ فرمائید

تاریخ: ۱۳۶۹/۴/۲۳

شماره: ۰۴۴۸

نظریه شورای نگهبان (تفسیری)

عطف به نامه شماره ۱/۵۶۳۹/م مورخ ۱۳۶۹/۴/۱۴:

موضوع سؤال در جلسه روز سه شنبه نوزدهم تیر ماه ۱۳۶۹ شورای نگهبان مطرح و مورد بحث و بررسی قرار گرفت. نظر تفسیری شورا بشرح ذیل اعلام می‌گردد:

"استثناء مندرج در اصل ۱۶۴ قانون اساسی (مگر به اقتضای مصلحت جامعه با تصمیم رئیس قوه قضائیه پس از مشورت با رئیس دیوان عالی کشور و دادستان کل) صرفاً ناظر به جمله دوم اصل؛ یعنی عبارت (یا بدون رضای او محل خدمت یا سمتش را تغییر داد) می‌باشد و ارتباطی به جمله صدر اصل ندارد"

اصل یکصد و شصت و پنجم:

محاکمات، علنی انجام می‌شود و حضور افراد بلامانع است مگر آن که به تشخیص دادگاه، علنی بودن آن منافی عفت عمومی یا نظم عمومی باشد یا در دعاوی خصوصی طرفین دعوا تقاضا کنند که محاکمه علنی نباشد.

اصل یکصد و شصت و ششم:

احکام دادگاه‌ها باید مستدل و مستند به مواد قانون و اصولی باشد که بر اساس آن حکم صادر شده است.

اصل یکصد و شصت و هفتم:

قاضی موظف است کوشش کند حکم هر دعوا را در قوانین مدونه بیابد و اگر نیابد با استناد به منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر، حکم قضیه را صادر نماید و نمی‌تواند به بهانه سکوت یا نقص یا اجمال یا تعارض قوانین مدونه از رسیدگی به دعوا و صدور حکم امتناع ورزد.

اصل یکصد و شصت و هشتم:

رسیدگی به جرایم سیاسی و مطبوعاتی علنی است و با حضور هیأت منصفه در محاکم دادگستری صورت می‌گیرد. نحوه انتخاب، شرایط، اختیارات هیأت منصفه و تعریف جرم سیاسی را قانون بر اساس موازین اسلامی معین می‌کند.

اصل یکصد و شصت و نهم:

هیچ فعلی یا ترک فعلی به استناد قانونی که بعد از آن وضع شده است جرم محسوب نمی‌شود.

اصل یکصد و هفتم:

قضات دادگاه‌ها مکلفند از اجرای تصویب‌نامه‌ها و آیین‌نامه‌های دولتی که مخالف با قوانین و مقررات اسلامی یا خارج از حدود اختیارات قوه مجریه است خودداری کنند و هر کس می‌تواند ابطال این گونه مقررات را از دیوان عدالت اداری تقاضا کند.

نامه قوه قضاییه شماره: ۱/۷۹/۱۸۲۴۷ تاریخ: ۱۳۷۹/۱۰/۲۸

بسمه تعالی

حضرت آیت‌الله... جنّتی "دام توفیقاته"

دبیر محترم شورای نگهبان قانون اساسی

با سلام و تحیات:

پیرو نامه شماره ۱۷۲/م/ک/۴ مورخ ۷۹/۱۰/۴ دیوان عدالت اداری، دایر به درخواست اعلام نظر تفسیری شورای محترم نگهبان، راجع به موارد ابطال مندرج در نامه پیروی، عنایت تسریع در صدور پاسخ و ارسال نسخه‌ای از نظریه ابرازی برای این جانب موجب امتنان خواهد بود.

سید محمود هاشمی شاهرودی

رئیس قوه قضائیه

۷۹/۱۰/۲۶

استفساریه شماره: ۱۷۲/م/ک/۴۱ تاریخ: ۱۳۷۹/۱۰/۴

همان گونه که آگاهی دارند در اصل یکصد و هفتادم قانون اساسی مصرح است که قضات دادگاه‌ها مکلفند از اجرای تصویب‌نامه‌ها و آیین‌نامه‌های دولتی که مخالف با مقررات اسلامی یا خارج از حدود و اختیارات قوه مجریه است خودداری ورزند و نیز هر کس می‌تواند ابطال اینگونه مقررات را از دیوان عدالت اداری درخواست نماید.

باعنایت به اصل فوق آرائی که از هیأت عمومی دیوان صادر می‌گردد، به چهار دسته کلی قابل تقسیم است.

۱. ابطال به لحاظ اینکه مورد طبق نظر فقهای محترم شورای نگهبان خلاف شرع تشخیص گردیده است.

۲. صدور رأی وحدت رویه و تعیین اصلح الزامین در اعلام تعارض آراء شعب دیوان.

۳. نقص آراء مخدوش و ارجاع به شعبه دیگر.

۴. مواردی که از برخی مصوبات، آیین‌نامه‌ها یا بخشنامه‌ها توسط اشخاص حقیقی یا حقوقی به دیوان شکایت می‌شود و دیوان موظف به رسیدگی است و نهایتاً در صورت مغایرت بخش‌نامه یا آیین‌نامه یا مصوبه با قانون یا تشخیص خروج از حدود اختیارات رأی با بطلان آن داده می‌شود.

اینک پرسش پیش آمده این است که آثار ابطال به ویژه در مورد چهارم با توجه به تبعات بسیار گسترده حقوقی و مالی و اجتماعی که قابل تأمل است، از چه زمانی مترتب می‌گردد، آیا از زمان تصویب قانون مؤثر است؟ یا از زمان صدور رأی؟ یا احیاناً رأی هیأت عمومی موردی ملاحظه خواهد شد و یا اصلاً نسبت به موارد فرق می‌کند؟

آیا رسمیت مصوبات قابل شکایت در دیوان نیاز به تأیید، امضاء، رضایت، سکوت توأم با رضایت دیوان دارد، تا قبل از آن به طور کلی ملغی‌الاثرباشد. یا ابطال دیوان کاشف از عدم صحت مصوبه است. یا ابطال مانند نقل در باب اجازه می‌ماند یا کشف حکمی می‌کند. واضح است چنانچه کشف از بطلان بنماید که ظاهر امر چنین است یک نوع حمایت جدی قانونی و مالی و اداری و حقوقی را می‌طلبد و الا تبعات و آثار فراوانی برای کشور بوجود خواهد آورد.

مستدعی است نظر تفسیری آن شورای محترم را در این باب به دیوان عدالت اداری ابلاغ فرمائید، عنایت دارید که این قبیل موارد ابطال نیاز به شکایت و طرح دادخواست در دیوان دارد و چه بسا تا رسیدگی دیوان سالها با زمان مصوبه فاصله باشد، در صورت نیاز اجازه فرمائید حضوراً نیز توضیح داده شود.

نظریه شورای نگهبان (تفسیری) شماره: ۸۰/۲۱/۱۲۷۹ تاریخ: ۱۳۸۰/۲/۱۸

عطف به نامه شماره ۱۸۲۴۸/۱۷۹/۱ مورخ ۱۳۷۹/۱۰/۲۸ مبنی بر تفسیر اصل یکصد و هفتادم از این جهت که وقتی در مواردی توسط دیوان عدالت اداری تصویب‌نامه یا آیین‌نامه دولتی مخالف با قوانین و مقررات اسلامی یا خارج از حدود اختیارات قوه مجریه تشخیص داده می‌شود و رأی به ابطال آنها صادر می‌گردد، آثار ابطال از چه زمانی مترتب بر آن موارد می‌شود، موضوع در جلسه مورخ ۱۳۷۹/۱۲/۱۰ شورای نگهبان مطرح شد که نظر تفسیری شوری به شرح زیر اعلام می‌گردد؛

«نسبت به ابطال آیین‌نامه‌ها و تصویب‌نامه‌ها و بخشنامه‌ها اصل یکصد و هفتادم به خودی خود اقتضاء بیش از ابطال از زمان ابطال را ندارد، لکن چون ابطال موارد خلاف شرع مستند به تشخیص فقهای شورای نگهبان است و از مصادیق اعمال اصل چهارم قانون اساسی می‌باشد، فلذا ابطال از زمان تصویب آنها خواهد بود».

تاریخ: ۱۳۸۳/۸/۲۸

استفساریه شماره: ۱/۸۳/۱۱۸۷۰

آیا محدوده اختیارات دیوان عدالت اداری در این اصل شامل تصویب‌نامه‌ها و آیین‌نامه‌های قوه مقننه و قضائیه و سازمان‌های وابسته به آنها و همچنین مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی و مصوبات اداری شورای نگهبان مجمع تشخیص و امثال آن نیز می‌شود یا مخصوص به تصویب‌نامه‌ها و آیین‌نامه‌های دولت به معنای قوه مجریه می‌باشد؟

تاریخ: ۱۳۸۳/۱۰/۲۱

شماره: ۸۳/۳۰/۹۳۸۷

نظریه شورای نگهبان (تفسیری)

«با توجه به قرینه «قوة مجریه» در قسمت اخیر اصل یکصد و هفتادم قانون اساسی مقصود از تعبیر «دولتی» در این اصل قوه مجریه است.»

اصل یکصد و هفتاد و یکم:

هر گاه در اثر تفسیر یا اشتباه قاضی در موضوع یا در حکم یا در تطبیق حکم بر مورد خاص، ضرر مادی یا معنوی متوجه کسی گردد، در صورت تقصیر، مقصر طبق موازین اسلامی ضامن است و در غیر این صورت خسارت به وسیله دولت جبران می‌شود، و در هر حال از متهم اعاده حیثیت می‌گردد.

اصل یکصد و هفتاد و دوم:

برای رسیدگی به جرایم مربوط به وظایف خاص نظامی یا انتظامی اعضاء ارتش، ژاندارمری، شهربانی و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، محاکم نظامی مطابق قانون تشکیل می‌گردد، ولی به جرایم عمومی آنان یا جرایمی که در مقام ضابط دادگستری مرتکب شوند در محاکم عمومی رسیدگی می‌شود. دادستانی و دادگاه‌های نظامی، بخشی از قوه قضائیه کشور و مشمول اصول مربوط به این قوه هستند.

اصل یکصد و هفتاد و سوم:

به منظور رسیدگی به شکایات، تظلمات و اعتراضات مردم نسبت به مأمورین یا واحدها یا آیین‌نامه‌های دولتی و احقاق حقوق آنها، دیوانی به نام "دیوان عدالت اداری" زیر نظر رئیس قوه قضائیه تأسیس می‌گردد. حدود اختیارات و نحوه عمل این دیوان را قانون تعیین می‌کند.

اصل یکصد و هفتاد و چهارم:

بر اساس حق نظارت قوه قضائیه نسبت به حسن جریان امور و اجرای صحیح قوانین در دستگاه‌های اداری سازمانی به نام "سازمان بازرسی کل کشور" زیر نظر رئیس قوه قضائیه تشکیل می‌گردد. حدود اختیارات و وظایف این سازمان را قانون تعیین می‌کند.

تاریخ: ۱۳۶۰/۱۰/۲۹

استفساریه شماره: ۳/۴۰۶/۹

خواهشمند است نظر آن شورای محترم را در مورد حدود و نحوه نظارت قوه قضائیه بر حسن اجرای قوانین با توجه به بند ۳ اصل ۱۵۶ و اصل ۱۷۴ قانون اساسی و مواد ۹ و ۱۰ قانون تشکیل سازمان بازرسی کل کشور اعلام فرماید.

تاریخ: ۱۳۶۰/۱۱/۱۵

شماره: ۴۲۰۹

نظریه شورای نگهبان (تفسیری)

بر حسب بند ۳ اصل ۱۵۶ قانون اساسی قوه قضائیه نظارت بر حسن اجراء قوانین دارد. بنابر این اصل می‌تواند در موارد تخلف از اجرا قوانین به مقامات مسؤول اخطار کند و مقامات مسؤول موظفند به اخطارات قوه قضائیه که به موجب اصل ۱۷۴ قانون اساسی انجام می‌شود توجه نمایند و در صورت عدم توجه، از قانون اساسی تخلف نموده‌اند و ترتیب و حدود این وظایف در قانون عادی نیز بیان شده است.

فصل دوازدهم: صدا و سیما

اصل یکصد و هفتاد و پنجم:

در صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران، آزادی بیان و نشر افکار با رعایت موازین اسلامی و مصالح کشور باید تأمین گردد. نصب و عزل رئیس سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران با مقام رهبری است و شورایی مرکب از نمایندگان رئیس جمهور و رئیس قوه قضائیه و مجلس شورای اسلامی (هر کدام دو نفر) نظارت بر این سازمان خواهند داشت. خطمشی و ترتیب اداره سازمان و نظارت بر آن را قانون معین می‌کند.

تاریخ: ۱۳۷۹/۴/۲

استفساریه

احتراماً، با توجه به اظهار نظر بعضی از اشخاص حقیقی و حقوقی پیرامون نحوه اداره صدا و سیما و خصوصی سازی شبکه‌های رادیویی و تلویزیونی و برداشت‌های مختلف از اصول ۱۷۵ و ۴۴ قانون اساسی و همچنین با عنایت به اینکه در جلسه‌ای که در محل شورای نگهبان در جریان مذاکرات اصل ۴۴ قانون اساسی به همراه دو تن از حقوقدانان این شورا با نمایندگان مجلس شورای اسلامی و نمایندگان دولت داشتیم در مورد امکان خصوصی سازی صدا و سیما مطالبی عنوان نمودند لذا مطابق ماده ۱۸ آئین‌نامه داخلی شورای نگهبان درخواست می‌شود تفسیر آن شورای محترم را نسبت به موارد ذیل صریحاً اعلام فرمایند:
الف - مطابق ذیل اصل ۱۷۵ قانون اساسی خط مشی و ترتیب اداره نظارت بر سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران را قانون معین می‌کند. آیا عبارت ((در صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران آزادی بیان و نشر افکار با رعایت موازین اسلامی و مصالح کشور باید تأمین گردد))، نیز که در صدر این اصل ذکر شده می‌تواند به وسیله قانون عادی تشریح و تعیین گردد؟
ب - آیا مطابق اصل ۴۴ قانون اساسی امکان ایجاد و راه‌اندازی شبکه‌های خصوصی رادیویی و تلویزیونی وجود دارد یا خیر؟

تاریخ: ۱۳۷۹/۷/۱

شماره: ۷۹/۲۱/۹۷۹

نظریه شورای نگهبان (تفسیری)

عطف به نامه مورخ ۱۳۷۹/۴/۲ جناب‌عالی مبنی بر اینکه آیا عبارت «در صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران، آزادی بیان و نشر افکار با رعایت موازین اسلامی و مصالح کشور باید تأمین گردد» که در صدر اصل ۱۷۵ قانون اساسی آمده است، می‌تواند بوسیله قانون عادی تشریح و تعیین گردد؟ و همچنین آیا امکان ایجاد و راه‌اندازی شبکه‌های خصوصی رادیو و تلویزیون با توجه به اصل ۴۴ قانون اساسی وجود دارد یا خیر؟

موضوع با توجه به ماده ۱۸ آئین‌نامه داخلی در جلسه مورخ ۱۳۷۹/۷/۶ شورای نگهبان مطرح و نظریه تفسیری شوری در خصوص این دو اصل به شرح ذیل اعلام می‌گردد؛

الف - نظریه تفسیری در خصوص اصل ۱۷۵ قانون اساسی

مطابق اصل ۱۷۵ قانون اساسی در نظام جمهوری اسلامی ایران صدا و سیما زیر نظر مستقیم مقام معظم رهبری می‌باشد. بنابراین سیاستگذاری، هدایت و تدابیر لازم در همه ابعاد خصوصاً در راستای تحقق آزادی بیان و نشر افکار با رعایت موازین اسلامی و مصالح کشور در همه شئون و مراتب که در صدر اصل مذکور به آن اشاره شده است از اختیارات اختصاصی آن مقام می‌باشد.

ب - نظریه تفسیری در خصوص اصل ۴۴ قانون اساسی؛

مطابق نص صریح اصل ۴۴ قانون اساسی در نظام جمهوری اسلامی ایران رادیو و تلویزیون دولتی است و تأسیس و راه‌اندازی شبکه‌های خصوصی رادیویی و تلویزیونی به هر نحو، مغایر این اصل می‌باشد. بدین جهت انتشار و پخش برنامه‌های صوتی و تصویری از طریق سیستم‌های فنی قابل انتشار فراگیر (همانند ماهواره، فرستنده، فیبر نوری و غیره) برای مردم در قالب امواج رادیویی و کابلی غیر از سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران خلاف اصل مذکور است.

فصل سیزدهم: شورای عالی امنیت ملی

اصل یکصد و هفتاد و ششم:

به منظور تأمین منافع ملی و پاسداری از انقلاب اسلامی و تمامیت ارضی و حاکمیت ملی "شورای عالی امنیت ملی" به ریاست رئیس جمهور، با وظایف زیر تشکیل می‌گردد.

۱. تعیین سیاست‌های دفاعی - امنیتی کشور در محدوده سیاست‌های کلی تعیین شده از طرف مقام رهبری.
۲. هماهنگ نمودن فعالیت‌های سیاسی، اطلاعاتی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی در ارتباط با تدابیر کلی دفاعی - امنیتی.
۳. بهره‌گیری از امکانات مادی و معنوی کشور برای مقابله با تهدیدهای داخلی و خارجی. اعضای شورا عبارتند از: - رؤسای قوای سه گانه - رئیس ستاد فرماندهی کل نیروهای مسلح - مسئول امور برنامه و بودجه - دو نماینده به انتخاب مقام رهبری - وزیر امور خارجه، کشور، اطلاعات - حسب مورد وزیر مربوط و عالیت‌ترین مقام ارتش و سپاه.

شورای عالی امنیت ملی به تناسب وظایف خود شوراهای فرعی از قبیل شورای دفاع و شورای امنیت کشور تشکیل می‌دهد. ریاست هر یک از شوراهای فرعی با رئیس جمهور یا یکی از اعضای شورای عالی است که از طرف رئیس جمهور تعیین می‌شود. حدود اختیارات و وظایف شوراهای فرعی را قانون معین می‌کند و تشکیلات آنها به تصویب شورای عالی می‌رسد. مصوبات شورای عالی امنیت ملی پس از تأیید مقام رهبری قابل اجراست.

فصل چهاردهم: بازنگری در قانون اساسی

اصل یکصد و هفتاد و هفتم:

بازنگری در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، در موارد ضروری به ترتیب زیر انجام می‌گیرد:

مقام رهبری پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام طی حکمی خطاب به رئیس جمهور موارد اصلاح یا متمیم قانون اساسی را به شورای بازنگری قانون اساسی با ترکیب زیر پیشنهاد می‌نماید:

۱. اعضای شورای نگهبان.
۲. رؤسای قوای سه‌گانه.
۳. اعضای ثابت مجمع تشخیص مصلحت نظام.
۴. پنج نفر از اعضای مجلس خبرگان رهبری.
۵. ده نفر به انتخاب مقام رهبری.

۶. سه نفر از هیأت وزیران.

۷. سه نفر از قوه قضائیه.

۸. ده نفر از نمایندگان مجلس شورای اسلامی.

۹. سه نفر از دانشگاهیان.

شیوه کار و کیفیت انتخاب و شرایط آن را قانون معین می‌کند. مصوبات شورا پس از تأیید و امضای مقام رهبری باید از طریق مراجعه به آراء عمومی به تصویب اکثریت مطلق شرکت‌کنندگان در همه‌پرسی برسد. رعایت ذیل اصل پنجاه و نهم در مورد همه‌پرسی "بازنگری در قانون اساسی" لازم نیست. محتوای اصول مربوط به اسلامی بودن نظام و ابتدای کلیه قوانین و مقررات بر اساس موازین اسلامی و پایه‌های ایمانی و اهداف جمهوری اسلامی ایران و جمهوری بودن حکومت و ولایت امر و امامت امت و نیز اداره امور کشور با اتکاء به آراء عمومی و دین و مذهب رسمی ایران تغییر ناپذیر است.

قانون نحوه اجرای اصل هشتاد و پنجم و یکصد و سی و هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در رابطه با

مسئولیت‌های رئیس مجلس شورای اسلامی

مصوب ۱۳۶۸/۱۰/۲۶ با آخرین اصلاحات تا تاریخ ۱۳۸۸/۱/۳۰

ماده واحده - تصویب‌نامه‌ها و آئین‌نامه‌های دولت و مصوبات کمیسیون‌های مذکور در اصل یکصد و سی و هشتم و نیز مصوبات موضوع اصل هشتاد و پنجم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به اطلاع رئیس مجلس شورای اسلامی می‌رسد در صورتی که رئیس مجلس آن را خلاف قانون تشخیص بدهد نظر خود را با ذکر دلیل به دولت اعلام می‌نماید، چنانچه این قبیل مصوبات بعضاً یا کلاً خلاف قانون تشخیص داده شوند حسب مورد هیأت وزیران و یا کمیسیون مربوطه مکلف است ظرف یک هفته پس از اعلام نظر رئیس مجلس نسبت به اصلاح مصوبه اقدام و سپس دستور فوری توقف اجرای آن را صادر نماید.

تبصره ۱ - هیأت دولت و کمیسیون‌های موضوع اصل یکصد و سی و هشتم قانون اساسی مکلفند علاوه بر ارسال متن مصوبات و مستندات آن به درخواست رئیس مجلس، سوابق و اطلاعات و متن مذاکرات هیأت دولت و کمیسیون‌های مربوطه را در اسرع وقت در اختیار وی قرار دهند.

تبصره ۲ - اگر بین رئیس مجلس و هیأت دولت و یا کمیسیون‌های مربوطه از جهت استنباط از قوانین اختلاف نظر حاصل شود نظر رئیس مجلس معتبر است.

تبصره ۳ - مصوبات دولت و کمیسیون‌های مربوط در مورد اصل هشتاد و پنجم (۸۵) و یکصد و سی و هشتم (۱۳۸) قانون اساسی باید ظرف یک هفته از تاریخ تصویب ضمن ابلاغ، برای اجرای آن به اطلاع رئیس مجلس شورای اسلامی برسد. (الحاقی ۱۳۷۸)

تبصره ۴ - چنانچه تمام یا قسمتی از مصوبه مورد ایراد رئیس مجلس شورای اسلامی قرار گیرد و پس از اعلام ایراد به هیأت وزیران، ظرف مدت مقرر در قانون، نسبت به اصلاح یا لغو آن اقدام نشود پس از پایان مدت مذکور حسب مورد تمام یا قسمتی از مصوبه مورد ایراد، ملغی‌الثر خواهد بود. (الحاقی ۱۳۷۸)

تبصره ۵ - رئیس مجلس شورای اسلامی به منظور بررسی و اعلام نظر مقدماتی نسبت به تصویب‌نامه‌های هیأت وزیران و کمیسیون‌های مربوط می‌تواند از وجود کارشناسان خبره در رشته‌های مختلف حقوقی، مالی، اداری و غیره (بدون ایجاد ردیف سازمانی) به عنوان عضو هیأت بررسی و تطبیق مصوبات دولت با قوانین استفاده کند. نظرات و آراء هیأت مزبور جنبه مشورتی دارد و اتخاذ تصمیم نهائی با رئیس مجلس است. (الحاقی ۱۳۷۸)

تبصره ۶ - رئیس مجلس شورای اسلامی می‌تواند یک نفر از شاغلین در قوای سه‌گانه یا غیر آن و یا یک نفر از بازنشستگان را به سمت رئیس هیأت و با عنوان مشاور رئیس مجلس انتخاب کند. در صورتی که رئیس هیأت کارمند دولت باشد براساس مقررات مربوط به مجلس شورای اسلامی مأمور یا منتقل می‌شود و چنانچه بازنشسته بوده یا کارمند دولت نباشد سمت او شغل دولتی محسوب نمی‌شود. (الحاقی ۱۳۷۸)

تبصره ۷- رئیس مجلس می‌تواند آیین‌نامه اجرائی این قانون را تصویب کند. هزینه اجرائی مربوط از محل اعتبارات مصوب مجلس شورای اسلامی پرداخت می‌شود. (الحاقی ۱۳۷۸)

تبصره ۸- در مواردی که رئیس مجلس شورای اسلامی مصوبات، آیین‌نامه‌ها و تصویب‌نامه‌های مقامات مذکور در اصول هشتاد و پنجم (۸۵) و یکصد و سی و هشتم (۱۳۸) قانون اساسی را مغایر با متن و روح قوانین تشخیص دهد نظر وی برای دولت معتبر و لازم‌الاتباع است و دیوان عدالت اداری نسبت به این گونه موارد صلاحیت رسیدگی ندارد. تطابق تصمیمات مقامات مذکور با موارد ذکر شده با رئیس مجلس شورای اسلامی می‌باشد. این قانون از تاریخ تصویب لازم‌الاجراء است و شامل موارد قبلی که نظر ریاست مجلس رعایت نگردیده نیز می‌شود. همچنین کلیه قوانین مغایر از جمله قانون استفساریه ماده (۲۵) قانون دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۸۰/۱۲/۱۴ نسخ می‌شود. (الحاقی ۱۳۸۸)

سوالات درس حقوق اساسی آزمون کانون وکلای دادگستری ۱۴۰۰ (۱۴۰۱/۴/۳۰)

۱. برابر اصل ۲۱ قانون اساسی به ترتیب دولت موظف است حقوق چه کسی (کسانی) را در تمام جهات و با رعایت کدام یک از موارد زیر تضمین کند؟

۱. زن - موازین اسلامی

۲. شهروند - موازین اسلامی

۳. اقشار آسیب‌پذیر - قوانین و مقررات

۴. همه افراد - قانون اساسی

۲. برابر قانون اساسی، تشکیل اجتماعات و راهپیمایی‌ها به شرط آنکه نباشد، آزاد است.

۱. بدون حمل سلاح - قواعد آمره

۲. بدون حمل سلاح - مخل به مبانی اسلام

۳. با گرفتن مجوز - قواعد آمره

۴. با گرفتن مجوز - مخل به مبانی اسلام

۳. برابر قانون اساسی وظیفه ایجاد شغل توسط دولت، با رعایت کدام یک از موارد زیر است؟

۱. بدون هیچ گونه محدودیت

۲. حقوق دیگران و اصل تخصص

۳. با توجه به امکانات دولت

۴. نیاز جامعه و شرایط مساوی

۴. هیچکس را نمی‌توان دستگیر کرد، مگر به حکم و ترتیبی که معین می‌کند در صورت بازداشت باید حداکثر ظرف

مدت ساعت، پرونده مقدماتی به مراجع صالحه قضائی ارسال و مقدمات محاکمه فراهم شود.

۱. قانون - ۴۸ - در اسرع وقت

۲. قاضی - ۴۸ - یک هفته

۳. قانون - ۲۴ - در اسرع وقت

۴. قاضی - ۲۴ - یک هفته

۵. حق دسترسی و انتخاب، وکیل در کدام فصل قانون اساسی و در چه موضوعی آمده است؟

۱. سوم - حقوق ملت

۲. اول - اصول کلی

۳. سوم - حق حاکمیت مردم

۴. یازدهم - قوه قضائیه

۶. کدام مورد در خصوص وظایف قوه قضائیه صحیح نیست؟

۱. پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین

۲. احیای حقوق عامه و گسترش عدل و آزادی‌های مشروع
۳. نظارت بر حسن اجرای صحیح قوانین در دستگاه‌های اداری
۴. رسیدگی به حساب‌های دستگاه‌های اجرایی که هیچ هزینه‌ای از اعتبارات مصوب تجاوز نکرده باشد.
۷. مطابق اصل ۲۶ قانون اساسی، عدم نقض کدام مورد زیر در زمره شرایط و محدودیت‌های فعالیت تشکّل‌ها نیست؟
 ۱. استقلال
 ۲. آزادی
 ۳. حقوق عمومی
 ۴. وحدت ملی
۸. کدام مورد در خصوص علنی بودن رسیدگی در دادگاه‌های صحیح است؟
 ۱. علنی بودن بر خلاف منافع یکی از طرفین باشد.
 ۲. تشخیص غیرعلنی نمودن در همه دعاوی با دادگاه است.
 ۳. تشخیص دادگاه در غیرعلنی بودن جرائم سیاسی و مطبوعاتی لازم‌الاجراست.
 ۴. در دعاوی خصوصی طرفین دعوا حق درخواست برگزاری محاکمات غیرعلنی را دارند.
۹. در خصوص صدور حکم در دادگاه‌ها کدام مورد صحیح است؟
 ۱. احکام دادگاه‌ها باید مستدل و مستند به قوانین و مقررات یا رویه شعب دیوان عالی کشور باشد.
 ۲. احکام دادگاه‌ها باید مستدل و مستند به مواد قانونی و اصولی باشد که بر اساس آن حکم صادر شده است.
 ۳. قاضی موظف است حکم هر دعوا را در قوانین مدوّنه یا با استناد به منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر صادر کند.
 ۴. قاضی نمی‌تواند به بهانه سکوت یا نقض یا اجمال قوانین مدوّنه با استناد به منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر حکم قضیه را صادر کند.
۱۰. قضات دادگاه‌ها مکلفند از اجرای که مخالف با خودداری کنند و هر کس می‌تواند ابطال این گونه مقررات را از تقاضا کند.
 ۱. قوانین و مقررات - قانون اساسی و قوانین و مقررات اسلامی - دیوان عدالت اداری
 ۲. تصویب‌نامه‌ها و آیین‌نامه‌های دولت - قانون اساسی و خارج از حدود اختیارات قوای سه‌گانه - دیوان عالی کشور
 ۳. تصویب‌نامه‌ها و آیین‌نامه‌های دولتی - قوانین و مقررات اسلامی یا خارج از حدود اختیارات قوه مجریه است - دیوان عدالت
- اداری
 ۴. قوانین و مقررات - سیاست‌های کلی نظام و خارج از حدود اختیارات قوه مجریه - رئیس مجلس شورای اسلامی بر اساس اصل ۱۳۸ قانون اساسی
۱۱. کدام مورد در خصوص ابتکار قانون‌گذاری توسط شورای عالی استان‌ها صحیح است؟
 ۱. حق دارد در حدود وظایف خود طرح‌هایی تهیه و مستقیماً یا از طریق دولت به مجلس شورای اسلامی پیشنهاد کند.
 ۲. می‌تواند در کلیه امور طرح‌هایی تهیه و مستقیماً یا از طرف دولت یا مجلس شورای اسلامی پیشنهاد کند.
 ۳. حق دارد در حدود وظایف خود لوایحی تهیه و به مجلس شورای اسلامی پیشنهاد کند.
 ۴. حق دارد در کلیه امور طرح‌های خود را به مجلس شورای اسلامی پیشنهاد کند.
۱۲. مطابق قانون اساسی در خصوص نظارت شورای نگهبان بر قواعد حقوقی کدام مورد صحیح‌تر است؟
 ۱. نظارت بر قوانین
 ۲. نظارت بر قوانین و اساسنامه‌ها
 ۳. نظارت بر مصوبات مجلس شورای اسلامی
 ۴. نظارت بر قوانین و مصوبات مجلس شورای اسلامی و مقررات
۱۳. اعمال قوه مقننه از کدام طریق زیر صورت می‌گیرد؟
 ۱. مجلس شورای اسلامی شورای عالی انقلاب فرهنگی و شورای عالی امنیت ملی
 ۲. مجلس شورای اسلامی و در مسائل بسیار مهم ممکن است از راه همه‌پرسی
 ۳. همه‌پرسی و شوراهای محلی
 ۴. مجلس شورای اسلامی

۱۴. اعمال قوه مجریه از کدام یک از طرق زیر صورت می‌گیرد؟

۱. رئیس جمهور، وزیران، استانداران و فرمانداران
۲. رهبری، رئیس جمهور و وزیران
۳. رئیس جمهور و وزیران
۴. رهبری و رئیس جمهور

۱۵. کدام مورد در خصوص برقراری حکومت نظامی و محدودیت‌های ضروری، صحیح است؟

۱. برقراری حکومت نظامی ممنوع است ولی برقراری محدودیت‌های ضروری به صورت موقت در حالت جنگ و شرایط اضطراری نظیر آن حق دولت با تصویب مجلس شورای اسلامی است.
۲. در حالت جنگ و شرایط اضطراری نظیر آن دولت حق دارد به صورت موقت حکومت نظامی برقرار سازد.
۳. برقراری حکومت نظامی ممنوع است لیکن در حالت جنگ و شرایط اضطراری نظیر آن مجاز است.
۴. برقراری حکومت نظامی بیش از ۳۰ روز ممنوع است.

۱۶. در خصوص اصل منع جمع مشاغل کدام مورد صحیح است؟

۱. کارمند دولت می‌تواند مدیر عامل شرکت خصوصی باشد.
۲. امکان جمع شغل دولتی و سمت آموزشی در دانشگاه وجود ندارد.
۳. اصل بر عدم امکان جمع یک شغل دولتی و یک شغل خصوصی است.
۴. اصل بر امکان جمع یک شغل دولتی و یک شغل خصوصی و عدم امکان جمع دو شغل دولتی است.

۱۷. کدام مورد صحیح است؟

۱. در خصوص اختلاف نظر یا تداخل در وظایف قانونی دستگاه‌های دولتی، تصمیم هیأت وزیران مبتنی بر تفسیر قانون، لازم‌الاجرا است.
۲. در مورد اختلاف نظر یا تداخل وظایف قانونی دستگاه‌های دولتی، تصمیم هیأت وزیران که با پیشنهاد رئیس جمهور اتخاذ می‌شود لازم‌الاجرا است.
۳. در مورد اختلاف نظر یا تداخل در وظایف قانونی دستگاه‌های دولتی، در صورتی که نیاز به تفسیر قانون عادی داشته باشد در صلاحیت دیوان عالی کشور است.
۴. کلیه دعاوی و اختلاف نظر یا تداخل در وظایف قانونی دستگاه‌های دولتی، باید در دیوان عدالت اداری زیر نظر رئیس قوه قضائیه طرح و تصمیم‌گیری شود.

۱۸. کدام مورد در خصوص صلاحیت‌های دیوان عالی کشور، صحیح است؟

۱. ایجاد تشکیلات قضایی لازم در دادگستری، نظارت بر اجرای صحیح قوانین در دادگاه‌ها و ایجاد وحدت رویه قضایی
۲. ایجاد تشکیلات لازم در دادگستری، ایجاد وحدت رویه قضایی و صدور حکم به تخلف رئیس جمهور از وظایف قانونی
۳. نظارت بر اجرای صحیح قوانین در دادگاه‌ها، ایجاد وحدت رویه قضایی و صدور حکم به تخلف رئیس جمهور از وظایف قانونی
۴. نظارت بر حسن اجرای قوانین در دادگاه‌ها و دستگاه‌های اداری، ایجاد وحدت رویه قضایی و مشورت به رئیس قوه قضائیه در تعیین دادستان کل کشور

۱۹. قاضی را نمی‌توان از مقامی که شاغل آن است،

۱. بدون تأیید دادستان کل کشور معلق کرد.
۲. بدون رضایت وی و پیشنهاد رئیس دیوان عالی کشور و تأیید رئیس قوه قضائیه برکنار کرد.
۳. بدون محاکمه و ثبوت جرم یا تخلفی که موجب انفصال است به طور موقت یا دائم منفصل کرد.
۴. بدون رضای او به طور موقت یا دائم منفصل کرد یا محل خدمت یا سمتش را تغییر داد.

۲۰. برابر قانون اساسی، رئیس جمهور مسئولیت کدام یک از امور زیر را مستقیماً بر عهده دارد؟

۱. اداری، استخدامی، پولی و بانکی
۲. برنامه، بودجه اداری و استخدامی
۳. برنامه، بودجه و حفاظت از محیط زیست

۴. برنامه و بودجه، ارتباط با دیگر قوا و اجرای قوانین

سوالات درس حقوق اساسی آزمون مرکز وکلای قوه قضاییه ۱۴۰۱

۱. کدام گزینه در مورد انفال و ثروت‌های عمومی صحیح است؟

۱. انفال در مالکیت حکومت است.
۲. انفال در اختیار قوه مجریه است، تا برای تأمین منافع عمومی از آن استفاده کند.
۳. انفال در اختیار حکومت اسلامی است، تا بر طبق مصالح عامه نسبت به آنها عمل نماید.
۴. انفال در مالکیت مردم است، تا به نحو اشتراکی از آن استفاده نمایند.

۲. کدام گزینه جزو شرایط تصویب قوانین آزمایشی توسط مجلس نیست؟

۱. موافقت دولت و ارائه لایحه برای تصویب قانون آزمایشی
۲. ضرورت
۳. تصویب کمیسیون مربوطه در مجلس
۴. موقتی بودن قانون آزمایشی

۳. سه شأن رهبر در نظم سیاسی کنونی کشور عبارتند از:

۱. الف - جایگاه ولایت امر و امامت امت
- ب - عالی‌ترین مقام رسمی کشور و مافوق قوای سه گانه
- ج - رئیس و مسئول مستقیم بخشی از قوه قضاییه
۲. الف - جایگاه ولایت امر و امامت امت
- ب - رئیس و مسئول مستقیم بخشی از قوه قضاییه
- ج - رئیس و مسئول مستقیم بخشی از قوه مجریه
۳. الف - عالی‌ترین مقام رسمی کشور و مافوق قوای سه گانه
- ب - رئیس و مسئول مستقیم بخشی از قوه مقننه
- ج - رئیس و مسئول مستقیم بخشی از قوه مجریه

۴. الف - جایگاه ولایت امر و امامت امت

ب - عالی‌ترین مقام رسمی کشور و مافوق قوای سه گانه

ج - رئیس و مسئول مستقیم بخشی از قوه مجریه

۴. وظیفه نظارت بر حسن اجرای سیاست‌های کلی نظام به صورت ذاتی بر عهده کیست؟

۱. رهبری
۲. شورای نگهبان
۳. مجمع تشخیص مصلحت نظام
۴. مجلس شورای اسلامی
۵. رفع اختلاف و ایجاد هماهنگی میان وزرا و وظیفه کیست؟
۱. معاون اول رئیس جمهور
۲. رئیس جمهور
۳. کمیسیون رفع اختلاف هیأت وزیران
۴. رهبر

۶. کدام گزینه جزو وظایف و اختیارات رئیس جمهور نیست؟

۱. امضای موافقت‌نامه‌های بین‌المللی
۲. اعطای نشان‌های دولتی
۳. امضای نتیجه همه‌پرسی

۴. ابلاغ نظرات تفسیری شورای نگهبان از قانون اساسی

۷. کدام گزینه در خصوص نظارت شرعی فقهای شورای نگهبان بر قوانین صحیح است؟

۱. بر اساس اصول ۹۴ و ۹۵ قانون اساسی فقهای شورای نگهبان صرفاً در مهلت مقرر در این اصول می‌توانند مصوبات مجلس را خلاف موازین شرع تشخیص دهند.
۲. فقهای شورای نگهبان صلاحیت نظارت شرعی بر قوانین مصوب قبل از انقلاب را ندارند.
۳. هر زمان که فقهای شورای نگهبان قانونی را خلاف شرع تشخیص دهند نظرشان لازم‌الاتباع است.
۴. فقهای شورای نگهبان صلاحیت نظارت شرعی بر مصوبات شورای انقلاب را ندارند.

۸. کدام گزینه صحیح است؟

۱. رئیس جمهور میتواند مصوبات مجلس را که خلاف قانون اساسی می‌داند. برای تجدیدنظر به مجلس بازگرداند.
۲. رئیس جمهور مسئولیت نظارت بر اجرای قانون اساسی را بر عهده دارد.
۳. رئیس جمهور مکلف است مصوبات مجلس را امضاء کرده و ابلاغ کند.
۴. رئیس جمهور مسئولیت حل اختلاف قوا را بر عهده دارد.

۹. مجلس شورای اسلامی در خصوص کدام یک از موضوعات زیر صلاحیت قانونگذاری ندارد؟

۱. مؤسسات عمومی غیر دولتی
۲. دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی و پژوهشی
۳. انتخابات مجلس خبرگان رهبری
۴. وضع عوارض

۱۰. بر اساس قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تشریع اختصاص دارد به

۱. خداوند متعال

۲. مجلس شورای اسلامی
۳. فقهای شورای نگهبان
۴. رهبر

سوالات درس حقوق اساسی آزمون مرکز وکلای قوه قضاییه ۱۴۰۰

۱. در خصوص قوانین قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، کدام مورد صحیح است؟

۱. فقهای شورای نگهبان می‌توانند آنها را به دلیل مغایرت با شرع، ملغی اعلام کنند.
۲. مجمع تشخیص مصلحت نظام می‌تواند ابتدائاً راجع به آن قوانین قانونگذاری کند.
۳. دیوان عدالت اداری به درخواست هر ذی‌نفع، طبق نظر فقهای شورای نگهبان می‌تواند آنها را ابطال کند.
۴. مجلس شورای اسلامی، فقط در صورت اعلام نظر فقهای شورای نگهبان، حق نسخ و جایگزینی آنها را دارد.

۲. قانون اساسی در راستای حفاظت از محیط زیست، چه محدودیت‌هایی را پیش‌بینی کرده است؟

۱. ممنوعیت مطلق اشتغال به مشاغل آلوده‌کننده و مخرب محیط زیست
۲. ممنوعیت فعالیت‌های اقتصادی ملازم با تخریب غیرقابل جبران محیط زیست

۳. ممنوعیت استفاده بی‌رویه از آب‌های زیرزمینی
۴. ممنوعیت هرگونه تغییر کاربری جنگل‌ها و مراتع ملی

۳. در کدام یک از موارد زیر، امضا تشریفاتی است؟

۱. امضای مصوبات شورای بازنگری قانون اساسی از سوی مقام رهبری

۲. امضای سوگندنامه توسط نمایندگان مجلس شورای اسلامی
۳. امضای قوانین توسط رئیس جمهور پس از تصویب در مجلس شورای اسلامی
۴. امضای حکم ریاست جمهوری توسط مقام رهبری پس از انتخاب مردم
۴. کدام مورد در خصوص لوایح قضایی، صحیح است؟
 ۱. هیئت دولت می‌تواند مستقلاً این لوایح را تنظیم و به مجلس تقدیم کند.
 ۲. توسط رئیس قوه قضائیه تهیه و توسط دولت به مجلس تقدیم می‌شود.
 ۳. رئیس قوه قضائیه مستقلاً این لوایح را تهیه و از طریق وزیر دادگستری به مجلس تقدیم می‌کند.
 ۴. هیئت دولت این لوایح را تهیه و بعد از تأیید رئیس قوه قضائیه، به مجلس تقدیم می‌کند.
۵. در محتوای اصول مربوط به کدام یک از موضوعات زیر، امکان بازنگری در قانون اساسی وجود دارد؟
 ۱. اهداف جمهوری اسلامی
 ۲. اداره امور کشور با اتکا به آرای عمومی
 ۳. جمهوری بودن حکومت
 ۴. استقلال قوا
۶. مجلس شورای اسلامی در خصوص کدام یک از موارد زیر، نمی‌تواند تحقیق و تفحص کند؟
 ۱. بانک‌های دولتی و خصوصی
 ۲. سازمان تأمین اجتماعی
 ۳. مجلس خبرگان رهبری
 ۴. مراکز و کانون‌های وکلا
۷. نظارت بر کدام یک از موارد زیر، بر عهده شورای نگهبان نیست؟
 ۱. مراجعه به آرای عمومی
 ۲. انتخابات مجلس شورای اسلامی
 ۳. انتخابات شوراهای اسلامی
 ۴. انتخابات مجلس خبرگان رهبری
۸. کدام مورد، صحیح است؟
 ۱. رئیس جمهور می‌تواند حداکثر سه ماه برای وزارت خانه‌های بدون وزیر، سرپرست تعیین کند.
 ۲. رئیس جمهور برای تصدی وزارت خانه بدون وزیر، فقط یک نفر را برای سه ماه می‌تواند به‌عنوان سرپرست تعیین کند.
 ۳. با تغییر مجلس، گرفتن رأی اعتماد برای وزرا ضروری است.
 ۴. رئیس جمهور می‌تواند سرپرستی وزارت خانه‌های بدون وزیر را حداکثر سه ماه بر عهده بگیرد.
۹. کدام مورد، صحیح است؟
 ۱. مصوبات مجمع تشخیص مصلحت نظام می‌تواند خلاف موازین شرع باشد.
 ۲. تغییر در ارقام بودجه به هر میزان، به‌وسیله طرح قانونی امکان‌پذیر است.
 ۳. مصوبه مجلس در خصوص مراجعه به آرای عمومی، نیاز به تأیید شورای نگهبان ندارد.
 ۴. تفسیر مواد قانونی مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام، با خود مجمع است.
۱۰. کدام مورد، جزو صلاحیت‌های مجمع تشخیص مصلحت نظام نیست؟
 ۱. مشاوره در اموری که رهبری به مجمع تشخیص مصلحت نظام ارجاع می‌دهد.
 ۲. پیشنهاد موارد اصلاح یا تنظیم قانون اساسی به شورای بازنگری قانون اساسی
 ۳. تهیه و تصویب مقررات مربوط به مجمع تشخیص مصلحت نظام
 ۴. حل معضلات نظام که از طرق عادی قابل حل نیست، پس از ارجاع رهبری

انتخاب قلم، چینش و آماده‌سازی این جزوه با هدف استفاده و صرفه‌جویی حداکثری از کاغذ انجام شده؛ امید داریم چنانچه احتمالاً از سهولت استفاده از مجموعه کاسته شده، خوانندگان عزیز من را ببخشند و همچنین شایان ذکر است که: اگر در حین مطالعه با موارد سهو قلم و یا خطاهای انسانی دیگر که ما از آن غافل مانده‌ایم، مواجهه شدید؛ از طریق ایمیل mollakarimi.omid@gmail.com یا واتساپ ۰۹۳۵۲۲۱۳۱۷۵ با ما در میان بگذارید. **آخرین بروزرسانی جزوه: ۱۴۰۲**

اینستاگرام نویسنده: Omid_MollaKarimi



امید ملاکریمی هستم؛ به حواسِ پرتِ متولد دهه ۶۰! ارزش اصلی من در زندگی، کمک به دیگران و تأثیرگذاری بر زندگی آنهاست. به یادگیری و اشتراک گذاشتن آموخته‌هایم با دیگران علاقه‌ی زیادی دارم. البته همه تلاشم را می‌کنم تا روش‌هایی را که به افزایش کیفیت یادگیری کمک می‌کنند یاد بگیرم و بعد از افزودن تجربیات خودم، آنها را به دیگران هم انتقال بدهم. در حوزه آموزش و نویسندگی در رشته حقوق با روش «ساده‌نویسی» و «به کار بردن مثال‌های روان» متفاوتم! من به این جمله ایمان دارم: «اگر موفقیت بیشتری می‌خواهی باید به دیگران کمک کنی تا به موفقیت بیشتری دست یابند.»

داستان من: بعد از اینکه لیسانسم رو گرفتم مثل خیلی از دانش آموخته‌های حقوق وارد دوره کارشناسی ارشد شدم؛ البته باید بگم که به کار ثابت هم داشتم که ماهانه به حقوق ثابت از اوون می‌گرفتم. رفته رفته به این نتیجه رسیدم که اگه بخوام اینجوری ادامه بدم دست آخر بعد از دریافت مدرک کارشناسی ارشد و یا حتی دکتري در بهترین حالت می‌خوام به کارمند سطح بالا توو به اداره بشم که نهایتاً به حقوق خوب دریافت کنم. شاید برای خیلی‌ها رسیدن به حقوق کارمندی خوب نقطه اوج آرزوهاشون محسوب بشه اما من رسیدن به حقوق ثابت خوب رو مطلوب نمی‌دیدم. همیشه دوست داشتم مثل قهرمانای این فیلما به آدمایی که توو موقعیت‌های بد قرار گرفتن کمک کنم و با کلی غرور و کمال رضایت از مفید بودن خودم به نفس عمیق بکشم و بگم «تونستم!». از این فیلما که بگذریم ذات زندگی آدمیزاد اینه که باید بجنگه و از «یه جا نشستن» یا همون «صبح به صبح کارت زدن توو به محیط اداری» فراری باشه. خلاصه اواخر اسفند ماه بود که تصمیم گرفتم عطای حقوق ثابت را به لقایش ببخشم و از اول فروردین شروع کنم به خوندن! البته این اشتیاق سوزان باید اول اول توو خود آدم ایجاد بشه و حتی اگه دوستان و اطرافیان با تمسخر بهت بگن: «تو که کار ثابت داری، می‌خوای بشینی و بخونی که چی!»، یا بگن: «صد و ده هزار تا شرکت می‌کنن و نهایتاً سه هزار تا ور می‌دارن و تو بدون سهمیه عُمراً شانس نداری!» اطمینان نداشتم که به موفقیت برسم اما با خودم عهد کردم که اول فروردین «بسمه‌الله» بگم و با همه توانم پیش برم؛ البته قبلش از خانواده‌ام خواستم که توو این مسیر کمک کنن و این هشت ماه به کم توقع و انتظارشون رو از من کم کنن. من ریسک شیرین بلندپروازانه‌ای رو آغاز کرده بودم؛ خلاصش کنم برات: «با وجود تمام ترسی که از شکست داشتم، از تصمیم‌ام راضی بودم!». جمله به بنده‌ی خدا اوومد توو ذهنم که می‌گفت اگر آرزوت اینه که به ماشین بخری، اول برو به جاسوییچی برای ماشینی که توو روایه تهیه کن و یقین داشته باش که به ماشینه می‌رسی! منم بدون معطلی، رفتم یک سنجاق سینه کوچولو که رووش آرم کانون رو داره و وکیل‌های کانون همیشه روی کُت یا مانتوشون می‌زنن تهیه کردم. تا شروع کردم کمک‌های خدا رو دیدم که یکی یکی برام می‌اومد. مثلاً با مسؤول یه کتابخونه صحبت کردم و با وجود اینکه ساعت کار اوونجا تا ۶ بعد از ظهر بود بهم گفت: می‌تونی با نگهبان مجموعه هماهنگ کنی و تا ۱۱ شب هم از کتابخونه استفاده کنی! خلاصه اینکه ایمان داشتم اگر امروز زحمت بکشم فردا از نتیجه و میوه شیرین اوون زحمات بهره‌مند می‌شم؛ به فرموده قرآن: «فان مع العسر، یُسرا». خوشحالم از اینکه که امروز که این متن رو نوشتم در وضعیتی هستم که در تمامی آزمون‌های حقوقی (وکالت، قضاوت، ارشد، دکتري) قبول شدم و به عضویت «هیأت علمی» رسیدم و می‌خوام متنم رو با یه جمله تموم کنم: «تووی سکوت تلاش کن و اجازه بده صدای موفقیت همه جا پیچه!»

چشم‌انتظار خواندن داستان موفقیت‌تان هستم. به **امید** موفقیت تو؛ **امید** ملاکریمی

پایان گفتار ما: حمد و سپاس مخصوص پروردگار جهانیان است.

Telegram Channel: @OmidMollakarimi mail: mollakarimi.omid@gmail.com

Instagram: @vekalatyar web: mollakarimi.ir

جهت دریافت لینک جزوات آزمون‌های حقوقی به ۰۹۳۵۲۲۱۳۱۷۵ پیام بدهید یا درخواست‌تان را از طریق پیام‌رسان‌ها ارسال کنید!